

فهرست

۷.....	اقسام ربا
.....	علت تحریم ربا..... خطا محل یاب تعریف نشده.
۱۳.....	مراحل تحریم ربا در قرآن
۱۳.....	مرحله اول: نوبیخ ربای حلال
۱۴.....	مرحله دوم: توبیخ یهودیان رباخوار
۱۵.....	مرحله سوم: تحریم نوع فاحش ربا
۱۶.....	مرحله سوم: تحریم همه انواع ربا
۲۲.....	بررسی چند شبهه
۲۴.....	شبهه اول: اجاره پول
۲۴.....	پاسخ شبهه اول:
۲۴.....	نقش پول
۲۷.....	سگه
۳۰.....	شبهه دوم: قرض استهلاکی و استنتاجی
۳۰.....	پاسخ شبهه دوم
۳۲.....	شبهه سوم: (ربا یا نزول؟)
۳۳.....	پاسخ شبهه سوم:
۳۶.....	راههای فرار از ربا
۴۱.....	ربای معاملاتی
۴۳.....	ربای قرضی
۴۹.....	فتاوی مراجع تقلید درباره ربا
۴۹.....	استفاده از مال ربوی
۵۴.....	اضطرار برای استفاده از ربا
۵۵.....	جوائز بانکی
.....	چگونگی تصرف در اموال موجود در موسسات
۵۶.....	قرض الحسنه
۵۷.....	خرید و فروش پول
۶۰.....	خرید و فروش چک
۶۲.....	خرید و فروش نقد و نسیه

ربا به زبان ساده / ۶

- ۶۳..... خرید و فروش وام
- ۶۶..... جریمه دیرکرد
- ۶۸..... رباهای مجاز
- ۶۹..... ربای قرضی
- ۷۵..... ربای معاملی
- ۸۵..... رهن منزل
- ۸۶..... زیاد شدن قیمت طلا و نقره قرضی
- ۸۶..... سود سپرده بانکها
- ۹۲..... صرف برات
- ۹۴..... صندوق های محله
- ۹۶..... فرار از ربا
- ۱۰۱..... کارمزد
- ۱۰۸..... مصرف وام در غیر مورد مشروط
- ۱۰۹..... وام بانکی
- ۱۱۸..... ماهیت بانکداری اسلامی

حرمت ربا

شکی در این نیست که عمل ناپسند رباخواری با توجه به کتاب و سنت و اجماع مسلمین حرام بوده و در میان همه مسلمانان جهان عملی خلاف و ناروا و مبغوض نزد پیامبر و ائمه (ع) و نزد خداوند می‌باشد و حتی امام در تحریر الوسيله ج ۱/۵۳۶ در باب ربا می‌فرماید:

«لَا يَبْعُدُ كُونَهُ إِلَّا مِنْ ضَرُورِيَّاتِ الدِّينِ وَ هُوَ مِنْ الْكَبْرِ الْإِثْرَ الْعِظَامَ» بلکه بعید نیست که حرمت آن از ضروریات اسلام باشد و آن از گناهان بزرگ محسوب می‌شود... "و اخبار کثیری نیز از ائمه هدی (علیهم السلام) در این خصوص وارد شده است و امام چند روایت از آنها را در تحریر الوسيله ذکر می‌کند:

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «دِرْهَمٌ رِبَاً عِنْدَ اللَّهِ أَشَدُّ مِنْ سَبْعِينَ زَيْنَةً كُلِّهَا بِذَاتِ مَحْرَمٍ»^۱ گناه یک درهم ربا نزد خداوند شدیدتر است از گناه هفتاد زنا که انسان با محارم خویش انجام داده باشد.

امام صادق (علیه السلام) برای تصویر اهمیت رباخواری برای جامعه مسلمین و بجهت ایجاد رخنه عظیم در سیستم اقتصادی متعادل اسلام، ربا را به یک عمل شنیع تنفرآور تشبیه کرده است که زشتی آن را همه انسانها که دارای هر عقیده‌ای باشند قبول دارند تا بدینوسیله عمق زشتی و مراتب عمیق ناپسندی آن را مجسم سازد.

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) ضمن وصیت خویش به علی (علیه السلام) فرمود:

«يَا عَلِيُّ، الرَّبَّاءُ سَبْعُونَ جُزْءً فَأَيْسَرُهَا مِثْلُ أَنْ يَنْكِحَ الرَّجُلُ أُمَّهُ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ»^۲

ای علی، ربا هفتاد جزء دارد و آسان‌ترین آنها، این است که مرد در کنار خانه خدا نعوذ بالله با مادر خویش زنا کند.

یعنی همانطور که این عمل، بسیار زشت و نکوهیده‌ای است که طبع هیچ انسانی آن را نمی‌پذیرد و از آن تنفر دارد مضار و زیانهای ربا نیز چنین آثار ویران‌کننده اقتصادی در نظام اقتصادی اسلام دارد و جامعه را بدو قطب سرمایه‌داری و فقر و ناداری تقسیم می‌کند.

باز رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود:

«مَنْ أَكَلَ الرَّبَّاءَ مَلَأَ اللَّهُ بَطْنَهُ مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ بِقَدْرِ مَا أَكَلَ وَ إِنْ اِكْتَسَبَ مِنْهُ مَالًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ شَيْئًا مِنْ عَمَلِهِ وَ لَمْ يَزَلْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ مَا كَانَ عِنْدَهُ قِيرَاطًا»^۳

کسیکه ربا بخورد خداوند، شکم او را از آتش جهنم باندازه‌ایکه ربا خورده است پر می‌سازد و اگر از ربا، مالی بدست آورده باشد خداوند هیچ یک از اعمال او را قبول نمی‌کند و همواره مورد لعنت خدا و فرشتگانش می‌باشند. مادامیکه یک قیراط از آن نزد رباخوار وجود دارد.

در روایتی دیگر علی (علیه السلام) از پیامبر گرامی اسلام نقل کرده است:

« لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ أَكِلَ الرَّبَّاءِ وَ مُوَكِّلَهُ وَ كَاتِبَهُ وَ شَاهِدَهُ»^۴ رسول خدا، رباخورنده و ربا خوراننده و نویسنده و شاهد بر آن را لعنت فرموده است.

اشاره به اینکه وظیفه دیگران است که نه تنها کمکی به رباخوار ننمایند بلکه او را از این عمل

^۲ من لایحضره الفقیه: ۴/۳۶۵

^۳ وسائل الشیعه: ۱۸/۱۳۳

^۴ جامع الاخبار: ۱۴۵

زشت منع کنند و حتی نویسنده و شاهد بر این عمل نکوهیده نیز نباشند آری این است نظر عمیق اسلام در رباخواری و ترک آن در جامعه مسلمین و از برخی از روایات استفاده می‌شود که ربا از مسلمات قوانین اسلام بشمار می‌رود بطوریکه منکر آن مرتد بوده مرتکب گناه بزرگی گردیده است و فقهاء نیز طبق این روایات فتوا داده‌اند چنانچه امام در تحریر الوسیله چنین مطلبی فرموده‌اند.

«عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ [عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ] قَالَ بَلَغَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنْ رَجُلٍ أَنَّهُ كَانَ يَأْكُلُ الرَّبَّاءَ وَيُسَمِّيهِ اللَّبَّاءَ فَقَالَ لَئِنِ امْكَنَنِی اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ [مِنْهُ] لَأُضْرِبَنَّ عُنُقَهُ^۵».

از ابن بکیر منقول است که گفت خدمت امام صادق (علیه‌السلام) عرض شد مرد رباخوار (در توجیه این عمل زشت خویش اینگونه عقیده دارد) و می‌گوید ربا، مثل اولین شیرمادر، حلال بوده و گوارا است در پاسخ آن فرمود: اگر خداوند مرا بر او قدرت می‌داد و مانعی نبود هر آینه گردنش را می‌زدم!

یعنی کشتن او به نظر امام مشروع است؛ زیرا انکارکننده حرمت ربا، منکر ضروری دین شده چنین کسی مرتد و قتل او واجب است.

گواه بر این مطالب، روایات زیادی که مضمون آن این است که ربا با دین و ادعای دین از ناحیه رباخوار سازگار نیست به این معنا کسیکه خون جمعی را به شیشه می‌کشد و در بدترین وضع مالی یک انسانی، او را تحت سخت‌ترین فشارها قرار می‌دهد چگونه می‌تواند ادعای دینداری کرده خود را متدین و تابع خدا و رسول او بداند؟

زراره خدمت امام صادق (علیه‌السلام) عرض کرد: خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «خداوند مال ربا را بی‌برکت قرار داده و مالی را که از آن صدقه داده است زیاد و پربرکت می‌نماید^۶» در حالیکه

^۵ کافی: ۵/۱۴۷

^۶ بقره / ۲۷۶: يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ.

می‌بینیم کسانی که ربا می‌خورند در مرحله ظاهر مال او زیاد می‌شود حضرت در پاسخ او فرمود:

«کدام کم شدن و بی‌برکت بودن مال بدتر از این است که یک درهم ربا، دین رباخوار را زایل می‌سازد؟ و اگر هم از گناه خود توبه کند (و مال مرد مرا بخودشان برگرداند) مالش از دست رفته فقیر و گدا می‌شود؟»^۷

یعنی رباخوار در هر حال زیان می‌بیند اگر توبه نکرده باشد دین او زایل شده از بین می‌رود و اگر توبه کند با دادن حق دیگران، خودش فقیر و بی‌چیز می‌گردد.

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ضمن خطبه‌ای در روز عرفه در اجتماع عظیم مردم مسلمان فرمود:

«أَلَا إِنَّ كُلَّ رِبَاٍّ فِي الْجَاهِلِيَّةِ مَوْضُوعٌ وَ أَوَّلَ رِبَاٍّ أَضَعُهُ رَبَا الْعَبَّاسِ.»^۸

ای مسلمانان، هوشیار باشید که هر نوع ربائی که در زمان جاهلیت مرسوم بود از بین برده شد و آنرا زیر قدمهای خود قرار داده (کنایه از اینکه در اسلام منسوخ و باطل گردید) و اول ربائی که از بین بردم، ربای عمویم عباس است.

از اینرو در فقه اسلامی در مکاسب محرمه معامله ربوی بعنوان "خبیث‌ترین کسبها" معرفی گردیده است امام صادق (علیه‌السلام) فرمود:

«أَخْبِثُ الْمَكَّاسِبِ كَسْبُ الرَّبَا»^۹

خبیث‌ترین کسبها کسب ربائی است.

^۷ من لایحضره الفقیه: ۳/۲۷۹

^۸ عوالی الالی: ۲/۱۳۷

^۹ کافی: ۵/۱۴۷

علت تحریم ربا

اولا- در خرید و فروش معمولی هر دو طرف به طور یکسان در معرض سود و زیان هستند، گاهی هر دو سود می‌کنند و گاهی هر دو زیان، گاهی یکی سود و دیگری زیان می‌کند در حالی که در "معاملات ربوی" رباخوار هیچگاه زیان نمی‌بیند و تمام زیانهای احتمالی بر دوش طرف مقابل سنگینی خواهد کرد و به همین دلیل است که مؤسسات ربوی روز به روز وسیع‌تر و سرمایه‌دارتر می‌شوند و در برابر تحلیل رفتن طبقات ضعیف بر حجم ثروت آنها دائما افزوده می‌شود.

ثانیا- در تجارت و خرید و فروش معمولی طرفین در مسیر "تولید و مصرف" گام بر می‌دارند در صورتی که رباخوار هیچ عمل مثبتی در این زمینه ندارد.

ثالثا- با شیوع رباخواری سرمایه‌ها در مسیرهای ناسالم می‌افتد و پایه‌های اقتصاد که اساس اجتماع است متزلزل می‌گردد، در حالی که تجارت صحیح موجب گردش سالم ثروت است.

رابعا- رباخواری منشا دشمنیها و جنگهای طبقاتی است، در حالی که تجارت صحیح چنین نیست و هرگز جامعه را به زندگی طبقاتی و جنگهای ناشی از آن سوق نمی‌دهد.

آنچه گفته شد درباره ربای قرضی است ولی چرا ربای معاملاتی (جنس به جنس) حرام شده است؟

احتمال دارد که فلسفه تحریم این باشد که شارع می‌بیند که اگر اجازه معاملات ربوی بدهد، این نوع معاملات مقدمه‌ای برای سوء استفاده رباخواران می‌شود، تا ربای قرضی را به صورت ربای معاملاتی انجام دهند، مثلاً رباخوار به جای این که بگوید: صد من گندم به شما قرض می‌دهم که سر سال صد و پنجاه من گندم بگیرم، می‌گوید: صد من گندم را به صورت نقد به شما می‌فروشم در مقابل صد و پنجاه من گندم، بصورت نسیه یک ساله. بدین جهت معاملات ربوی نیز حرام شده است.

مراحل تحریم ربا در قرآن

روش قرآن در مبارزه با انحرافات ریشه‌دار اجتماعی این است که تدریجاً زمینه‌سازی می‌کند، و افکار عموم را تدریجاً به مفسد آنها آشنا می‌سازد، و آن‌گاه که آمادگی برای پذیرفتن تحریم نهایی حاصل شد قانون را به صورت صریح اعلام می‌کند؛ خصوصاً در مواردی که آلودگی به گناه زیاد و وسیع باشد.

عرب، در زمان جاهلیت آلودگی شدیدی به ربا خواری داشت و مخصوصاً محیط مکه محیط رباخواران بود، و سرچشمه بسیاری از بدبختیهای اجتماعی آنها نیز همین کار زشت و ظالمانه بود، به همین دلیل قرآن برای ریشه کن ساختن رباخواری حکم تحریم را در چهار مرحله بیان کرده است:

مرحله اول: نوبیخ ربای حلال

سوره روم آیه ۳۹: «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبَاً لِيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ، وَ مَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ. آنچه بعنوان ربا می‌پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت و آنچه را بعنوان زکات می‌پردازید و تنها رضای خدا را می‌طلبید (مایه برکت است و) کسانی که چنین می‌کنند دارای پاداش مضاعفند.»

قرآن در مرحله نخست تحریم ربا، رباهای حلالی که به عنوان هدیه به صاحبان ثروت و قدرت داده می شد مورد تقبیح قرار داده است. از این ربا در احادیث به «ربای حلال» تعبیر شده است. امام صادق (علیه السلام) درباره ربای حلال می فرمایند:

«ربا بر دو گونه است: یکی حلال و دیگری حرام، اما ربای حلال آن است که انسان به برادر مسلمانش قرضی دهد به این امید که او به هنگام باز پس دادن چیزی بر آن بیفزاید بی آنکه شرطی در میان این دو باشد، در این صورت اگر شخص وام گیرنده چیزی بیشتر به او بدهد- بی آنکه شرط کرده باشد- این افزایش برای او حلال است، ولی ثوابی از قرض دادن خود نخواهد برد، و این همان است که قرآن در جمله " فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ " بیان کرده، اما ربای حرام آن است که انسان قرضی به دیگری بدهد و شرط کند که بیش از آنچه وام گرفته به او باز پس گرداند این ربای حرام است»^{۱۰}

بنا بر این مراد از ربا، در این آیه همان " هدیه و عطیه " است و منظور از جمله " لِيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ " گرفتن پاداش بیشتر از مردم است. بدون شک گرفتن چنین پاداشی حرام نیست، چون شرط و قراردادی در کار نبوده، ولی فاقد ارزش معنوی و اخلاقی است،

خداوند با این آیه که در مکه نازل شده است، گام نخست را برای آماده ساختن مردم برای پرهیز از ربا برداشته است و چه بجا و معقول و محکم این گام برداشته شده است.

مرحله دوم: توبیخ یهودیان رباخوار

نساء: ۱۶۰ و ۱۶۱: «فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بَدَّاهُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا، وَأَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالًا

^{۱۰} تفسیر نور الثقلین ج ۴ صفحه ۱۹۱.

النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا. بخاطر ظلمی که از یهود صادر شد، و (نیز) بخاطر جلوگیری بسیار آنها از راه خدا، بخشی از چیزهای پاکیزه را که بر آنها حلال بود، حرام کردیم.^{۱۱} و (همچنین) بخاطر ربا گرفتن، در حالی که از آن نهی شده بودند و خوردن اموال مردم بباطل و برای کافران آنها، عذاب دردناکی آماده کرده‌ایم. از این آیه نیز استفاده میشود که تحریم "ربا" مخصوص به اسلام نبوده و در اقوام پیشین هم حرام بوده است.

مرحله سوم: تحریم نوع فاحش ربا

سوره آل عمران آیه ۱۳۰: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً، وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. هان! ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا را که همان دو چندان گرفتن است مخورید، و از خدا بترسید شاید رستگار شوید.»

در این آیه اشاره به تحریم ربای فاحش شده و با تعبیر "اضعافا مضاعفة" بیان گردیده است. منظور از ربای فاحش این است که سرمایه به شکل تصاعدی در مسیر ربا سیر کند یعنی سود در مرحله نخستین با اصل سرمایه ضمیمه شود و مجموعاً مورد ربا قرار گیرند، و به همین ترتیب در هر مرحله، "سود به اضافه سرمایه"، سرمایه جدیدی را تشکیل دهد، و به این ترتیب در مدت کمی از راه تراکم سود مجموع بدهی بدهکار بچندین برابر اصل بدهی افزایش یابد و به کلی از زندگی ساقط گردد.

^{۱۱} منظور از تحریم طیبات همان است که در آیه ۱۴۶ سوره انعام به آن اشاره شده آنجا که می‌فرماید: "ما به خاطر ظلم و ستم یهود هر حیوانی که "سم چاک" نباشد (مانند شتر) را بر آنها حرام کردیم و پیه و چربی گاو و گوسفند را که مورد علاقه آنها بود نیز بر آنها تحریم نمودیم مگر آن قسمتی که در پشت حیوان و یا در اطراف امعاء و روده‌ها و یا مخلوط به استخوان بود".

به طوری که از روایات و تواریخ استفاده می‌شود در زمان جاهلیت معمول بود که اگر بدهکار در راس مدت نمی‌توانست بدهی خود را بپردازد از طلبکار تقاضا می‌کرد که مجموع سود و اصل بدهی را به شکل سرمایه جدیدی به او قرض بدهد و سود آن را بگیرد! در عصر ما نیز در میان رباخواران این رباخواری بسیار ظالمانه فراوان است.

مرحله سوم: تحریم همه انواع ربا

سوره بقره آیات ۲۷۵ تا ۲۷۷:

«الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانْتَهَىٰ فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.

کسانی که ربا می‌خورند، (در قیامت) بر نمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند گاهی زمین می‌خورد، گاهی بپا می‌خیزد). این، به خاطر آن است که گفتند: «داد و ستد هم مانند ربا است (و تفاوتی میان آن دو نیست.)» در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام! (زیرا فرق میان این دو، بسیار است.) و اگر کسی اندرز الهی به او رسد، و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق [قبل از نزول حکم تحریم] به دست آورده، مال اوست (و این حکم، گذشته را شامل نمی‌گردد) و کار او به خدا واگذار می‌شود (و گذشته او را خواهد بخشید.) اما کسانی که بازگردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند)، اهل آتشند و همیشه در آن می‌مانند.»

«يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ. خداوند، ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد! و خداوند، هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست نمی‌دارد.»

«إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ ءَاتَوْا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ. کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند و نماز را برپا داشتند و زکات را پرداختند، اجرشان نزد پروردگارشان است و نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین می شوند.»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده، رها کنید اگر ایمان دارید!»

«فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِن تُبْتِئْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَّا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ. اگر (چنین) نمی کنید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد! و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما، از آن شماست [اصل سرمایه، بدون سود] نه ستم می کنید، و نه بر شما ستم وارد می شود.»

این آیات با شدت تمام، ممنوعیت حکم ربا را شرح می دهد و از لحن آن پیدا است که قبل از آن در باره ربا گفتگوهایی شده است. گفتگوهایی که در سه مرحله قبل و آیات مربوطه وجود دارد.

در مجموعه آیات مرحله چهارم، نخست در یک تشبیه گویا و رسا، حال رباخواران تشبیه به آدم مصروع یا دیوانه بیمار گونه‌ای شده که به هنگام راه رفتن قادر نیست تعادل خود را حفظ کند و به طور صحیح گام بر دارد. زیرا عمل آنها همچون دیوانگان است، آنها فاقد تفکر صحیح اجتماعی هستند و حتی نمی‌توانند منافع خود را در نظر بگیرند و مسائلی مانند تعاون، همدردی، عواطف انسانی، نوع دوستی برای آنها، مفهومی ندارد و پرستش ثروت آن چنان چشم عقل آنها را کور کرده که نمی‌فهمند استثمار طبقات زیر دست، و غارت کردن دسترنج آنان بذر دشمنی را در دل‌های آنها می‌پاشد، و به انقلابها و انفجارهای اجتماعی

که اساس مالکیت را به خطر می‌افکند منتهی می‌شود، و در این صورت امنیت و آرامش در چنین اجتماعی وجود نخواهد داشت، بنا بر این او هم نمی‌تواند راحت زندگی کند، پس مشی او مشی دیوانگان است.

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید:
 آكِلُ الرَّبَا لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَتَخَبَّطَهُ الشَّيْطَانُ.
 رباخوار از دنیا بیرون نمی‌رود مگر این که به نوعی از جنون مبتلا خواهد شد.^{۱۲}

پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرمایند:
 هنگامی که به معراج رفتم دسته‌ای را دیدم بحدی شکم آنان بزرگ بود که هر چه جدیت می‌کردند برخیزند و راه روند، برای آنان ممکن نبود، و پی در پی به زمین می‌خوردند از جبرئیل سؤال کردم: «اینها چه افرادی هستند و جرمشان چیست؟»
 جواب داد:

«اینها رباخواران هستند»^{۱۳}

حدیث اول حالت آشفتگی انسان را در این جهان منعکس می‌سازد و حدیث دوم حالات رباخواران در صحنه قیامت را بیان می‌کند و هر دو مربوط به یک حقیقت است، همانطور که افراد پرخور، فربهی زننده و بی‌رویه‌ای پیدا می‌کنند، ثروتمندانی که از راه رباخواری فربه می‌شوند نیز زندگی اقتصادی ناسالمی دارند که وبال آنها است.

قرآن سپس به گوشه‌ای از منطق رباخواران اشاره کرده، می‌فرماید: " این به خاطر آن است که آنها گفتند: بیع هم مانند ربا است " و تفاوتی میان این دو نیست (ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرَّبَا).
 یعنی هر دو از انواع مبادله است که با رضایت طرفین انجام می‌شود.

ولی قرآن در پاسخ آنها می‌گوید: چگونه این دو ممکن است یکسان باشد؟! " حال آنکه خداوند بیع

^{۱۲} تفسیر عیاشی، جلد ۱ صفحه ۱۵۲

^{۱۳} تفسیر نور الثقلین، جلد اول صفحه ۲۹۱

را حلال کرده و ربا را حرام" (وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا).

قرآن در ادامه راه را به روی توبه‌کاران باز گشوده، می‌فرماید: "هر کس اندرز الهی به او رسد و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق (قبل از حکم تحریم ربا) به دست آورده مال او است و کار او به خدا واگذار می‌شود" و گذشته او را خدا خواهد بخشید (فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَ أَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ).

"اما کسانی که (به خیره‌سری ادامه دهند) و باز گردند (و این گناه را هم چنان ادامه دهند) آنها اهل دوزخ‌اند و جاودانه در آن می‌مانند" (وَ مَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ). در جمله قبل تصریح شده بود که این قانون مانند هر قانون دیگر گذشته را شامل نمی‌شود، و به اصطلاح عطف به ما سبق نمی‌گردد، زیرا اگر قوانین بخواهد زمان قبل از تشریح خود را شامل شود، مشکلات فراوانی در زندگی مردم به وجود می‌آید، به همین دلیل همیشه قوانین از زمانی که رسمیت می‌یابد اجرا می‌شود.

البته معنی این سخن آن نیست که اگر رباخواران طلب‌هایی از افراد داشتند می‌توانستند بعد از نزول آیه چیزی بیش از سرمایه خود از آنها بگیرند، بلکه منظور این است سودهایی که قبل از نزول آیه گرفته‌اند بر آنها مباح شده است.

جمله "وَ أَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ" گرچه ظاهرش این است که آینده این گونه افراد از نظر عفو و مجازات روشن نیست، بلکه بسته به لطف الهی است، ولی با توجه به جمله قبل از آن (فَلَهُ مَا سَلَفَ)، معلوم می‌شود که منظور همان عفو است، گویا اهمیت گناه ربا سبب شده است که حتی حکم عفو در باره کسانی که قبل از نزول آیه دست به این کار زده‌اند به طور صریح گفته نشود.

در پایان این آیه اشاره به عذاب جاویدان شده بود، با اینکه می‌دانیم چنین عذابی مخصوص کفار

است، نه افراد با ایمان گنهکار، گویا این تعبیر اشاره به آن است که رباخواران که اصرار بر ربا دارند، ایمان درستی ندارند، چرا که با این قانون مسلم الهی که مخالفت با آن، همچون جنگ با خداوند است به مخالفت برخاستند و یا اینکه رباخواری مستمر و دائم سبب می‌شود که آنها بدون ایمان از دنیا بروند و عاقبتشان تیره و تار گردد.

این احتمال نیز وجود دارد که خلود در اینجا مانند آیه ۹۳ سوره نساء^{۱۴} که حکم عذاب جاودان و خلود را در باره قاتلان افراد بی گناه ذکر کرده به معنی مجازات طولانی باشد نه ابدی و جاویدان. در آیه بعد مقایسه‌ای بین ربا و انفاق در راه خدا می‌کند، می‌فرماید: "خداوند ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد" (يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَاَ وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ).

سپس می‌افزاید: "خداوند هیچ انسان بسیار ناسپاس گنهکار را (که آن همه برکات انفاق را فراموش کرده و به سراغ آتش سوزان رباخواری می‌رود) دوست نمی‌دارد" (وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ).

"محقق" به معنی نقصان و نابودی تدریجی است، و "ربا" نمو و رشد تدریجی است از آنجا که رباخوار به وسیله ثروتی که در دست دارد حاصل دسترنج طبقه زحمتکش را جمع می‌کند و گاه با این وسیله به هستی و زندگی آنان خاتمه می‌دهد و یا لا اقل بذر دشمنی و کینه در دل آنان می‌پاشد به طوری که تدریجا تشنه خون رباخوار می‌گردند و جان و مالش را در معرض خطر قرار می‌دهند. قرآن می‌گوید: "خدا سرمایه‌های ربوی را به نابودی سوق می‌دهد" این نابودی تدریجی که برای افراد رباخوار هست برای اجتماع رباخوار نیز می‌باشد.

^{۱۴} مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا

در مقابل، کسانی که با عواطف انسانی و دلسوزی در اجتماع گام می‌نهند و از سرمایه و اموالی که تحت اختیار دارند انفاق کرده و در رفع نیازمندیهای مردم می‌کوشند، با محبت و عواطف عمومی مواجه می‌گردند و سرمایه آنها نه تنها در معرض خطر نیست بلکه با همکاری عمومی، رشد طبیعی خود را می‌نماید این است که قرآن می‌گوید " و انفاقها را افزایش می‌دهد".

این حکم در فرد و اجتماع یکی است، در اجتماعی که به نیازمندیهای عمومی رسیدگی شود قدرت فکری و جسمی طبقه زحمتکش و کارگر که اکثریت اجتماع را تشکیل می‌دهد بکار می‌افتد و به دنبال آن یک نظام صحیح اقتصادی که بر پایه همکاری عمومی و بهره‌گیری عموم استوار است به وجود می‌آید.

" کفار " (از ماده کفور بر وزن فجور) به کسی گویند که بسیار ناسپاس و کفران کننده باشد و " اثم " کسی است که گناه زیاد مرتکب می‌شود.

جمله فوق می‌گوید: رباخواران نه تنها با ترک انفاق و قرض الحسنه و صرف مال در راه نیازمندیهای عمومی شکر نعمتی که خداوند به آنها ارزانی داشته به جا نمی‌آورند بلکه آن را وسیله هر گونه ظلم و ستم و گناه و فساد قرار می‌دهند و طبیعی است که خدا چنین کسانی را دوست نمی‌دارد.^{۱۵}

اقسام ربا

ربا بر دو قسم است: ربای معاملاتی و ربای قرضی. ربای معاملاتی عبارت است از این که: یک جنس را با جنس مشابه آن معامله کنند، در حالی که یکی از نظر وزن بیش از دیگری است؛ مثلاً یک من گندم را به یک من و نیم گندم بفروشند، هر چند یکی از دیگری مرغوب‌تر باشد، یا یک کیلو شیر پرچربی را به یک کیلو و نیم شیر کم چربی بفروشند.

ربای معاملاتی در مکیل و موزون جاری است نه در معدود. مثلاً اگر در منطقه ای تخم مرغ را دانه ای می فروشند، می توان مثلاً ۲۰ عدد تخم مرغ رسمی را به ۳۰ عدد تخم مرغ ماشینی فروخت. ولی اگر در منطقه ای تخم مرغ را وزنی و یا شانه ای می فروشند، معامله فوق ربوی خواهد بود.

قسم دوم، ربای قرضی است و در این قسم تفاوتی بین مکیل و موزون و معدود نیست، شارع مقدس ربای قرضی را ممنوع و سود حاصل از آن را حرام کرده است؛ هر نوع سودی که باشد.

سود را بعضی از علماء مثل آیت الله سیستانی منحصر در مال می دانند (منهاج: ۲/۲۸۳) ولی بعضی دائره آن را به غیر مال مثل دعا کردن نیز گسترش می دهند و می گویند اگر شما وامی به کسی دهید و شرط کنید که برای اموات شما یک فاتحه بخواند، باز هم حرام است؛ چون شرط قرائت فاتحه خود نوعی سود است! مگر این که با او شرط

کنید که فلان عملی را که بر واجب است انجام دهد مثل این که نماز را بخواند و یا روزه اش را بگیرد، که در « صورت اشکال ندارد..

همچنین اگر پولی قرض داده شود به شرط آن که بعد از مدتی به شما وامی تعلق بگیرد، بازهم حرام است. کاری که متأسفانه بعضی از مؤسسه های مالی انجام می دهند.

اگر وام دهنده شرط کند که در فلان مکان، پول را بازپرداخت نماید، در صورتی که وام دهنده از این شرط سودی می برد باز هم شبهه ربا دارد. منهاج:

بررسی چند شبهه

بعضی برای توجیه رباخواری خود این شبهاتی را مطرح می‌کنند:

شبهه اول: اجاره پول

که ربا، در واقع اجاره دادن پول است! همانگونه که اجاره دادن ملک صحیحی است و ژس از اتمام مدت اجاره، مستأجر باید هم اصل ملک را برگرداند و هم اجاره بها را، در ربای قرضی نیز، وام دهنده پولش را در ازای مبلغی (که همان بهره پول باشد) به وام گیرنده اجاره می‌دهد و بعد از اتمام مدت اجاره، اصل پول و میزان اجاره را از او مطالبه می‌کند!

پاسخ شبهه اول:

آیه الله بهشتی در کتاب «ربا در اسلام» به این شبهه با روشن نمودن ماهیت پول و سکه پاسخ می‌دهد:

نقش پول

«پول»، نماینده‌ی مقداری کار انباشته است. اگر ده هزار تومان پول در دست من باشد، این ده هزار تومان به معنی ده هزار واحد کار انباشته است. مثل این است که جامعه، یک حواله‌ی انبار صادر

کرده و به دست من داده است. کار انباشته‌ی مرا گرفته، به انبار جامعه آورده، حواله‌ای به دست من داده و گفته است هر وقت این فرد مراجعه کرد، معادل ده هزار واحد کار انباشته از هر نوعی که می‌خواست به او بدهید. پس پول چنین نقشی دارد و خود پول هم نمایشگر کار انباشته است حالا همان‌گونه که خانه، مقداری کار انباشته بود و می‌توانستم از آن استفاده کنم و آن را اجاره بدهم، می‌خواهم این نمایشگر کار انباشته را مثل خود آن کار به عنوان نماینده اش اجاره بدهم؛ یعنی این ده‌هزار تومان را که در دست دارم اجاره بدهم و چرا ماهیانه هزار تومان بگیرم. چه تفاوتی دارد؟ چرا این کار حرام است؟ چرا اجاره دادن پول حرام است؟ بعضی از کسانی که ربا را آب می‌کشند و می‌خورند، یکی از طرق آب کشیدن‌شان همین است که می‌گویند: «ما که ربا ندادیم! پولمان را اجاره دادیم!»، ولی به هر حال قصه باز همین است: ... ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا...؛ «... آنان گفتند: داد و ستد صرفاً مانند رباست.» و حال آن‌که خدا داد و ستد را حلال، و ربا را حرام گردانیده است...».

پس یک فرقی لابد در این‌جا هست؟

تا وقتی که زندگی انسان‌ها ساده بود، داد و ستدها رو در رو و محلی بود؛ اصولاً داد و ستد و خرید و فروش از طریق مبادله‌ی کالا با کالا انجام گرفت و چیزی به عنوان پول در کار نبود؛ کسی که پنجاه من گندم داشت، سی من آن را برای خوراک خود می‌خواست و بیست من هم اضافه داشت، اما (در مقابل) عدس و نخود نداشت به همین خاطر پنج من از این بیست من گندم خود را با عدس عوض می‌کرد، و چهار من آن را با نخود؛ یعنی مبادله‌ی کالا با کالا. هم این فرد صاحب گندم و عدس و نخود می‌شد و هم او، ولی وقتی که داد و ستد وسعت، گسترش و تنوع پیدا کرد، مبادله‌ی کالا با کالا در زندگی انسان مشکل ایجاد نمود و زندگی را

پیچیده کرد. مثلاً یک کفاش پانصد جفت کفش تهیه می‌کرد و در مغازه‌اش می‌گذاشت. یک نفر می‌آید و گوسفندی می‌داد و دو جفت کفش می‌گرفت، دیگری یک پیت روغن می‌آورد و دو جفت کفش می‌خواست، دیگری یک کیلو کره می‌آورد و یک جفت کفش می‌برد. شب که می‌شد برای این کفاش ۳۰۰ جفت کفش باقی می‌ماند و دو رأس گوسفند، چهار تا مرغ، دو کبوتر، سه من گندم، یک کیلو روغن، یک کیلو کره، دو کیلو ماست و سه کیلو شیر و... خوب! با این‌ها چه کار بکند؟ تازه اول مکافات است که این‌ها را چه‌طوری مصرف بکند.

این‌گونه شد که دیگر مبادله‌ی کالا به کالا مقدور نبود و باید به این مسأله شکل صحیحی می‌داد. چه باید کرد؟ باید چیز ارزنده‌ای را پیدا کنیم که نگهداری‌اش هم مشکل نباشد و بتوان آن را به دست همه کس داد و خراب شدنی هم نباشد. آن چیز چه می‌تواند باشد؟

بشر آن‌روزها تازه آهن را که فلزی قیمتی بود، کشف کرده بود. تولید آن در دنیا بسیار کم بود و استفاده از آهن در بخش‌های مختلف ابزارسازی یک ابتکار و اختراع و کشف برجسته به حساب می‌آمد. گفتند: (در عوض) «آهن» می‌دهیم. کسی که دو من گندم می‌داد، دو سیر آهن می‌گرفت، که نگهداری آن به مراتب آسان‌تر بود. پس از آن که آهن فراوان شد. «مس»، پس از فراوانی مس، «مفرغ» و پس از آن فلزی در دنیا پیدا شد که بشر خودش را هم می‌کشت، نمی‌توانست نسبت تولیدش را خیلی زیاد بکند و آن «طل» و «نقره» بود. سرانجام طلا و نقره فلزی شدند که می‌توانستند وسیله مبادله باشند. کفاش ما که دویست جفت کفش می‌فروخت، دویست مثقال طلا می‌گرفت که هم وزنش کمتر بود و هم نگهداری و جابه‌جا کردنش آسان‌تر.

سَكَّه

هرچه نوع و ارزش فلزات بالاتر می‌رفت، انسان با مشکل دیگری روبه‌رو بود و آن، این‌که اگر کسی مقداری فلز می‌آورد و به دیگری می‌داد و می‌گفت که این دو سیر آهن، یا مس را بگیر، (مسأله این بود که) آیا واقعاً آن فلز دو سیر وزن داشت؟ یا این‌که دریافت‌کننده باید آن را وزن می‌کرد، حال اگر آن فلز را وزن می‌کرد و از دو سیر، کم‌تر یا زیادتر بود؛ چه می‌کرد؟

برای این‌که مقدار و وزن این فلز گران‌بها به وسیله یک مقام رسمی، تضمین شده باشد قرار شد «سکه» بزنند؛ یعنی فلان فرمان‌روای مقام تضمین کرده است که وزن این قطعه‌ی مس که به دست شما می‌دهند، دو مثقال تمام است، نه کم و نه زیاد. این معنای «سکه» است. علاوه بر این، مسأله «عیار» فلزات هم مطرح شد، خصوصاً وقتی که نوبت به طلا و نقره رسید. اگر مخلوط با نقره چیزی به همان سفیدی بنمایند، به دست من که می‌رسد، نمی‌دانم آیا این نقره است یا نیکل! نقش دیگر سکه زدن این بود که مقام رسمی تضمین کرده بود که این دو ریالی که به دست شما می‌دهند، دو مثقال نقره‌ی هفتاد، هشتاد یا نود عیار است، یا این سکه طلا عبارت است از یک مثقال طلای هجده عیار. پس مقام رسمی هم عیار را تضمین می‌کرد و هم وزن و مقدار را. به این ترتیب «فلز قیمتی سکه زده» پول شد.

اجاره گرفتن بابت پول، وقتی به معنی وسیعش حساب کنید و از قلّه اقتصاد به آن بنگرید؛ یعنی یک اجاره‌ی دغل. در این‌جا ما صرف‌نظر از حلال و حرام شرعی، بلکه فقط از نظر اقتصادی بحث می‌کنیم؛ این یعنی هم از توبره و هم از آخور خوردن! برای این‌که بالاخره درست است من با این دو میلیون تومان می‌توانم یک مقدار کار انباشته بگیرم و بیاورم و از آن استفاده کنم، اما تا من آن

کار انباشته را نگرفته و نیاورده‌ام، آن کار انباشته بدون استفاده نمی‌ماند. آن کار انباشته در دست صاحبش باقی است؛ زیرا خانه و مستغلاتی است که اجاره داده است، یا اتومبیلی است که سوارش شده، یا هواپیماست که از مردم پول گرفته و آن‌ها را به این طرف و آن طرف برده، بالاخره این کار انباشته یک چیزی هست و دست یک کسی است که از آن بهره‌گیری می‌کند. اگر شما خواستید از نفس این پول بهره‌کشی کنید، معنایش چه می‌شود؟ بهره‌کشی دو طرفه، بهره‌کشی به توان دو، بهره‌کشی کاذب و بی‌جا، کلمه‌ی بی‌جا برایش از همه‌ی کلمات بهتر است. زیرا این سند است. آیا کسی سند خانه-اش را هم اجاره می‌دهد؟ این عیناً مثل سند است. منتها فرقی با سند این است که آن سند را نمی‌شود فوراً آتش کنی و خانه را باید تحویل بدهی و سند را بگیری، اما این همانند حواله انبار است، درست نظیر معاملاتِ حواله انباریِ بازار فعلی مسلمین ما.

در این حالت جنس در انبار است، دست هم نمی‌خورد. این حواله انبار است که قیمتش بالا و پایین می‌رود، و آن را می‌خرند و می‌فروشند. خرید و فروش به شکل حواله انبار در دنیا از نظر اقتصادی یک خطر دارد. خطرش این است که: حجم مبادلات از حجم تولید و کالای واقعی بیشتر می‌شود و این، مشکلات بزرگ اقتصادی ایجاد می‌کند، چون معامله کاذب انجام گرفته است. در فقه ما، بیع کالی به کالی؛ یعنی معامله‌ای که در آن نه جنس در دست است و نه پول و هر دو نسبه است، حرام می‌باشد. حرمت این مسأله جنبه‌های گوناگون دارد. یکی از جنبه‌هایی که ممکن است درباره‌ی آن فکر شود، همین بالا رفتن کاذب حجم معاملات است که همیشه از نظر اقتصاد علمی و تحلیل اقتصادی در دنیا منشأ بحران و خسارت و ضرر برای تولید کننده و مصرف کننده بوده است.

بنابراین، صرف‌نظر از استهلاک و چیزهای دیگر، اصلاً بهره‌ی پول گرفتن؛ یعنی پول را به اجاره دادن، یک دروغ است، یک خلاف واقع است، یک دغل است، دو جانبه از کاری استفاده کردن است که این بهره‌گیری دو جانبه با حساب تصاعدی اقتصاد، به جای دو جانبه، گاهی به دو هزار جانبه سر می‌زند، برای این‌که در سیستم ربایی، نوبت اول دو جانبه است، سود آن پول دوباره پول زای می‌شود و تبدیل به سه جانبه می‌شود... دوباره آن سود پول‌زای می‌شود، تبدیل به چهار جانبه می‌شود... تا می‌رسد به دو میلیون جانبه و همین‌طور بالاتر! حتی گاهی مثل خانه شطرنج با تصاعد هندسی بالا می‌رود.

بنابراین مسأله این است که استفاده نمودن از پول، قبل از آن‌که به عنوان وسیله‌ی مبادله و سند به کسی داده شود و در مقابل هم کالایی گرفته شود، خود این سند، حق ندارد سودزا و ربح‌زا باشد، چون دروغ است. بنابراین فرق اساسی بیع و ربا و همچنین اجاره، مضاربه، مساقات، مزارعه و همه این معاملات با «رب» مشخص می‌شود که اصلاً یک فرق بنیادی و یک فرق اقتصادی علمی است! و وقتی قرآن قبل از این‌که اساساً اقتصاد دنیا متوجه این فرمول‌های پیچیده بشود، بدون این‌که وارد فلسفه‌ی موضوع شود که در آن موقع این‌گونه مسایل قابل فهم نبود این سؤال و اعتراض را با لحن قاطع رد می‌کند و می‌گوید:... ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا...؛ «... آنان گفتند: داد و ستد صرفاً مانند رباست.» و حال آن‌که خدا داد و ستد را حلال، و ربا را حرام گردانیده است...».

البته باز هم می‌گوییم بیع واقعی، اجاره و مضاربه و مزارعه واقعی؛ یعنی با رعایت نرخ‌گذاری صحیح که در همه‌جا عبارت از شرکت و کار، یا استفاده موقت از کار و دادن مقداری دیگر کار به ازای استفاده‌ی موقت از کار انباشته که همان سرمایه است؛ فرق

اساسی «ربا» با «اجاره» بود، و به دنبال این فرق، فرق‌های دیگر و مسأله‌های دیگر می‌آید. ما معتقدیم اگر ربا در اقتصاد دنیا تحریم شود، و نرخ‌گذاری صحیح در دنیا و در جامعه‌ها به وجود بیاید، اصلاً با مشکلاتی که موجب پیدایش سیستم اقتصادی مارکسیستی شده، روبه‌رو نخواهیم بود و چه عالی است تحریم ربا در همه‌ی ادیان آسمانی، چون این تحریم مخصوص اسلام نیست. قرآن، قوم یهود را مذمت می‌کند و می‌فرماید: «شما با این که ربا برایتان حرام بود، رباخوار بودید». چه مذمت به جایی! چون امروز هم بزرگ‌ترین رباخواران دنیا یهود هستند، در زمان پیامبر اکرم هم در مدینه یهودی‌ها یکی از کارهایشان رباخواری بود.

شبهه دوم: قرض استهلاکی و استنتاجی

ربا منحصر در قرض استهلاکی است و قرض استنتاجی، قرضی جدید است و ادله حرمت ربا، نمی‌تواند شامل قرض استنتاجی نمی‌شود. این شبهه را بعضی از علمای مصر مطرح نموده اند.^{۱۶}

قرض استهلاکی، قرض برای مصرف است؛ ولی قرض استنتاجی، قرض برای تولید است. شبهه فوق می‌گوید: اگر وامی با بهره گرفته شود تا تولیدی صورت گیرد، وام‌گیرنده به راحتی می‌تواند بهره آن را همراه با اصل پول بپردازد. اما در قرض استهلاکی، وام‌گیرنده به هیچ‌نحو نمی‌تواند از پس پرداخت بهره و اصل پول برآید! بر همین اساس شارع مقدس، تنها استقراض استهلاکی را تحریم نموده است.

پاسخ شبهه دوم

این ادعا که در صدر اسلام قرض استنتاجی نبوده است، ادعای بی‌دلیلی است. یعنی آیا نمی‌شود

^{۱۶} مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۰، ص: ۲۷۱

تصور کرد، کسی در آن زمان پولی را قرض بگیرد برای این که با آن تجارت کند و یا دامداری کند و یا ابزار بسازد؟! چرا باید قبول کنیم این چنین وامهایی در صدر اسلام وجود ندارد. اگر قرض استنتاجی در آن زمان وجود نداشته و ای بسیار کم بوده است، پس این همه قانون برای مضاربه چرا وجود داشته است؟! مگر مضاربه، قانونی نیست که شارع مقدس آن را تشریح نموده تا قرضهای استنتاجی را سامان دهد و جلوی ربوب شدن آنها را بگیرد. اصل مهم در مضاربه، تعیین درصد سود است نه تعیین مبلغ مشخص. این اصل فرق اصلی مضاربه و قرض ربوی است.

بر این اساس نمی توان گفت، ادله حرمت ربا، انصراف دارد به نوع خاصی از آن که قرض استهلاکی باشد.

از دیدگاه ادله شرعی حرمت ربا، هیچ فرقی بین ربای معاملاتی و قرضی نیست همچنان که بین دو نوع قرض استهلاکی و استنتاجی نیز فرقی وجود ندارد. همه انواع ربا، مصداق ظلم است.

قرآن در خطاب به رباخواران می فرماید: **إِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ**.^{۱۷} اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما، از آن شماست [اصل سرمایه، بدون سود] نه ستم می‌کنید، و نه بر شما ستم وارد می‌شود.

ظلم به معنای تجاوز به حقوق دیگران است. این تجاوز غالباً با ادعای حقانیت صورت می‌گیرد. رباخوار برای خود حقی بیش از مطالبه اصل پولی که قرض داده است قائل است. عده ای از عالمان نیز او را در این حق، محق می دانند!! ولی قرآن برای رباخوار هیچ حقی جز مطالبه اصل پول را قائل نمی‌شود و به صورت کلی می فرماید: **لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ**. « لا تَظْلِمُونَ » یعنی گرفتن

بهره ظلم است. « لا تُظْلَمُونَ » یعنی گرفتن اصل پول قرض داده شده ظلم نیست.

شبهه سوم: (ربا یا نزول؟)

ربای قرضی حرام، مخصوص زمانی است که قیمت‌ها ثابت باشد و الا در صورت تورم، می‌توان به میزان تورم، برای پول بهره مشخص نمود.

توضیح این که: ربا به معنای دریافتی زیادتر از اصل پول است و حال آن در ربای قرضی این چنین نیست. بلکه مقدار اضافی، در مقابل کاهش ارزش اصل پول است. به عبارت دیگر ربایی در کار نیست بلکه نزول است. نزول یعنی کاهش، کاهش ارزش پول. کسی که یک میلیون تومان یک ساله به کسی قرض می‌دهد اگر شرط کند که پس از یک سال به او یک میلیون و دویست هزار تومان پرداخت کند، این ربای حرام نیست! زیرا آنچه قرض دهنده می‌توانست با یک میلیون تومان بخرد بعد از یک سال، باید یک میلیون و دویست هزار تومان بابت آن هزینه کند.

بله اگر در حدی ربا گرفته شود که از کاهش ارزش پول نیز بیشتر باشد آنوقت حرام است. کاری که یهودیان در صدر اسلام انجام می‌دادند. قرآن نیز به همین خاطر ربای «اضعافاً مضاعفة» را حرام نموده است یعنی چندین برابر اصل پول!

به عبارت دیگر، با گذشت زمان و نقش اجل در کاهش ارزش پول و قدرت خرید آنچه در ابتدا در

اختیار مقترض قرار گرفته به تدریج در حال

استهلاک است. اگر قرار باشد در مقابل کاهش

ارزش پول وجهی قرار نگیرد، همانند قرض دادن

قالبی یخ به دیگری است که به تدریج از درون در

حال آب و ذوب شدن است حال چنانچه به ظاهر

اکتفا شود کافی است آن قالب یخ که در ظاهر

همان مقدار قرض داده شده را دارد اما از درون تهی شده را به مقرض باز پس داد که در واقع کمتر از مقدار قرض است. که در این صورت قرض دهنده متضرر می شود و با توجه به قاعده «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» نمی توان حکمی را منسوب به اسلام نمود که موجب متضرر شدن نابجای فردی بشود.

پاسخ شبهه سوم:

ظاهراً پاسخی برای شبهه سوم وجود ندارد و بیشتر فقهاء نیز به نوعی این اشکال را قبول نموده اند لذا توصیه می کنند در صورتی که ارزش پول بهنگام باز پرداخت وام کاهش پیدا نموده است، قرض گیرنده و با قرض دهنده مصالحه کند. به چند استفتاء ذیل در این باره توجه نمایید:^{۱۸} (این سوالات توسط بانکها از مراجع تقلید سؤال شده است.)

سؤال: الف) آیا اسکناس مثلی است و یا قیمی در فرضی که اسکناس مثلی باشد، آیا کاهش قیمت مثل به ضمان بدهکار می آید؟ (ب) در مورد افزایش قیمت مثل، مطلب چطور است؟ (ج) در فرضی که اسکناس مثلی باشد و کاهش قیمت مثل ضمان آور نباشد، آیا باید به خصوصیات مثلی، مخصوصاً قدرت خرید توجه شود؟ (د) زیرا در صورتی که خصوصیات معتبر باشد و اسکناس از جهت قدرت خرید با کاهش قیمت روبرو شود، ادای آن موجب تحصیل برائت ذمه بدهکار نمی شود و باید به میزان

^{۱۸} در ضمن در بحث دیرکرد نیز به این بحث از زاویه دیگری پرداخته شده است.

توان خرید اسکناس در ذمه پرداخت نماید یا مصالحه شود؟

پاسخ:

حضرت آیت الله خامنه‌ای: الف و د) مثلی بودن و قیمی بودن آن اثری در مسائل بعد ندارد. ب) در هر صورت احوط مصالحه است. ج) با مصالحه بی اشکال است.

آیت الله سیستانی: الف) مثلی است. ب و ج) مادامی که اعتبار دارد کاهش قیمت بر آن متصور نیست، زیرا خودش معیار است. د) قدرت خرید دخالت ندارد و ضمان به همان مقدار است که غصب یا اتلاف شده است.

آیت الله صافی گلپایگانی: الف) اسکناس اشبه به مثلی است. ب و ج) قیمت اسکناس از آن چه برای آن تعیین شده کمتر نمی‌شود. یعنی اسکناس هزار تومانی هیچ وقت صد تومان نمی‌شود و همیشه همان هزار تومان است و هر چند قدرت خرید کمتر بشود. د) چنانچه گفته شد اسکناس اشبه به مثلی است و چنانچه بدهکار به مقدار بدهی به حسب اسکناس مثلاً (صد هزار تومان) بدهی خود را بپردازند، ذمه‌اش بری می‌شود. بلی اگر با ملاحظات قدرت خرید بدهی را بپردازد و این کار با مصالحه و رضایت طرفین انجام شود، بهتر است.

آیت الله مکارم شیرازی: الف) اسکناس مثلی است. ب) در صورتی که تورم شدید باشد و شخص بدهکار یا ضامن متوسط اشیا را حساب کند و به آن بیافزاید و اگر تورم فوق العاده کاهش یابد، باز به همان نسبت از آن کم شود.

آیت الله محمدتقی بهجت: مسائل مورد سوال مبتنی بر مثلی و قیمی بودن اسکناس نیست و در فرض مذکوره احوط مصالحه است.

آیت الله میرزا جواد تبریزی: هر چند قیمت اشیا دیگر به اوراق نقدی و پول سنجیده می‌شود، لکن خود پول از مثلیات است و ضمان مثلی به مثل است. در ضمان مثلیات قیمت ملاحظه نمی‌شود و

چنانچه شخص بابت قرض یا غیر آن مبلغی از پول رایج را به دیگری بدهکار باشد، طلبکار فقط همان مبلغ را می‌تواند مطالبه کند و حق مطالبه بیش از آن را ندارد و کاهش یا افزایش قدرت خرید پول تاثیری در حکم مزبور ندارد.

آیت الله روحانی: در صورت ترقی قیمت اجناس، همان نقد سابق میزان است، ولی اگر پول تنزل کرده، احتیاط به مصالحه بهترین راه است و ترقی و تنزل پول در مقایسه با طلا ظاهر می‌شود.

جریمه دیرکرد

بعد از تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا در شهریور ۱۳۶۲، نظام بانکی با استناد به موافقت شورای نگهبان، متناسب با انواع قراردادهای بانکی ماده‌ای را به صورت شرط ضمن عقد، در متن قراردادهای بانکی گنجانده که در نتیجه آن مشتری به مقتضای شرط ضمن عقد متعهد می‌شود در صورت تأخیر در پرداخت بدهی مبلغ معادل دوازده درصد بدهی به عنوان جریمه تأخیر به بانک بپردازد.

این راهکار گرچه مورد تأیید شورای نگهبان بوده و نظام بانکی ایران به استناد آن عمل می‌کند، لکن از جهت فقهی محل بحث است و فقها به آن پاسخهای متفاوت داده‌اند.

راهکار گرفتن جریمه به صورت شرط ضمن عقد که از جهت فقهی محل اختلاف است.

این راهکار از جهت سایر معیارها قابل قبول است. اولاً بدهکار به خاطر اجتناب از جریمه انگیزه پیدا می‌کند بدهی خود را در سررسیدهای مقرر تسویه کند یا به حداقل برساند. ثانیاً بانک از محل جرائم، خسارت وارد را تدارک می‌کند. ثالثاً به جهت عدم نیاز به محاکم قضایی و محاسبات پیچیده مالی، از کارایی لازم برخوردار است.

برخی اندیشمندان برای حل مشکل تأخیر تأدیه، به عنوان خسارت تمسک می‌کنند و معتقدند طلبکار حق دارد خسارتهای وارد از ناحیه تأخیر تأدیه به ویژه خسارت ناشی از کاهش ارزش پول را از تأخیرکننده دریافت کند؛ مخصوصاً اگر ضمن قرارداد به چنین حقی توافق کنند.

در سالهای اخیر این نظریه شکل قانونی نیز به خود گرفت، در ماده ۵۲۲ آیین دادرسی که در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۲۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسیده، آمده است:

در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون امتناع از پرداخت نموده، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد مگر اینکه طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند.

این راهکار نیز از جهت فقهی محل بحث است. در سالهای اخیر که از یک طرف اکثر قرضها و معاملات مدت دار اشخاص حقیقی و حقوقی چون بانکها با پول رایج است و از طرف دیگر اقتصاد دچار تورمهای بالاست، طلبکاران در اثر تأخیر تأدیه مواجه با خسارت کاهش ارزش دین می‌شوند. در نتیجه سؤالات متفاوتی از مراجع تقلید شده است. این سؤالاها گرچه در ظاهر متفاوت هستند، محتوای همه آنها عبارت از این است که:

در شرایط تورم بالا که ارزش واقعی و قدرت خرید دین کاهش می‌یابد آیا طلبکار حق دارد برای جبران کاهش ارزش طلب خود مبلغی بیش از مبلغ اسمی دین مطالبه کند؟

آیت‌الله سیستانی: "مادامی که پول به کلی ارزش خود را از دست نداده است، معیار ضمانها و بدهکاریها همان مقدار از پول است که سابق بوده و

کم شدن ارزش، موجب افزایش ضمان و بدهکاری نمی‌شود".^{۱۹}

آیت‌الله فاضل لنکرانی: "خیر، هیچ‌کدام از ادله مذکور مجوز جبران کاهش ارزش پول نمی‌باشد. پول از نظر ایشان مثلی است و گیرنده، ضامن همان است که گرفته است، نه ضامن قدرت خرید و غیره".^{۲۰}

آیت‌الله تبریزی: "چنانچه شخص بابت قرض یا غیر آن مبلغی از پول رایج را به دیگری بدهکار باشد، طلبکار فقط همان مبلغ را می‌تواند مطالبه کند و حق مطالبه بیش از آن را ندارد و کاهش یا افزایش قدرت خرید پول تأثیری در حکم مزبور ندارد. والله العالم".^{۲۱}

آیت‌الله خامنه‌ای: "احوط مصالحه است، والله العالم".^{۲۲}

آیت‌الله بهجت: "احوط مصالحه است، والله العالم".^{۲۳}

آیت‌الله موسوی اردبیلی: "بحث مثلی و قیمی شامل کالاهای واسطه (پول) نمی‌شود، ولی اگر کسی مثلاً صد تومان به هر علتی بر عهده داشته باشد، مادامی که ارزش پول فرق فاحشی نکرده باشد، همان را مدیون است و در صورتی که فرق فاحش بکند، باید ارزش در نظر گرفته شود و یا مصالحه کند".^{۲۴}

آیت‌الله نوری همدانی: "چون اسکناس از امور اعتباری می‌باشد از دایرة مثلیات و قیمیات که از امور حقیقه هستند خارج است، البته در بعضی موارد مانند زمانی که مدت بازپرداخت طولانی و

^{۱۹} پایگاه اطلاع‌رسانی رسا، ۱۳۸۳

^{۲۰} همان

^{۲۱} مرکز تحقیقات فقهی قوه قضایی، ۱۳۸۱: ۶۴

^{۲۲} همان

^{۲۳} همان

^{۲۴} همان: ۶۵

تفاوت بین ارزش فعلی و گذشته فاحش باشد، ارزش فعلی محاسبه می‌شود.^{۲۵} آیت‌الله مکارم شیرازی: "مسئله دو صورت دارد: یک وقت شخص با میل خود وامی به دیگری می‌دهد و می‌داند در این مدت تورم بالا می‌رود و در عین حال به این کار راضی شده است. چنین کسی حق ندارد مبلغ بیشتری بگیرد چون خودش اقدام کرده است. صورت دوم آن است که شخصی خسارتی بر کسی وارد کرده و یا مدیون است و زمان ادای دین رسیده و آن را مدت زیادی تأخیر می‌اندازد، به طوری که نرخ تورم بالا می‌رود. در این صورت ادای دین و جبران خسارت جز با در نظر گرفتن نرخ تورم متوسط اشیای مختلف صدق نخواهد کرد."^{۲۶}

آیت‌الله صافی گلپایگانی: "به طور کلی اگر بدهی اشخاص، اسکناس رایج و مانند آن باشد و موعد پرداخت آن رسیده باشد یا اشتغال ذمه به آن، به طور نقد باشد، و به عبارت اخری بدهی مذکور حال یا در حکم حال باشد و با مطالبه دائن، بدهکار مسامحه در تأخیر در ادا نماید و با افزایش شاخص قیمتها و تغییر قدرت خرید مالیت و قدرت خرید آن زاید از متعارف به نحو غیرمتسامح فیه کاهش یابد، ظاهر این است که عرفاً طلبکار متضرر شده و بدهکار نسبت به ضرر مذکور از دیرکرد پرداخت طلب بستانکار حاصل شده، ضامن می‌گردد. چنان‌که اگر کسی اسکناس یا چک یا سند کسی را عدواناً نگاه می‌دارد تا مالیت آن کاهش یابد ضامن نقصان مالیت و ضرر وارده بر صاحب اسکناس خواهد بود..."^{۲۷} آیت‌الله سید کاظم حایری: "چنانچه تأخیر ادا، عمدی و ضرری بوده مانند غاصب که مال کسی را

^{۲۵} پایگاه اطلاع‌رسانی رسا، ۱۳۸۳

^{۲۶} همان

^{۲۷} ربا و جبران کاهش ارزش پول. صفحه: ۲۶۹

خورده و پس از آن توبه کرده و می‌خواهد ادا کند یا مانند مدیون که وقت ادای دین او فرا رسیده و قادر به ادا هست، ولی معصیتاً ادا نمی‌کند، در این صورت، طبق قاعدة لاضرر مقدار کاهش را که به این پول عارض شده، شخص مقصر، ضامن است و چنانچه تأخیر ادا با توافق طرفین بوده یا به دلیل "نظرة الی مسیره" بوده، دلیل برضمان کاهش وجود ندارد و شخص مدیون در این صورت امین است و ضمانتی برای او وجود ندارد".^{٢٨}

مطالعة دقیق آرای فقها و مراجع تقلید نشان می‌دهد که مفاد ماده ٥٢٢ قانون آیین دادرسی تا حدودی منطبق با نظر آیات عظام، موسوی اردبیلی، نوری همدانی، مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی و سید کاظم حایری است و با نظر آیات عظام بهجت و خامنه‌ای ناسازگار نیست و می‌تواند راهکاری برای مصالحه باشد، اما با نظر آیات عظام، تبریزی، فاضل لنکرانی و سیستانی ناسازگار است.

راههای فرار از ربا

ربای معاملاتی

* راه اول: معامله به صورت نقد و نسیه انجام می‌شود؛ یعنی یک خروار گندم را نقدا بفروشد و تحویل دهد در برابر دو خروار گندم که یک سال دیگر به او تحویل دهد.^{۲۹}

* راه دوم: برای فرار از ربای معاملاتی، دو معامله مستقل انجام دهیم؛ مثلا اگر بخواهیم یک من گندم خوب را در مقابل دو من گندم نامرغوب بفروشیم، ابتدا یک من گندم را به مبلغ معینی به مشتری می‌فروشیم و پول آن را از او می‌گیریم؛ سپس دو من گندم نامرغوب او را می‌خریم و پول آن را به او می‌پردازیم. به این شکل دچار ربا نمی‌شویم.

این، راهی است که برای طلافروشهای کنونی کارساز است و آنها را از بعضی کارهای نامشروع نجات می‌دهد.^{۳۰}

به عنوان مثال در بین طلافروشها، نوعی اجاره طلا به صورت غیر شرعی مرسوم است؛ بدین شکل که یک طلافروش، یک کیلو طلا را به شخصی، به مدت یک سال اجاره می‌دهد و ماهیانه فلان مبلغ

^{۲۹} جواهر الکلام، جلد ۲۳، صفحه ۳۹۱.
^{۳۰} جواهر الکلام، جلد ۲۳، صفحه ۳۹۶.

می‌گیرد و در پایان سال یک کیلو طلا را پس می‌گیرد.

این اجاره باطل است؛ چون در اجاره شرط است که عین مورد اجاره باقی بماند و از منافع آن استفاده شود، در حالی که در اینجا عین مورد اجاره از بین می‌رود و در آخر سال یک کیلو طلای دیگر به موجر داده می‌شود.

راه حلّ مشکل فوق طلافروشها، دو معامله مستقل است، منتهی یکی نقد و دیگری نسیه؛ یعنی طلافروش یک کیلو طلا را نقداً به یک میلیون و دویست هزار تومان مثلاً به دیگری می‌فروشد؛ بعد خریدار همان یک کیلو طلا را، مشروط بر این که یک سال دیگر به طلافروش تحویل دهد به یک میلیون تومان نقد می‌فروشد، که بدین صورت هم مقصود طلافروشها در اجاره طلا حاصل می‌شود؛ یعنی سود مورد نظر را که در مثال مذکور دویست هزار تومان است می‌برد، و هم این که مرتکب کار خلاف شرعی نشده‌اند.^{۳۱}

* راه سوم: برای فرار از ربای معاملاتی استفاده از مسئله هبه است، یعنی من یک من گندم خوب خود را به شما به صورت مجّانی، و بدون هیچ شرطی می‌بخشم، شما هم دو من گندم نامرغوب را به من به صورت مجّانی و بلا عوض هبه می‌کنید.^{۳۲}

در اینجا شرط مهم این است که هر دو هبه مجّانی باشد. روشن است که اعطاء و هبه شخص دوم داعی و انگیزه است نه شرط، همان طور که اگر شما به دیگری وامی بدهید به این امید که اگر روزی شما هم نیاز داشتید، ایشان به شما وام دهد، اشکالی ندارد. البته در صورتی که شرط و شروطی در کار نباشد و این در مورد افراد بیگانه از هم کمتر اتفاق می‌افتد.

^{۳۱} بررسی طرق فرار از ربا، ص: ۲۷
^{۳۲} جواهر الکلام، جلد ۲۳، صفحه ۳۹۶

* راه چهارم: «قرض»، چهارمین طریق حيله شرعی فرار از ربای معاملاتی است، بدین شکل که در مثال فوق، شخص اول یک من گندم مرغوب را به شخص دوم قرض می‌دهد و شخص دوم نیز دو من گندم نامرغوب را به شخص اول وام دهد، سپس هر یک، طلبی را که از دیگری دارد به او می‌بخشد. در اینجا نیز رعایت شرط بالا، که هر یک از این دو وام باید مستقل و جدی بوده و مشروط به دیگری نباشد، لازم است.^{۳۳}

۵- راه دیگر این است که مقدار کمتر را در مقابل همان مقدار از جنس مقابل معاوضه کنند؛ مثلاً یک من گندم مرغوب در مقابل یک من نا مرغوب معاوضه شود. سپس مالک گندم نامرغوب، اضافه (یعنی یک من دیگر) را هبه کند. بنابر این صاحب یک من گندم خوب، جنس خود را به یک من گندم نا مرغوب می‌فروشد، سپس مالک گندم نامرغوب، بقیه گندم را به طرف مقابل می‌بخشد.^{۳۴}

ربای قرضی

آیت الله مکارم در کتاب «راههای فرار از ربا» می‌فرمایند:

فرار کنندگان از ربای قرضی، به یکی از طرق زیر متوسل می‌شوند. بعضی از این طرق از نظر شرعی خلاف است.

* راه اول: برای کسی که بخواهد به دیگری وام بدهد و سودی هم بگیرد و در عین حال مرتکب رباخواری نشود، یکی از حيله‌هایی که غالباً از آن استفاده می‌شود، ضمّ ضمیمه است. بدین معنی که مثلاً یک میلیون تومان وام قرض الحسنه را بدون هیچ گونه سود و بهره‌ای به متقاضی وام می‌پردازد، ولی در کنار آن یک «شیء» کم ارزش، مثل یک قوطی کبریت را، به قیمت گزافی به او می‌فروشد و

^{۳۳} الحدائق الناظره، جلد ۱۹، صفحه ۲۶۸

^{۳۴} الحدائق الناظره، جلد ۱۹، صفحه ۲۶۹

سودی که قصد داشته از طریق ربا به دست آورد، بدین وسیله کسب می‌کند. بنابر این با یک قرض الحسنه و یک معامله صوری، از ربای قرضی فرار می‌کند!

سؤال: ممکن است گفته شود: این چه معامله‌ای است که در آن یک شیء کم ارزش به ده‌ها یا صدها برابر قیمت واقعی آن به فروش می‌رسد؟ آیا این معامله جدّی است؟ یا صوری محض است؟

جواب:

اولاً: فروشنده در تعیین قیمت جنس خود آزاد است.

ثانیا: چنین معاملاتی ممکن است دواعی مختلفی داشته باشد؛ مثلا شما فرد نیازمندی را می‌شناسید که به فروش اشیاء کم قیمتی اشتغال دارد، شما برای کمک به او، یک جنس کم ارزش بر می‌دارید و چندین برابر قیمت آن را به او می‌پردازید تا کمکی به او شده باشد، در اینجا هم مشتری این معامله را می‌پذیرد تا به وام و قرض الحسنه دست یابد.

* راه دوم: راه فرار از ربای قرضی، بیع شرط است. منظور از بیع شرط این است که شخص متقاضی وام، قسمتی از منزل، یا ماشین، یا چیز دیگری که ملک اوست را به وام دهنده می‌فروشد، ولی شرط می‌کند که اگر تا یک سال پول را برگرداند معامله فسخ شود، سپس خریدار (وام دهنده) ملک خریداری شده را به صاحب قبلی‌اش به مبلغ مشخصی اجاره می‌دهد، سپس در انتهای سال، مالک قبلی، پول خریدار را می‌دهد و معامله را فسخ می‌کند.

این را بیع شرط می‌گویند، که یکی از راههای فرار از ربای قرضی است.

ولی این راه نیز فرع بر جدّی بودن معامله بیع شرط است، نه صوری بودن.

راه سوم: سومین طریق برای فرار از ربای قرضی، فروش چک می‌باشد؛ یعنی اگر کسی می‌خواهد

مثلاً مبلغ یک صد هزار تومان وام به دیگری بدهد، و بیست هزار تومان سود از او بگیرد، و در عین حال گرفتار رباخواری نشود، یک چک یک صد هزار تومانی نقد را به یک صد و بیست هزار تومان به او می‌فروشد، که او بعد از مدت یک سال پرداخت نماید؛ یعنی سود را در مقابل لاشه این چک می‌گیرد.

* راه چهارم: راه دیگر فرار از ربا مسئله کارمزد است؛ که بعضی از رباخواران، تحت این نام رباخواری می‌کنند؛ به عنوان مثال، به شخص نیازمند وام، ظاهراً قرض الحسنه می‌دهد، و سپس می‌گوید: باید فلان مقدار نیز به عنوان کارمزد، در مقابل زحمات و خدماتی که برای پرداخت وام متحمل شده‌ام بپردازم.

* راه پنجم: گاهی سود و بهره را در مقابل مسایل جنبی می‌گیرند؛ مثلاً در بعضی از صندوقهای ظاهراً قرض الحسنه، وقتی وام را می‌پردازند کل سود مورد نظر را به عنوان قیمت دفترچه اقساط از وام‌گیرنده می‌گیرند، یعنی مشکل ربا را در قالب یک وام و یک معامله صوری حل می‌کنند!

* راه ششم: ششمین راه فرار از ربا را فروش اسکناس مطرح کرده‌اند؛ چون اسکناس از اشیاء شمردنی است، نه وزن کردنی یا کیل کردنی (مکیل و موزون نیست)، و می‌دانیم ربای معاملاتی در اشیاء شمردنی جاری نیست. بنابر این فروش اسکناس به اسکناس، و لو به مقدار بیشتر، اشکالی ندارد! بر خلاف درهم و دینار که معامله هر یک از آنها با همجنس خود با تفاضل اشکال دارد؛ چون این دو، جزء موزون (به خاطر این که طلا و نقره وزن کردنی است) محسوب می‌شود، نه جزء معدود.

بنابر این، کسی که قصد پرداخت وام ربوی دارد، برای فرار از ربا، می‌گوید: یک صد هزار تومان اسکناس نقد را به یک صد و بیست هزار تومان

اسکناس نسیه، که مثلاً یک سال دیگر تحویل بدهی به تو می‌فروشم!

* راه هفتم: راه دیگر برای فرار از ربا، مسئله «مضاربه» است؛ مثلاً شخصی که به بانک سپرده می‌دهد و می‌خواهد بهره‌ای ببرد، می‌تواند در قالب مضاربه سود ببرد و از مشکل رباخواری نجات یابد. توضیح این که: شخص سپرده‌گذار وکالت مطلقه‌ای به بانک می‌دهد که سپرده او را در هر کاری که بانک صلاح می‌داند به کار بگیرد، سپس به بانک وکالت دیگری می‌دهد، که هر مقدار سودی که بانک می‌خواهد برای او در نظر بگیرد، به مقدار معینی مصالحه کند، و به او بپردازد و آنچه قبل از ظهور سود بپردازد علی‌الحساب خواهد بود. نتیجه این که با سه وکالت این مسئله حل می‌شود:

۱- وکالت مطلقه در انجام هر نوع مضاربه.

۲- وکالت مطلقه در تعیین مقدار سود.

۳- وکالت در مصالحه مقدار سود به مبلغ معین.

به این شکل سپرده‌گذار هم به سود و بهره پول خود می‌رسد و هم مرتکب رباخواری نشده است.

* راه هشتم: راه دیگری که به وسیله آن می‌توان از رباخواری فرار کرد، مسئله اجاره به شرط تملیک است، که بانکهای اسلامی از این روش برای فرار از ربا استفاده می‌کنند.

مثلاً اگر کسی به بانک مراجعه کند و تقاضای وامی نماید، بانک با همان مبلغ، قسمتی از منزل او را می‌خرد و مبلغ درخواستی او را می‌پردازد، سپس سهم خود را به وام‌گیرنده اجاره می‌دهد و مال الاجاره، همان اقساط بانک است که سود و سرمایه در آن منظور شده است، به شرط این که پس از تمام شدن مدت اجاره، بانک سهم خود را از آن خانه به او تملیک کند.

* راه نهم: همان کار بالا را از طریق بیع نقد و نسیه نیز می‌توان انجام داد، به این معنی که بانک، یک دانگ خانه او را مثلاً نقداً به یک میلیون تومان

خریداری می‌کند و پول آن را می‌پردازد سپس همان یک دانگ خانه را به مبلغ یک میلیون و دو بیست هزار تومان به صورت اقساط به او می‌فروشد، به این طریق از ربا خلاصی می‌یابد. و البته همه اینها مشروط به وجود معامله جدی است نه صوری.

* راه دهم: مسئله «رهن و اجاره» که این روزها بسیار متداول می‌باشد، راه دیگر تخلص از ربای قرضی است. مثلاً مالک می‌گوید: منزل را ماهیانه به مبلغ دو هزار تومان به تو اجاره می‌دهم، به شرطی که شما مبلغ پانصد هزار تومان قرض الحسنه به من بپردازید، و منزل من به عنوان «رهن» در مقابل این قرض الحسنه می‌باشد. در واقع اجاره به شرط وام و رهن است.

این هم طریق دیگری برای فرار از رباست، اگر چه متأسفانه بسیاری از مردم توجه نمی‌کنند و دچار رباخواری می‌شوند؛ چون راه را عوضی می‌روند و می‌گویند: فلان مبلغ را به شما (مالک خانه) وام می‌دهم به شرط این که فلان مقدار از اجاره خانه‌ات کسر نمایی؛ یعنی در برابر وام، سودی از او می‌خواهد که کم کردن مال الاجاره است. البته، این ربای قرضی و حرام است. ولی روشی که گفته شد مشکل ربا ندارد.

سؤال: این سؤال در اینجا پیش می‌آید که مقتضای اجاره، حق تصرف مستأجر در مورد اجاره است و طبیعت رهن، عدم جواز تصرف در مورد رهن می‌باشد؛ در این صورت چگونه خانه مذکور می‌تواند هم مورد اجاره باشد و هم مورد رهن، یعنی هم حق تصرف در آن داشته باشد و هم نداشته باشد؟

جواب: به عقیده ما هر نوع تصرفی در مال مرهونه ممنوع نیست، بلکه تنها تصرفات ناقله اشکال دارد (منظور از تصرفات ناقله، تصرفاتی است که ملک را از ملکیت مالک خارج کند؛ مانند بیع، هبه، صلح و مانند آن).

بنابر این شیء واحد می‌تواند در یک زمان، هم مورد اجاره باشد و هم مورد رهن، مشروط بر این که نقل و انتقال دیگری روی آن صورت نگیرد.

فتاوی مراجع تقلید درباره ربا

استفاده از مال ربوی

*** رساله مراجع:

مسأله ۱: امام خمینی: ربا دادن مثل ربا گرفتن حرام است و کسی که قرض ربایی گرفته (۱) اگر چه کار حرامی کرده ولی اصل قرض صحیح است و می‌تواند در آن تصرف نماید.

(۱) (مکارم)، (نوری): مالک آن نمی‌شود و نمی‌تواند در آن تصرف کند ولی چنانچه طوری باشد که اگر قرار ربا را هم نداده بودند، صاحب پول راضی بوده که گیرنده قرض در آن پول تصرف کند، قرض گیرنده می‌تواند در آن تصرف نماید. (تبریزی): مالک آن می‌شود و می‌تواند در آن تصرف کند، ولی طلبکار حق مطالبه مقدار زیادی که ربا است ندارد.

(فاضل): چنانچه شرط پرداخت سود را قبول کرده، کار حرامی مرتکب شده است ولی به هر حال، اصل قرض صحیح است و شرط باطل است.

(خوئی): مسأله ربا دادن مثل ربا گرفتن حرام است ولی کسی که قرض ربایی گرفته ظاهر این است که مالک می‌شود اگر چه اولی این است که در آن تصرف نکند و چنانچه طوری باشد که اگر قرار ربا را هم نداده بودند، صاحب پول راضی بوده که گیرنده قرض در آن پول تصرف کند، قرض گیرنده می‌تواند در آن بدون اشکال تصرف نماید.

(گلپایگانی): مسأله ربا دادن مثل ربا گرفتن حرام است و کسی که قرض ربایی گرفته مالک آن نمی‌شود و نمی‌تواند در آن تصرف کند ولی چنانچه قرض دهنده با علم به بطلان قرض و مالک نشدن سود راضی به تصرف قرض گیرنده باشد به طوری که رضایت او مبنی بر این معامله باطل نباشد تصرف قرض گیرنده در آن مال جایز است.

(زنجانی): ولی چنانچه طوری باشد که اگر قرار ربا هم نبود، صاحب پول راضی بود که گیرنده قرض در آن پول تصرف کند، قرض گیرنده می‌تواند در آن تصرف نماید.

(صافی): ربا دادن مثل ربا گرفتن حرام است و مالک شدن گیرنده قرض ربایی و جواز تصرف او در آن محلّ تأمل است..

(سیستانی): مسأله ربا دادن مثل ربا گرفتن حرام است، ولی خود قرض صحیح است و کسی که قرض ربایی گرفته است مالک می‌شود، ولی قرض دهنده مالک زیادتی که می‌گیرد نمی‌شود، و تصرف او در آن حرام است، و اگر با عین آن چیزی را بخرد مالک آن چیز نمی‌شود، و چنانچه طوری باشد که اگر قرار ربا را هم نگذاشته بودند، قرض گیرنده راضی بود که قرض دهنده در آن پول تصرف کند، تصرف او جایز است؛ و همچنین اگر از روی ندانستن مسأله ربا بگیرد و پس از اطلاع توبه کند که در این صورت آنچه را در زمان جهل گرفته برای او حلال است.

مسأله ۲: امام خمینی: اگر گندم یا چیزی مانند آن را (۱) به طور قرض ربایی بگیرد و با آن زراعت کند، حاصلی که از آن به دست می‌آید مال قرض گیرنده است (۲).

(۱) (فاضل): اگر گندم یا بذر دیگری را..

(۲) (خوئی): ظاهر این است که حاصل را مالک می‌شود اگر چه اولی این است که در حاصلی که از آن به دست می‌آید تصرف نکند.

(گلپایگانی)، (فاضل)، (بهجت)، (مکارم)، (نوری)، (زنجانی): حاصلی که از آن به دست می آید مال قرض دهنده است (مکارم): نه قرض گیرنده).
 (تبریزی): حاصلی که از آن به دست می آید مالک می شود و می تواند تصرف کند.
 (سیستانی): حاصل را مالک می شود.

(صافی): احتیاط این است که حاصلی که از آن بدست می آید با قرض دهنده مصالحه نمایند، مگر آن که بر حسب صورتِ دوّم مسأله قبل، قرض دهنده راضی به تصرف قرض گیرنده باشد، بی آنکه رضایت او مبنی بر معامله ربایی باشد که در این صورت، حاصل، مال قرض گیرنده است.

مسأله ۳: امام خمینی: اگر لباسی را بخرد (۱) و بعداً از پولی که بابت ربا گرفته، یا از پول حلالی که مخلوط با ربا است به صاحب لباس بدهد (۲) چنانچه موقع خریداری قصدش بوده که از این پول بدهد، پوشیدن آن لباس و نماز خواندن با آن جایز نیست (۳). و نیز اگر پول ربایی یا حلال مخلوط به حرام داشته باشد و به فروشنده بگوید که این لباس را با این پول می خرم، پوشیدن آن لباس حرام است و اگر بداند پوشیدن آن حرام است نماز هم با آن باطل می باشد (۴).

(۱) (فاضل): به ذمه بخرد...

(۲) (اراکلی): پوشیدن آن لباس و نماز خواندن با آن اشکال ندارد ولی اگر به فروشنده بگوید که این لباس را با این پول می خرم، پوشیدن آن لباس حرام است و اگر بداند پوشیدن آن حرام است نماز هم با آن باطل می باشد.

(۳) (مکارم): و اگر موقع خرید قصدش این نبوده بعداً این قصد برای او پیدا شده، اشکال ندارد، ولی ذمه او با مال حرام ادا نمی شود.

(فاضل): چنانچه موقع خریداری قصد داشته از این پول بدهد، پوشیدن آن لباس جایز نیست و نماز خواندن در آن اشکال دارد و اگر در هنگام خرید چنین قصدی نداشته باشد پوشیدن آن

لباس جایز و نماز در آن صحیح است.. (۴) (فاضل): بنا بر احتیاط واجب باطل می باشد.

(خوئی): مسأله اگر لباسی را بخرد و بعداً از پولی که به قرض ربایی گرفته، یا از پول حلالی که مخلوط با آن پول است به صاحب لباس بدهد پوشیدن آن لباس و نماز خواندن با آن اشکال ندارد و همچنین است حکم اگر به فروشنده بگوید که این لباس را با این پول می خرم اگر چه اولی این است که در این صورت آن لباس را در نماز و غیر نماز نپوشد.

(سیستانی): مسأله اگر لباسی را بخرد و بعداً از پول ربا یا از پول حلالی که مخلوط با آن پول است به صاحب لباس بدهد، لباس را مالک می شود و پوشیدن و نماز خواندن با آن اشکال ندارد، ولی اگر به فروشنده بگوید که این لباس را با این پول می خرم، لباس را مالک نمی شود و پوشیدن آن حرام است.

(گلپایگانی)، (صافی): مسأله اگر لباسی را به ذمه بخرد و بعداً از پولی که به قرض ربایی گرفته یا از پول حلالی که مخلوط با ربا است به صاحب لباس بدهد، پوشیدن آن لباس و نماز خواندن با آن اشکال ندارد. ولی اگر به فروشنده بگوید که این لباس را با این پول می خرم، پوشیدن آن لباس حرام است و اگر بداند پوشیدن آن حرام است نماز هم با آن باطل می باشد.

(تبریزی): اگر لباسی را بخرد..

(نوری): از پولی که ربا گرفته..

(زنجانی): ولی اگر عوض معامله را پول معین و مخصوصی قرار دهد به طوری که اگر بخواهد پول دیگری به جای آن بپردازد حق نداشته باشد، مثل آن که به فروشنده بگوید که این لباس را با این پول می خرم یا به قصد معامله با پول معینی آن را به فروشنده بدهد و فروشنده هم به همین قصد قبول کند، اگر آن پول را به قرض ربایی گرفته یا با ربا مخلوط باشد، پوشیدن آن لباس بدون احراز

رضایت مالک، حرام است و به احتیاط مستحبّ در آن نماز نخواند، البتّه غالباً فروشندگان به این راضی هستند که در برابر مالی که می‌فروشند، پولی به دست آورند که بر حسب ظاهر شرع، تصرف در آن جایز باشد، لذا معمولاً با جاهل بودن فروشنده به وضعیت پول داده شده، به تصرف خریدار در آن راضی هستند.

(نوری): یعنی پول ربایی یا حلال مخلوط به حرام.. (تبریزی): پوشیدن آن لباس در صورت مخلوط بودن با ربا حرام است و نماز هم با آن به تفصیلی که در لباس نمازگزار بیان شده، باطل است.

**** پایگاه اطلاع رسانی مراجع:**

سؤال: اینجانب منزل مسکونی خود را به مبلغ پنج میلیون تومان به شخصی رهن داده ام (بعنوان قرض) اما مستأجر مبلغ مذکور را از فرد دیگری به شرط پرداخت ماهانه مبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان گرفته است، حال با توجه به اینکه بنده از این موضوع اطلاع دارم تکلیفم چیست؟

آیت الله مکارم: در صورتیکه علم به ربا بودن آن دارید تصرف در آن جائز نیست مگر اینکه او واقعا مضطر به این کار بوده و چاره دیگری نداشته است.

سؤال: در صورتی که رباخوار از عمل خود پشیمان شود، مال هایی که از طریق معامله ربوی به دست آمده را چه باید بکند؟ اگر صاحبان آن را شناسد چه کند؟

آیت الله بهجت: اگر با علم و عمد مرتکب ربا در بیع یا قرض شد، باید زیادتی را بلکه مجموع را در بیع ربوی، چه باقی باشد یا تلف شده باشد، به مالک آن ردّ نماید؛ پس باید از صاحبانش تفحص کند و اگر از دسترسی مایوس شد، از طرف آن ها ردّ مظالم دهد با اجازه ی از حاکم شرع علی الاحوط و اگر مقدار مال و مالک مجهول بود، احوط وجوب تخمیس است، و صورت جهل به حرمت با عذر یا بدون عذر، بنابر احوط مثل صورت علم و عمد است.

سؤال: اینجانب منزل مسکونی خود را به مبلغ پنج میلیون تومان به شخصی رهن داده ام (بعنوان قرض) اما مستأجر مبلغ مذکور را از فرد دیگری به شرط پرداخت ماهانه مبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان گرفته است، حال با توجه به اینکه بنده از این موضوع اطلاع دارم تکلیفم چیست؟

آیت الله مکارم: در صورتیکه علم به ربا بودن آن دارید تصرف در آن جائز نیست مگر اینکه او واقعا مضطر به این کار بوده و چاره دیگری نداشته است.

اضطرار برای استفاده از ربا

* پایگاه اطلاع رسانی مراجع:

سؤال: آیا دریافت وام ربوی در حال ضرورت جایز است یا خیر؟

آیت الله بهجت: ربا حرام است و فرق نمی کند و اگر موردی ضرورت داشته باشد، می توانند با معامله ی شرعیّه بر روی سود از ربا رهایی یابند.

سؤال: شخصی به منظور سرمایه گذاری پول قرض می کند و در شرائط کنونی مجبور است که بازاء آن ربحتی بپردازد حال اگر این عمل شخص به صورت نیمه اجباری باشد مثلا شرکت مسافر بری داشته و هر دو سه سال هم باید ماشین را عوض کند یعنی خرید قدیمی را چون مستهلک می شود مجبور است که تجدید کند و الاحتمال ورشکستگی میرود و برای این موضوع پول به اندازه کافی ندارد و ناچار است متوسل به وام با بهره بشود و در صورت عدم اخذ وام متحمل زیان فراوان در شغل مشروع خودش که به آن مشغول است خواهد شد بنابر این شخص مرتکب گناه شده و در نتیجه این وام به صورت پول حرام وارد اموالش خواهد شد یا نه.

آیت الله گلپایگانی: این گونه اضطرار موجب جواز ربا نمی شود و اگر از اشخاص قرض می کند ممکن است بنحو بیع شرط معامله نماید یا این که یکی از

ماشینها را به قرض دهنده به مبلغی که مورد حاجت او است بفروشد و بعد از او به مبلغ بیشتر نسیه بخرد.^{۳۵}

سؤال: چنانچه خوردن مردار در هنگام اضطرار برای کسی که از شدت گرسنگی در خطر مرگ است و غیر از مردار چیزی برای خوردن و حفظ جان خود ندارد، شرعاً جایز است، آیا خوردن ربا نیز بر اثر اضطرار برای کسی که توان کار ندارد ولی سرمایه کمی دارد و ناچار است آن را در معامله ربوی بکار بگیرد تا با سود حاصل از آن زندگی کند، جایز است؟

آیت الله خامنه ای: ربا حرام است و قیاس آن به خوردن مردار در حال اضطرار قیاس مع الفارق است زیرا مضطرّ به خوردن مردار فعلاً چیزی جز آن در اختیار ندارد تا جان خود را با آن حفظ کند. ولی شخصی که توان کار ندارد می تواند سرمایه خود را تحت عنوان یکی از عقود اسلامی مثل مضاربه به کار بیاورد.

جوائز بانکی

** پایگاه اطلاع رسانی مراجع:

سؤال: پولی مربوط به دیگری در حساب بانکی من بود، جایزه بانکی به من تعلق گرفت. آیا جایزه را باید تقسیم کنیم؟

آیت الله صافی گلپایگانی: جایزه ای که بانک می دهد مربوط به صاحب حساب است، هر چند موجودی دفترچه مربوط به دیگری باشد.

سؤال: جایزه هایی که بانک به صاحبان حساب قرض الحسنه می دهد، چه صورتی دارد؟

آیت الله صافی گلپایگانی: اگر در موقع افتتاح حساب، شرط شرکت در قرعه کشی نکرده باشند،

^{۳۵} مجمع المسائل (فارسی) - السيد گلپایگانی - ج ۲ - ص ۸۹ - ۹۰

اشکال ندارد؛ هر چند انگیزه شخص از افتتاح حساب، شرکت در قرعه کشی باشد.

سؤال: گاهی بانکها به منظور ترغیب مشتریان که پولشان را به بانک بسپارند و یا حساب باز کنند جوایزی از طریق قرعه کشی قرار می دهند کسی که قرعه به نام او اصابت کند جایزه ای می برد آیا این عمل جایز است و جایزه حلال می باشد؟

آیت الله مکارم: اگر این کار واقعی باشد نه برای فریب مردم جایز و حلال است.

چگونگی تصرف در اموال موجود در موسسات قرض الحسنه

* پایگاه اطلاع رسانی مراجع:

سؤال: آیا مسئولین صندوق قرض الحسنه می توانند با پولی که در صندوق است بدون گرفتن وکالت از اعضا (اعضا پول را به صندوق به عنوان قرض الحسنه می دهند) کار کنند، حکم شرعی در دو صورت زیر چگونه است؟

الف) سود حاصل صرف صندوق به طور مشاع اعم از وام و خرید لوازم شود.

ب) سود حاصل برای عاملین بماند.

آیت الله مکارم: بدون اجازه گرفتن جایز نیست و اگر در شرایط باز کردن حساب به این مسأله تصریح شده باشد که بخشی از وجوه قرض الحسنه مورد بهره برداری قرار می گیرد و از آن به نفع صندوق استفاده می شود کافی است و به همان گونه که مردم رضایت داده اند باید عمل شود.

سؤال: قرض الحسنه ها عموماً با این سپرده ها فعالیت های اقتصادی کرده و به سپرده گذاران هیچ سودی از درآمدهایی که دارند نداده و علاوه بر آن کارمزد هم میگیرند آیا شرعاً صحیح میباشد.

آیت الله مکارم: این کار حرام است.

سؤال: بعضی از مؤسسات قرض الحسنه اقدام به خرید املاک و چیزهای دیگر با پولهایی که مردم

به عنوان امانت به آنان سپرده‌اند می‌نمایند، این معاملات چه حکمی دارند؟ با توجه به اینکه بعضی از سپرده گذاران موافق انجام این کارها نیستند، آیا مسئول مؤسسه حق دارد در آن اموال مثلاً با خرید و فروش تصرف کند؟ آیا این کار شرعاً جایز است؟

آیت الله خامنه‌ای: اگر سپرده‌های مردم مانند امانت‌هایی نزد مؤسسه قرض الحسنه باشند تا به هر کسی که مؤسسه خواست قرض بدهد، در این صورت مصرف آن در خرید ملک و غیر آن فضولی است و متوقف بر اجازه صاحبان آنان است، ولی اگر سپرده‌ها به عنوان قرض به آن مؤسسه داده شده باشند، چنانچه مسئولین آنها بر اساس اختیاراتی که به آنان داده شده است، مبادرت به خرید املاک و مانند آن مبادرت کنند، اشکال ندارد.

سؤال: کادر اداری یک مؤسسه قرض الحسنه با پولی که از شخصی قرض گرفته شده، اقدام به خرید یک ساختمان نمود و بعد از یک ماه پول آن شخص را از طریق پس اندازهای مردم، بدون رضایت آنان پرداخت کرد، آیا این معامله شرعی است؟ و چه کسی مالک آن ساختمان است؟

آیت الله خامنه‌ای: خرید ساختمان برای مؤسسه با پولی که به مؤسسه قرض داده شده است، اگر طبق صلاحیت‌ها و اختیارات کادر اداری صورت گرفته باشد، اشکال ندارد و ساختمان خریداری شده ملک مؤسسه و صاحبان دارایی آن است و در غیر این صورت معامله فضولی و متوقف بر اجازه صاحبان پول است.

خرید و فروش پول

* پایگاه اطلاع رسانی مراجع:

سؤال: خریداری ارز و پول خارجی و... به قیمت بالاتر از قیمت مصوب دولت جایز است؟ و آیا مشمول قانون ربا می‌شود یا خیر؟

آیت الله روحانی: ربا نیست و اشکال ندارد.

سؤال: آیا خرید و فروش اسکناس جایز است؟

آیت الله وحید: در صورتی که اختلاف در جنس داشته باشد مثل دلار و تومان و دینار و غیره جایز است ولی اگر از یک جنس باشند (مثل اینکه اسکناس هزار تومانی را به هزار و صد تومان بفروشیم) خرید و فروش آن به مقدار کمتر یا بیشتر بنا بر احتیاط واجب جایز نمی‌باشد

سؤال: ماهیت پول امروزی چیست و خرید و فروش پول چه حکمی دارد؟

آیت الله مکارم: ماهیت پول های کاغذی یک ماهیت اعتباری است که به وسیله ی قدرت دولت ها حفاظت می شود و خرید و فروش دو ارز مختلف با هم اشکالی ندارد

سؤال: اگر شمش طلا به قیمت روز به مبلغ معینی بطور نقدی فروخته شود، آیا جایز است که با رضایت دو طرف یک ماهه به مبلغی بیشتر از قیمت امروزی آن فروخته شود؟ و آیا سود حاصل از فروش این شمش، حلال است یا خیر؟

آیت الله خامنه ای: تعیین قیمت در عقد بیع اعم از اینکه نقدی باشد یا نسیه، وابسته به توافق دو طرف است، بنا بر این معامله مذکور و سود حاصل از آن، اشکال ندارد، بلکه معامله طلا در برابر طلا، به صورت نسیه و یا گرفتن اضافه در برابر آن، جایز نیست.

سؤال: طلاسازی چه حکمی دارد؟ و در معامله طلا چه اموری شرط است؟

آیت الله خامنه ای: ساخت و فروش طلا اشکال ندارد ولی در معامله طلا در برابر طلا شرط است که به صورت نقد بوده و ثمن و مثن مساوی باشند و قبض هم در مجلس معامله صورت بگیرد.

سؤال: خرید و فروش اسکناس بصورت نسیه به مبلغی بیشتر از مبلغ آن چه حکمی دارد؟

آیت الله خامنه ای: در صورتی که معامله ی مذکور، به قصد جدی و با غرض عقلائی باشد مثل این که

اسکناس‌ها از نظر کهنه و نو بودن با یکدیگر فرق داشته و یا دارای علامت‌های مخصوص بوده و یا نرخ آنها با یکدیگر، تفاوت داشته باشد، اشکال ندارد ولی اگر معامله، صوری و برای فرار از ربا بوده و در واقع برای دستیابی به سود پول باشد، شرعاً حرام و باطل است.

سؤال: افرادی در اینجا وجود دارند که سکه‌های پول را که برای مکالمات تلفنی عمومی کاربرد دارند، به مبلغی بیشتر از قیمت آنها می‌فروشند مثلاً سی و پنج تومان از سکه‌های پول فلزی را می‌دهند و پنجاه تومان پول اسکناس می‌گیرند، خرید و فروش این پولها چه وجهی دارد؟

آیت الله خامنه‌ای: خرید و فروش سکه‌های پول فلزی به قیمتی بیشتر از مبلغ آنها برای استفاده در مکالمات تلفنی و مانند آن، اشکال ندارد.

سؤال: اگر فردی پول قدیمی را به قیمت پول جدید و رایج بفروشد و یا بخرد و نداند که ارزش آن نصف ارزش پول جدید است و خریدار هم آن را به قیمت پول جدید به شخص دیگری بفروشد، آیا باید غبن، مغبون را از غبن خود آگاه کند؟ و آیا این معاملات غبنی صحیح هستند و آیا تصرف در اموالی که از این راه بدست می‌آید جایز است یا آنکه در حکم اموال مجهول المالک و یا مال حلال مخلوط به حرام هستند؟

آیت الله خامنه‌ای: خرید پولهای قدیمی به مبلغی که فروشنده و خریدار بر آن توافق می‌کنند، اشکال ندارد، هر چند که قیمت آنها بسیار کمتر از قیمت پولهای جدید و رایج باشد و بعد از آنکه مبیع مالیت داشته و در بازار قیمت و ارزشی هر چند کمتر از پول رایج داشته باشد، معامله صحیح است هر چند غبنی باشد، و بر غبن واجب نیست مغبون را از غبن خود آگاه کند و مالی که از طریق معامله غبنی برای غبن حاصل می‌شود در حکم سایر اموال او است و تا زمانی که مغبون معامله را فسخ نکرده، جایز است در آنها تصرف کند.

سؤال: خرید و فروش بعضی از اسکناسها نه به این عنوان که مال هستند و یا حکایت از مالیت و اعتبار می‌کنند، بلکه از این جهت که برگه‌های خاصی هستند چه حکمی دارد؟ مثل اینکه پول اسکناس سبز هزار تومانی که دارای تصویر امام خمینی «قدس سره» است، به مبلغ بیشتری فروخته و یا خریده شود؟

آیت الله خامنه‌ای: در صورتی که خرید و فروش این اسکناسها به قصد جدی و به غرض عقلایی باشد، اشکال ندارد، ولی اگر بیع صوری و برای فرار از ربای قرضی باشد حرام و باطل است.

سؤال: شغل صرافی و خرید و فروش ارزهای کمیاب چه حکمی دارد؟
آیت الله خامنه‌ای: فی نفسه اشکال ندارد.

خرید و فروش چک

** رساله مراجع:

(اراکي): مسأله ۲۳۰۳ اگر در مقابل طلبی که از کسی دارد سفته یا برات یا چکی داشته باشد و بخواهد طلب خود را پیش از وعده آن به کمتر از آن به شخص سوّمی بفروشد اشکال ندارد و شخص سوم می‌تواند تمام طلب فروشنده را از مدیون دریافت نماید.

(گلپایگانی)، (صافی)، (زنجانى): مسأله ۲۲۹۷ اگر در مقابل طلبی که از کسی دارد سفته یا براتی داشته باشد و بخواهد طلب خود را پیش از وعده آن به کمتر از آن بفروشد اشکال ندارد.

(خوئی)، (تبریزی): مسأله ۲۲۹۷ (سیستانی): مسأله ۲۲۴۸ اگر کسی از دیگری طلبی دارد که (خوئی)، (تبریزی): از جنس طلا و نقره یا کشیمنی و پیمانهای نیست می‌تواند آن را به شخص بدهکار یا دیگری به کمتر فروخته و وجه آن را نقداً بگیرد، بنا بر این در زمان حاضر برات یا سفته‌هایی که طلبکار از بدهکار گرفته است

می‌تواند آنها را به بانک یا به شخص دیگر به کمتر از طلب خود که در عرف آن را نزول کردن گویند بفروشد و باقی وجه را نقداً بگیرد (خوئی)، (تبریزی): زیرا که اسکناسهای معمولی با وزن و پیمانانه معامله نمی‌شود.

(فاضل): مسأله ۲۳۶۵ اگر کسی از دیگری طلبی دارد که وزنی و پیمانانه‌ای نیست می‌تواند آن را به شخص بدهکار یا دیگری به کمتر فروخته و وجه آن را نقداً بگیرد بنا بر این در زمان حاضر برات یا سفته‌هایی که طلبکار از بدهکار گرفته است می‌تواند آنها را به بانک یا به شخص دیگر به کمتر از طلب خود بفروشد و وجه آن را نقداً بگیرد، زیرا که اسکناسهای معمولی با وزن و پیمانانه معامله نمی‌شود.

*** پایگاه اطلاع رسانی مراجع:

سؤال: یک چک نهصد تومانی نقد را فروختند به یک چک هزار تومانی یک ماهه، چگونه است؟
امام خمینی: اگر برای فرار از ربای قرضی باشد، باطل است.

سؤال: آیا خرید و فروش چک مدت‌دار به این صورت که مقداری از مبلغ آن را کم نموده و نقداً مبلغ آن را پردازند جایز است؟

آیت الله وحید: در صورتی که چک مذکور صوری بوده و واقعیتی نداشته باشد یعنی به ازاء طلبی نباشد، خرید و فروش آن به کمتر یا بیشتر جایز نیست و در صورتی که چک مذکور واقعی بوده و حکایت از یک بدهی واقعی داشته باشد (یعنی امضاء کننده، مبلغ ذکر شده در چک را حقیقتاً به صاحب چک بدهکار باشد و چک مذکور سند بدهکاری او باشد) در این صورت خرید و فروش آن به کمتر یا بیشتر به دو شرط اشکال ندارد، شرط اول اینکه مبلغ چک و پولی که بابت آن می‌پردازند اختلاف در جنس داشته باشند مثلاً چک به تومان باشد و پولی که بابت آن می‌دهند به دینار یا دلار، و شرط دوم اینکه پولی که بابت چک می‌پردازد

نسیه نباشد (یعنی پولی را که بابت چک می‌پردازد به عنوان دین بر ذمه او نباشد) ولی اگر پولی را که بابت چک می‌دهد نسیه بوده و دین باشد بنابر احتیاط واجب جایز نیست. و در صورت عدم اختلاف در جنس مثل اینکه مبلغ چک به تومان بوده و به مقدار کمتر یا بیشتر به تومان فروخته شود بنابر احتیاط واجب جایز نیست، ولی اگر مصالحه بر هبه نمایند اشکالی ندارد، مثلاً مالک چک مدت‌دار یک میلیون تومان بگوید مصالحه می‌کنم با تو بر اینکه من این چک را بر تو ببخشم و تو هم این ۹۵۰ هزار تومان را به من ببخشی.

سؤال: خرید و فروش چک به مبلغ کمتر از مبلغ مندرج در چک چه صورت دارد؟ (چک برای دو ماه دیگر باشد)

آیت الله وحید: اشکال ندارد.

خرید و فروش نقد و نسیه

** پایگاه اطلاع رسانی مراجع:

سؤال: اگر شخصی بخواهد وسیله ای را به صورت اقساط بخرد آیا سودی که فروشنده در هر ماه از خریدار می‌گیرد حالت نزول دارد یا خیر؟

آیت الله سیستانی: اگر اقساط آن گرانتر فروخته شود حالت نزول ندارد و حلال است.

سؤال: اگر کسی بگوید این جنس را نقداً به ۱۰۰ تومان و نسیه به ۱۲۰ تومان می‌دهم چه صورت دارد؟

آیت الله روحانی: دو معامله باشد اشکال ندارد ولی اگر یک معامله مردد باشد باطل است.

سؤال: سودی که برخی از مغازه داران بر روی برخی اجناس قسطی می‌گیرند و اینگونه توجیه می‌کنند که بانکداری اسلامی هم همین سود را می‌گیرد، آیا ربا محسوب می‌شود؟ در صورت اشکال راه حل شرعی چیست؟

آیت الله روحانی: پولی که، به ازاء اجناسی که قسطی می فروشند می گیرند، اشکال ندارد، اما دلیلشان درست نیست.

سؤال: شخصی کالایی را سه ماهه بطور نسیه خریده است و بعد از رسیدن موعد مقرر از فروشنده درخواست نمود که مهلت را تا سه ماه دیگر تمدید کند به این شرط که او هم مبلغی زائد از پول کالا را به او بپردازد، آیا انجام این کار برای آن دو جایز است؟

آیت الله خامنه ای: این مقدار اضافی ربا می باشد و حرام است.

سؤال: اگر در معامله ای خرید و فروش با مبلغ معینی صورت گیرد و دو طرف توافق کنند که در صورت پرداخت ثمن معامله به صورت چک مدت دار، خریدار مبلغی را علاوه بر قیمت تعیین شده به فروشنده بپردازد، آیا این کار برای آنان جایز است؟

آیت الله خامنه ای: در صورتی که معامله با قیمت معین و مشخص انجام شود و مبلغ بیشتر به خاطر تأخیر در پرداخت مبلغ اصلی باشد، این همان ربائی است که شرعاً حرام می باشد و به مجرد توافق آنان بر پرداخت مقدار اضافی، آن پول حلال نمی شود.

سؤال: آیا خرید کالایی بطور نسیه به قیمتی بیشتر از قیمت نقدی آن جایز است؟ آیا این معامله، ربا محسوب می شود؟

آیت الله خامنه ای: خرید و فروش نسیه کالا به مبلغی بیشتر از قیمت نقدی آن اشکال ندارد و تفاوت نقد و نسیه ربا محسوب نمی شود.

خرید و فروش وام

* پایگاه اطلاع رسانی مراجع:

سؤال: بنده حق استفاده از ۵ میلیون وام بانک مسکن دارم. منتهی بنا دلایلی نمی توانم از این

حق استفاده کنیم. آیا فروش حق استفاده از این وام جایز است؟ اگر جایز نیست با توجه به اینکه پول من یک سال در اختیار بانک بوده است سودی که آنها می دهند می توانم بگیرم؟

آیت الله مکارم: ۱- در صورتی که مقررات بانک اجازه دهد اشکالی ندارد.

۲- در صورتی که شما به قصد سود، در آن بانک حسابی باز نکرده باشید و آنها به میل و رضای خود سودی به شما می دهند اشکالی ندارد.

سؤال: در بانک مسکن برای دریافت وام خرید مسکن سرمایه گذاری کرده ام اما اینک به وام آن احتیاج ندارم. آیا جایز است وام خود را به فردی دیگر واگذار نمایم و در قبال آن وجهی دریافت نمایم؟ بطور کلی فروش وام مسکن که امروزه متداول شده و در روزنامه‌ها آگهی میدهند چه حکمی دارد؟

آیت الله مکارم: چنانچه این کار با مقررات بانکی که وام می دهد مخالفت نداشته باشد، اشکالی ندارد.

سؤال: آیا خرید و فروش وام صحیح است؟

آیت الله مکارم: خرید و فروش وام مانعی ندارد.

سؤال: فردی در اثر رابطه با بانکی مبلغی وام برای بنده مهیا کرده و در ازای آن مبلغی از آن پول را به عنوان دست خوش طلب می کند. آیا گرفتن این وام مجاز است؟

آیت الله مکارم: اگر چیزی به عنوان حق الزحمه به او بدهید اشکال ندارد ولی اگر بخشی از وام را به او وام بدهید اشکال دارد.

سؤال: بانکی در ازای سپرده گذاری چندماهه به سپرده گذار به شرط ارائه سند ملکی وام پرداخت می کند. نفر اول مقدار پول سپرده را دارد ولی سند ملکی ندارد و شخص دوم سند ملکی دارد ولی پول سپرده را ندارد. اگر نفر اول سپرده گذاری کند و هنگام سررسید پرداخت وام از سوی بانک، به شرط دریافت درصدی از مبلغ وام، وام را به شخص دوم (صاحب سند) واگذار کند، حکم شرعی

عمل شخص اول و وام تعلق گرفته به شخص دوم چیست؟

آیت الله مکارم: در صورتیکه مقررات اجازه دهد و گیرندگان وام عینا وام را در همان مصرفی که با بانک قرارداد بسته اند صرف کنند مانعی ندارد ولی اگر در غیر آن مصرف شود حرام است.

سؤال: بعضی افراد در برخی بانکها و یا صندوقهای قرض الحسنه مبلغی را برای مدتی بصورت سپرده می گذارند و بعد از طی آن مدت وامی با توجه به مقررات بانک یا صندوق قرض الحسنه نسبت به موجودی آنها به ایشان تعلق می گیرد. در این ارتباط خواهشمند است احکام شرعی را در پاسخ مکفی به سؤالات زیر مرقوم فرمایید:

۱ - آیا این افراد می توانند امتیاز وام متعلقه را در

قبال گرفتن مبلغی به دیگری واگذار نمایند؟

۲ - آیا در صورت مثبت بودن پاسخ سؤال اول، آیا شخص خریدار می تواند مبلغ خرید امتیاز وام را به صورت اقساط به شخص فروشنده بپردازد؟

۳ - آیا در موردی که محل وام دهنده صندوق قرض الحسنه باشد خود صندوق می تواند به عنوان واسطه در کار خرید و فروش امتیاز وام عمل کند بدین ترتیب که امتیاز وام شخص فروشنده را بخرد و به شخص دیگری که متقاضی است بصورت نقد یا اقساط بفروشد و اگر سودی از این راه حاصل شود صندوق مذکور می تواند آن را به عنوان درآمد صرف هزینه های جاری خود کند؟

۴ - آیا شخص سپرده گذار می تواند از همان ابتدا نیت فروش امتیاز وام متعلقه را داشته باشد؟

۵ - آیا شخص سپرده گذار می تواند از همان ابتدا امتیاز وام خود را بصورت نقد یا اقساط پیش فروش نماید؟

آیت الله سیستانی:

۱ - اشکال ندارد البته او حق شرعی ندارد ولی می تواند پول بگیرد در مقابل حضور در صندوق یا

بانک و امضای تنازل از آنچه که آنها آن را حق او می دانند.

۲ - می تواند.

۳ - مانعی ندارد.

۴ - می تواند ولی در همه این موارد خرید و فروش نیست.

۵ - می تواند با ملاحظه همین توضیح.

سؤال: شخصی مبلغی را نزد صندوق قرض الحسنه ای سپرده گذاری نموده وبعد از گذشت مدتی از آن سپرده امتیاز وام به او تعلق گرفته و آن را به شخص دیگری واگذار نموده است و در قبال این حق امتیاز که داشته مبلغی را دریافت می نماید آیا این مبلغ از لحاظ شرعی مشکل دارد یا خیر؟

آیت الله علوی گرگانی: اگر از نظر بانک واگذاری وام اشکال نداشته باشد شرعا مشکلی ندارد.

سؤال: آیا خرید و فروش امتیاز وام بانک ها مشکل دارد. (به عنوان مثال امتیاز یک وام ۱۰ میلیون تومانی را ۱ میلیون تومان بفروشید)

آیت الله علوی گرگانی: در صورتی که خرید و فروش وام از لحاظ قوانین بانکی منع نشده باشد مانعی ندارد.

سؤال: نظر مبارک شما در ارتباط با خرید و فروش وام مسکن چیست؟

آیت الله علوی گرگانی: اگر وام دهنده به شخص خاص یا عنوان خاص « منظور فرهنگیان - نیروهای مسلح » بخواهد وام را بفروشد خرید و فروش جایز نیست. اگر وام دهنده به نفسه اجازه واگذاری بدهد و قانونی بالخصوص به این جهت وضع نشده باشد ایرادی ندارد.

جریمه دیرکرد

** پایگاه اطلاع رسانی مراجع:

سؤال: اگر وام گیرنده پرداخت وام را از مهلت مقرر به تأخیر بیندازد، آیا وام دهنده می‌تواند مبلغی بیشتر از مقدار وام را از او مطالبه کند؟
وام دهنده از نظر شرعی حق مطالبه چیزی بیشتر از اصل وام را ندارد.

سؤال: اگر مقروض قرض را در وقت معین پرداخت نکرد، آیا برای تأخیر آن، گرفتن زیادی جایز است؟
آیت الله سیستانی: جایز نیست.

سؤال: اگر چیزی را از کسی قرض بگیریم و دهنده شرط کند که در صورت تأخیر از مقرر وجهی را بعنوان جریمه مازاد برشیء مقروض دریافت کند اشکال دارد؟

آیت الله سیستانی: جایز نیست.

سؤال: پرداخت وام های قرض الحسنه، با دریافت اقساط وامهای پرداختی ارتباط مستقیم دارد. و هر نوع رکود در دریافت اقساط وام، باعث مشکلاتی در پرداخت وام های آتی می گردد. لطفاً در این مورد به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا اخذ چنین وامهایی برای آنان جایز است؟
ب) آیا می توان، مانند بانکهای دولتی، در برابر هر روز تأخیر در پرداخت قسط وام، جریمه ای با همان فرمول منظور نمود؟

آیت الله مکارم: تأخیر در پرداخت وام از سوی قرض گیرندگان جایز نیست؛ همان گونه که اخذ جریمه دیرکرد نیز مشروعیت ندارد.

سؤال: اگر در بازپرداخت وامی که از بانک گرفته شده است تأخیری صورت بگیرد، آیا بانک تحت عنوان جریمه و خسارت تأخیر انجام تعهد می تواند پولی را دریافت کند؟

آیت الله مکارم: جایز نیست.

سؤال: گرفتن جریمه و دیر کرد اقساط وام بانکی با توجه به محرز بودن افلاس مشتری یا وام گیرنده از طرف بانک چه حکمی دارد؟

آیت الله علوی گرگانی: به نظر ما گرفتن جریمه دیرکرد حرام است.

رباهای مجاز

*** رساله مراجع:

امام خمینی: اگر مسلمان از کافری که در پناه اسلام نیست ربا بگیرد اشکال ندارد، و نیز پدر و فرزند و زن و شوهر می‌توانند از یکدیگر ربا بگیرند. آیت الله بهجت: اگر مسلمان از کافری که در پناه اسلام نیست ربا بگیرد اشکال ندارد ولی مسلمان نمی‌تواند به کافر، ربا و زیادتی در معامله بدهد، و نیز پدر و فرزند و زن و شوهر می‌توانند از یکدیگر ربا بگیرند.

آیت الله خوئی: معامله ربا چه با مسلمان چه با کافر حرام است، بلی اگر مسلمان از کافری که در پناه اسلام نیست یا از کافری که در پناه اسلام است و ربا گرفتن در شریعتش جایز باشد ربا بگیرد اشکال ندارد. و بنا بر احتیاط واجب پدر و فرزند و زن و شوهر نیز نمی‌توانند از یکدیگر ربا بگیرند.

آیت الله مکارم: در چند مورد ربا گرفتن حرام نیست: ۱ ربا گرفتن مسلمانان از کفاری که در پناه اسلام نیستند. ۲ ربا گرفتن پدر و فرزند از یکدیگر. ۳ ربا گرفتن زن و شوهر از یکدیگر.

آیت الله زنجانی: مسلمان می‌تواند از کافری که در پناه اسلام نیست و یا از کافری که در پناه اسلام است و ربا گرفتن در شریعتش جایز است ربا بگیرد، و نیز پدر می‌تواند از فرزند خود و شوهر از زن خود ربا بگیرد، و بنا بر احتیاط واجب پسر از پدر و زن از شوهر خود ربا نگیرد.

آیت الله سیستانی: پدر و فرزند و زن و شوهر می‌توانند از یکدیگر ربا بگیرند و همچنین مسلمان می‌تواند از کافری که در پناه اسلام نیست ربا بگیرد؛ ولی معامله ربا با کافری که در پناه اسلام هست حرام است، البته پس از انجام معامله اگر ربا دادن در شریعت او جایز باشد، می‌تواند از او زیادتی را بگیرد.

*** پایگاه اطلاع رسانی مراجع:

سؤال: آیا حرمت ربا برای همه اشخاص حقیقی و حقوقی بطور یکسان ثابت است یا آنکه بعضی از موارد خاص، استثنا هستند؟

آیت الله خامنه ای: ربا به صورتی کلی حرام است غیر از ربای قرضی بین پدر و فرزند و زن و شوهر و همچنین ربائی که مسلمان از غیر مسلمان می‌گیرد.

سؤال: ربا بین چه کسانی جایز است؟

آیت الله خامنه ای: موارد جواز عبارتند از: ۱- بین پدر و فرزند ۲- بین زن و شوهر ۳- بین مسلمان و کافری که در پناه اسلام نیست (یعنی ربا گرفتن مسلمان از کافر غیرذمی جایز است).

سؤال: آیا بین زن و شوهر ربا جایز است و فرقی بین ازدواج دائم و غیردائم هست؟

آیت الله بهجت: اشکال ندارد و فرقی بین دائم و غیر دائم نیست.

سؤال: آیا جمله ی «لا ربا بین الوالد و ولده» شامل ولد با واسطه و جدّ هم می‌شود؟

آیت الله بهجت: نوه به حکم فرزند است و ربا بین آن‌ها اشکال ندارد.

سؤال: آیا ربا بین مادر و فرزند و یا بین پدر و دختر جایز است؟

آیت الله بهجت: میان پدر و فرزند اعمّ از پسر و دختر جایز است، امّا بین مادر و فرزند جایز نیست.

سؤال: اینکه می‌گویند از بانک کافر می‌شود ربا گرفت پس مراد از بانک کافر چه بانکی است اگر چنانچه مراد از آن بانکی باشد که تمام مشترکین آن کافر باشند که در هیچ جا چنین چیزی وجود ندارد.

آیت الله سیستانی: یعنی مالک و سهامداران بانک غیر مسلمان باشند.

ربای قرضی

** پایگاه اطلاع رسانی مراجع:

سؤال: شخصی به دیگری وام می دهد، و هیچ گونه شرطی در رابطه با سود مطرح نمی کند. اما بعد از این که پولش را پس می گیرد، به شکل واضح یا تلویحاً اشاره می کند، که خوب بود سودی پرداخت می شد، آیا در این صورت و بدون این که وام دهنده عددی را معین نماید، و فقط به خاطر این که گله و ناراحتی خود را ابراز کرده، وام گیرنده مجاز است مبلغی به او بدهد؟ آیا این پول در حکم ربا نیست؟

آیت الله مکارم: با توجه به این که شرطی نکرده اند، و مطلب تنها به صورت گله مطرح شده، و الزامی در کار نبوده، اشکالی ندارد.

سؤال: اگر کسی که از صندوق قرض الحسنه وام دریافت کرده است، هنگام پرداخت وام از طرف خودش بدون آنکه بر او شرط شده باشد، مقداری بیشتر از اصل وام را بپردازد، آیا گرفتن این مبلغ اضافی از او و صرف آن در کارهای عمرانی جایز است؟

آیت الله خامنه ای: اگر قرض گیرنده آن مبلغ اضافی را خودش، با رضایت و به عنوان یک عملی که هنگام پرداخت قرض مستحب است بپردازد، دریافت آن از او اشکال ندارد و اما تصرفات مسئولین مؤسسه در آن از طریق مصرف آن در کارهای عمرانی و غیره تابع حدود اختیارات آنان در این باره است.

سؤال: صاحب یکی از کارخانه ها مبلغی پول برای خرید مواد اولیه از من قرض گرفت و بعد از مدتی آن را با مقداری اضافی به من برگرداند و این مبلغ اضافی را از طرف خودش با رضایت کامل و بدون آنکه قبلاً شرط شده باشد و من توقع آن را نداشته باشم به من پرداخت نمود، آیا جایز است آن مقدار زیادی را از او بگیرم؟

آیت الله خامنه ای: در فرض سؤال که در قرض شرط پرداخت مبلغ اضافی نشده و آن مبلغ را

قرض گیرنده با رضایت خود داده تصرف شما در آن اشکال ندارد.

سؤال: شخصی پولی را برای انجام یک کار اقتصادی قرض گرفت، اگر آن کار برای او سود آور باشد، آیا جایز است مبلغی از سود آن را به قرض دهنده بپردازد؟ و آیا جایز است قرض دهنده آن را مطالبه کند؟

آیت الله خامنه ای: قرض دهنده حقی در سود حاصل از تجارت قرض گیرنده با مال قرضی ندارد و نمی تواند هیچ مقداری از آن سود را از او مطالبه کند، ولی اگر قرض گیرنده خودش بخواهد بدون هیچ قرار قبلی با پرداخت مبلغی زائد بر مقدار اصل قرض به قرض دهنده به او نیکی کند، اشکال ندارد، بلکه مستحب است.

سؤال: مبلغی را به کسی قرض دادم بدون هیچ گونه شرط و شروطی اما قرض گیرنده قرض خود را پس از مدتی با اضافه پرداخت مبلغی بیشتر باندازه سود اوراق مشارکت بانکها به من مسترد نمود. آیا دریافت چنین وجهی جایز است؟
آیت الله علوی گرگانی: جایز است.

سؤال: از کسی مبلغ زیادی قرض الحسنه گرفته ام بمدت یک ماه که جنسی را خرید و فروش کنم. آن شخص به هیچ عنوان سود و یا بهره از من نخواسته است. در صورتیکه من با خرید و فروش آن جنس (خودرو) نه سود کنم و نه ضرر آیا می توانم بدون خبر او هدیه یا مبلغی تشکر بپردازم؟ آیا راه تشکر دیگر شرعی که در آن هدیه ای باشد وجود دارد؟

آیت الله سیستانی: جایز بلکه مستحب است.

سؤال: اینجانب مبلغی پول به عنوان قرض الحسنه به شخصی داده ام و مقرر شده او با این پول کار کرده و ۳۰ درصد از سود حاصله را به من بدهد. به علت سختی حساب برای ایشان مقرر شد ایشان علی الحساب ماهانه ۳۰ هزار تومان به من بدهند و

سر سال دو طرف در ما بقی سود مصالحه و صرف نظر کنند آیا این عمل ربا نیست؟
آیت الله سیستانی: ربا است.

سؤال: نیاز به یک ماشین دارم. آیا می توانم مبلغ دو میلیون تومان از کسی به عنوان کار کردن بگیرم و پس از یک ماه با توجه به اینکه سود هم خواهم کرد مبلغ ۹۰ هزار تومان به عنوان سود به او بدهم. (لازم به یادآوری می باشد که این دو میلیون را فقط برای یک ماه می خواهم و این کار در ایران توسط بانکهای مختلف برای خرید منزل و ماشین انجام می شود). آیا این راه شرعی است یا خیر؟ آیا راه شرعی دیگر دارد که بتوان از این پول استفاده کرد؟

آیت الله سیستانی: اگر قرض به شرط سود باشد ربا و حرام است و اگر بدون شرط باشد حلال است.

سؤال: پدرم در ضمن یک معامله صوری مبلغی پول به شخصی داد که در واقع به عنوان قرض بود و بدهکار هم هر ماه مبلغی به عنوان سود می پرداخت، بعد از وفات طلبکار (پدرم) هم بدهکار به پرداخت آن مقدار سود ادامه داد تا اینکه او هم فوت نمود، آیا پولهایی که به عنوان سود پرداخت شده است، ربا محسوب می شود و بر ورثه طلبکار واجب است که آنها را به ورثه بدهکار برگردانند؟

با فرض اینکه پرداخت پول به او در واقع به عنوان قرض بوده، هر مبلغی که به عنوان سود مال پرداخت شده است ربا محسوب می شود و شرعاً حرام است و باید عین یا عوض آن از ترکه طلبکار به بدهکار یا ورثه او پرداخت شود.

سؤال: آیا جایز است اشخاص، اموال خود را نزد افراد دیگر به ودیعه بگذارند و هر ماه سود دریافت کنند؟

اگر سپردن اموال به دیگران برای بهره برداری از آن تحت عنوان یکی از عقود صحیح باشد، اشکال ندارد و سود حاصل از بکارگیری آن هم بدون اشکال است، ولی اگر به عنوان قرض باشد،

هر چند اصل قرض صحیح است، ولی شرط سود در ضمن آن شرعاً باطل است و سودهای گرفته شده ربا و حرام است.

*** رساله مراجع:

امام خمینی: اگر کسی که قرض می‌دهد شرط کند که زیادتر از مقداری که می‌دهد بگیرد، مثلاً یک من گندم بدهد و شرط کند که یک من و پنج سیر بگیرد، یا ده تخم مرغ بدهد که یازده تا بگیرد، ربا و حرام است بلکه اگر قرار بگذارد که بدهکار کاری برای او انجام دهد، یا چیزی را که قرض کرده با مقداری جنس دیگر پس دهد، مثلاً شرط کند یک تومانی را که قرض کرده با یک کبریت پس دهد، ربا و حرام است و نیز اگر با او شرط کند که چیزی را که قرض می‌گیرد، بطور مخصوص پس دهد (۱) مثلاً مقداری طلای نساخته به او بدهد و شرط کند که ساخته پس بگیرد، باز هم ربا و حرام می‌باشد. ولی اگر بدون این که شرط کند، خود بدهکار زیادتر از آنچه قرض کرده پس بدهد اشکال ندارد (۲) بلکه مستحب است.

(۱) (زنجانی): به گونه‌ای که قیمت آن بیشتر است پس بدهد...

(۲) (بهجت): بنا بر اظهر.. (مکارم): مسأله هر گاه قرض دهنده شرط کند که زیادتر از مقداری که داده بگیرد، ربا و حرام است، خواه جنسی باشد که با وزن و پیمانانه خرید و فروش می‌شود یا با عدد، بلکه اگر قرار بگذارد که بدهکار عملی برای او انجام دهد یا جنس دیگری اضافه کند، مثلاً شرط کند علاوه بر پولی که قرض کرده مقداری گندم هم به او بدهد، یا این که مقداری طلای نساخته را قرض دهد و شرط کند که همان مقدار ساخته پس بگیرد، همه اینها ربا و حرام است، ولی مانعی ندارد خود بدهکار بدون اینکه شرطی در کار باشد مقداری اضافه کند بلکه این کار مستحب است.

*** توضیح المسائل مراجع:

امام خمینی: اگر کسی بخواهد پولی قرض کند و ربا بدهد یا قرض بدهد و ربا بگیرد و به یکی از راه‌هایی که در بعض رساله‌های عملیه ذکر شده بخواهد از ربا فرار کند جائز نیست، و زیاده‌ای که می‌گیرد بر او حلال نمی‌شود، پس ربای قرضی به وجهی از وجوه حلال نیست.

امام خمینی: قرض ربوی باطل نیست و اگر وام گیرنده قصد جدی برای پرداخت زیادی را نداشته باشد، عمل او باطل نیز نمی‌باشد و اگر هم اظهار قبول شرط نمود کار حرامی مرتکب نشده است. آیت الله گلپایگانی، روحانی، سیستانی، اراکی، تبریزی: قرض صحیح است ولی اشتراط باطل است.

آیت الله وحید: اقوی این است که کسی که قرض ربوی گرفته مالک می‌شود هر چند احوط عدم تصرف در آن است.

*** استفتائات آیت الله خامنه‌ای:

سؤال: ربای قرضی چیست؟ آیا درصدی که سپرده‌گذاران به عنوان سود از بانکها دریافت می‌کنند، ربا محسوب می‌شود؟

ربای قرضی آن مقدار اضافه بر مبلغ قرض است که قرض گیرنده بخاطر قرضی که می‌گیرد به قرض دهنده می‌دهد و اما سود حاصل از کار کرد پولی که به عنوان سپرده به بانک داده شده تا به وکالت از طرف صاحب آن در یکی از عقود صحیح شرعی بکار گرفته شود، ربا نیست و اشکال ندارد.

سؤال: عده‌ای از اشخاص از دیگران مبلغی پول می‌گیرند و در برابر آن هر ماه مقداری سود به آنان می‌دهند بدون آنکه این کار را تحت عنوان یکی از عقود انجام دهند، بلکه فقط بر اساس توافق طرفین انجام می‌شود، این کار چه حکمی دارد؟

این قبیل معاملات، قرض ربوی محسوب می‌شوند و شرط سود و فایده در آن باطل است و آن مقدار اضافی ربا بوده و شرعاً حرام می‌باشد و گرفتن آن جایز نیست.

سؤال: شخصی مبلغی را برای مدتی قرض گرفت، به این شرط که هزینه‌های سفر قرض دهنده مانند سفر حج را بپردازد، آیا این کار برای آنان جایز است؟

شرط کردن پرداخت هزینه‌های سفر قرض دهنده و امثال آن در ضمن عقد قرض همان شرط دریافت سود و فائده بر قرض است که شرعاً حرام و باطل می‌باشد، ولی اصل قرض صحیح است.

سؤال: بیشتر مسلمانان به دلیل نداشتن سرمایه مجبور به گرفتن سرمایه از کفار می‌شوند که مستلزم پرداخت ربا می‌باشد، دریافت قرض ربوی از کفار یا بانک وابسته به دولت غیر اسلامی چه حکمی دارد؟

قرض ربوی از نظر تکلیفی، مطلقاً حرام است هر چند از غیر مسلمان باشد، ولی اگر فردی چنین قرضی را گرفت، اصل قرض صحیح است.

ربای معاملی

** پایگاه اطلاع رسانی مراجع:

سؤال: آیا در معاملات دیگر - غیر از بیع (مثل صلح، اجاره و...) - نیز ربای معاملی جاری است؟
آیت الله بهجت: ثبوت ربا در آنچه که جاری مجرای بیع است نزد عرف، خالی از وجه نیست.

سؤال: آیا تعویض طلای کهنه یا شکسته و مستعمل با طلای نو اشکال دارد؟

آیت الله بهجت: اگر وزن یکی از آنها زیادتیر از دیگری باشد و طلای مغشوش به مقداری که مالیت داشته و معامله بر آن صورت می‌گیرد نباشد، حرام و باطل است.

سؤال: کارخانه‌های قند در روستاها، نمایندگان و شرکت تعاونی‌هایی دایر کرده‌اند که به چغندرکاران در ازای چغندر دریافتی پول یا قند تحویل می‌دهند، آیا دریافت قند در برابر چغندر قند حکم ربای معاملی را دارد؟

آیت الله بهجت: الحاق قند به اصل آن که چغندر است، به قاعده اصل و فرع، محلّ تأمل است.

سؤال: اگر به کارخانه برنج کوبی مقداری برنج جهت پاک کردن داده شود و کارخانه در ازای دستمزد خود مقداری برنج پاک کرده از برنج‌های تحویلی بردارد، ربا محسوب می‌شود؟ اگر به شالی‌کار مقدار کمتری از برنج پاک شده خود را تحویل دهد، چه حکمی دارد؟

آیت الله بهجت: اگر معاوضه نیست، بلکه همان برنج است و جز عنوان مزد چیزی نیست، ربا نمی‌باشد.

سؤال: برخی از کارخانه‌های آرد یا مکینه‌های گندم پس از دریافت گندم از کشاورزان، مقدار کمتری آرد به آن‌ها پس داده و دستمزد و هزینه آرد کردن را با رضایت مشتری از آرد برمی‌دارند، آیا این عمل ربای معاملی محسوب می‌شود؟ و اگر آرد تحویلی به آن‌ها از همان گندم دریافتی نباشد چه طور؟

آیت الله بهجت: در صورتی که معاوضه‌ای در کار نباشد و فقط به عنوان مزد آرد کردن بردارد، ربا نیست.

سؤال: آیا عوض کردن شیر با محصولات لبنی دیگر جایز است؟ و اگر کسی شیر را به کارخانه بدهد و در مقابل از شرکت تعاونی همان کارخانه محصولات لبنی مورد نیاز خود را تحویل بگیرد، اشکال دارد؟

آیت الله بهجت: اگر جنسی را که می‌فروشد و عوضی را که می‌گیرد از یک چیز به دست آمده باشد و به عبارت دیگر، حقیقت نوعیه‌ی آن‌ها یکی بوده و اصناف مختلف باشند، باید در معامله، زیادی نگیرند؛ پس اگر مثلاً یک من کره حیوانی بفروشد و در عوض آن یک من و نیم پنیر بگیرد و یا سه کیلو شیر بدهد و نیم کیلو کره یا پنیر بگیرد، ربا و حرام است.

سؤال: برخی ظروف مسی، آلومینیومی و رویی با وزن خرید و فروش می‌شوند، آیا فروشنده می‌تواند

ظرف کهنه را از مشتری بگیرد و به جای آن ظرف نو به او بدهد و ما به التفاوت را نیز با او محاسبه نماید؟ اگر این معامله به صورت مبادله یا در دو معامله صورت پذیرد، آیا شرعاً اشکال دارد؟
 آیت الله بهجت: اگر در دو معامله صورت پذیرد، جایز است.

سؤال: آیا معاوضه ۱۰ کیلو برنج درجه ۳ با قیمت ۱۰۰ تومان با ۱ کیلو برنج درجه یک با قیمت ۱۰۰۰ تومان حکم ربا دارد؟
 آیت الله سیستانی: ربا است.

سؤال: در صورتی که از تعاونی مصرفی اداره‌ای و یا حتی از طریق کوپن ارزاق عمومی مثلاً برنجی با کیفیت متوسط دریافت کنیم و بخواهیم این برنج را با نوع بهتری تعویض نماییم حکم این معاوضه چیست؟ آیا می‌شود آن را به صاحب برنج خوبتر داده و به عوض آن از نظر مقدار برنج بهتری اما کمتر از برنج اولی دریافت کرد؟ و یا اینکه بایستی برنج را فروخت و با پول آن برنج مرغوب را خریداری نمود؟ آیا معامله‌ی نوع اول از مصادیق ربا هست یا خیر؟

آیت الله خامنه‌ای: در فرض مرقوم، معامله نوع اول از مصادیق ربا است و نوع دوم صحیح و بدون اشکال است.

سؤال: آیا اگر طلای مستعمل را با طلای نو معاوضه کنیم و مبلغی را بابت خرید طلای نو به طلافروش بپردازیم اشکال دارد؟

آیت الله خامنه‌ای: طلای مستعمل را به قیمت معینی به او بفروشید و بعد طلای نو را به قیمت معین بخرید.

سؤال: اگر دو چیز همجنس که به لحاظ ارزش و قیمت متفاوت می‌باشند و نیز فروش آنها بصورت وزنی و یا پیمانه‌ای می‌باشد با هم معامله شوند آیا این معامله صحیح است؟ اگر در این معامله قصد ربا نباشد ولی اگر بخواهند یکی از آنها جنس خود را جداگانه بفروشد و بعد با پول حاصله جنس

دیگری را بخرد و این روش برایش هزینه بردارد آیا در این صورت می‌توانند آن اجناس را با هم معامله کنند؟

آیت الله خامنه‌ای: اگر از نظر وزن مساوی باشند، اشکال ندارد ولی اگر از نظر وزن متفاوت باشند، ربا و حرام است مگر اینکه به آن که کمتر است یک چیز دیگر از جنس دیگر ضمیمه کند.
** استفتائات آیت الله خامنه‌ای:

سؤال: ملاک معامله ربوی چیست؟ آیا این سخن که ربا فقط در قرض محقق می‌شود نه در موارد دیگر، صحیح است؟

آیت الله خامنه‌ای: ربا در معامله هم محقق می‌شود همانگونه که در قرض ممکن است تحقق پیدا کند و ربای در معامله عبارت است از فروش کالائی که مکیل و موزون باشد در برابر کالای همجنس آن به مقدار زیادتر.

** رساله مراجع:

مسأله: امام خمینی: اگر مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمان می‌فروشند به زیادتر از همان جنس بفروشد، مثلاً یک من گندم را به یک من و نیم گندم بفروشد ربا و حرام است (و گناه یک درهم ربا بزرگتر از آن است که انسان هفتاد مرتبه با محرم خود زنا کند) (۱)؛ بلکه اگر یکی از دو جنس (۲) سالم و دیگری معیوب، یا جنس یکی خوب و جنس دیگری بد باشد، یا با یکدیگر تفاوت قیمت داشته باشند، چنانچه بیشتر از مقداری که می‌دهد بگیرد، باز هم ربا و حرام است، پس اگر مس درست را بدهد و بیشتر از آن، مس شکسته بگیرد یا برنج صدری (۳) را بدهد و بیشتر از آن برنج کرده (۴) بگیرد یا طلای ساخته را بدهد و بیشتر از آن طلای نساخته بگیرد، ربا و حرام می‌باشد.

(۱) قسمت داخل پرانتز در رساله آیات عظام: (خوئی)، (سیستانی)، (صافی)، (زنجانی) و (تبریزی) نیست

(۲) (گلپایگانی)، (صافی): اگر یک نوع از آن جنس...

(۳) (بهجت): برنج مرغوب...

(۴) (تبریزی): برنج خرده... (بهجت): برنج نامرغوب...

آیت الله مکارم: ربا خواری حرام است و آن بر دو گونه است: نخست ربای در قرض که در بحث قرض، به خواست خدا خواهد آمد. دوم ربای در معامله است و آن این است که مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمانه می‌فروشند به زیادتر از همان جنس بفروشند؛ مثلاً یک من گندم را به یک من و نیم بفروشند. در روایات اسلامی مذمت از ربا بسیار شده است و از گناهان بسیار بزرگ محسوب می‌شود. هرگاه یکی از آن دو جنس، معیوب و دیگری سالم، یا یکی مرغوب و دیگری نامرغوب باشد یا به خاطر جهات دیگر تفاوت قیمت داشته باشد، مثل این که ده کیلو گندم مرغوب یا سالم را بدهد و ۱۵ کیلو نامرغوب یا ناسالم را بگیرد آن هم ربا و حرام است، بنا بر این اگر طلای ساخته را بدهد و بیشتر از آن، طلای نساخته بگیرد، یا مس ساخته را بدهد و بیشتر از آن مسهای شکسته را بگیرد یا برنج درجه یک بدهد و بیشتر از آن درجه دو و سه بگیرد همه ربا و حرام است. و همچنین اگر اضافه‌ای از غیر جنس آن بگیرد، مثل اینکه ده کیلو گندم مرغوب را بدهد و ده کیلو گندم نامرغوب به اضافه ده تومان پول بگیرد آن هم ربا و حرام است، بلکه اگر چیزی زیادتر نگیرد ولی شرط کند خریدار کاری برای او انجام دهد آن نیز ربا و حرام است.

امام خمینی: اگر چیزی را که اضافه می‌گیرد غیر از جنسی باشد که می‌فروشند، مثلاً یک من گندم به یک من گندم و یک قران پول بفروشد باز هم ربا و حرام است (۱) بلکه اگر چیزی زیادتر نگیرد ولی شرط کند که خریدار عملی برای او انجام دهد، ربا و حرام می‌باشد.

(۱) (بهجت): بقیه مسأله ذکر نشده.

مسأله: امام خمینی: اگر کسی که مقدار کمتر را می‌دهد چیزی علاوه کند مثلاً یک من گندم و یک دستمال را به یک من و نیم گندم بفروشد اگر مقدار کمتر، در قیمت، مساوی با مقدار بیشتر همجنس آن باشد و کسی که مقدار کمتر را می‌دهد، برای خلاصی از فروش آن به زیادتر از همجنس، چیزی علاوه کند مثلاً یک من گندم اعلا و یک دستمال را به یک من و نیم گندم متوسط بفروشد اشکال ندارد و همچنین است اگر از هر دو طرف، چیزی زیاد کنند مثلاً یک من گندم و یک دستمال را به یک من و نیم گندم و یک دستمال بفروشد (۱) ولی اگر چیز علاوه، برای فرار از ربا باشد، مثلاً یک من گندم خوب را به یک من و نیم گندم خوب مثل آن، بخواهد نسبه بفروشد و برای فرار از ربا، چیزی بر یک من گندم علاوه کند، جایز نیست.

(۱) (فاضل): بقیه مسأله ذکر نشده.

آیت الله سیستانی: اگر کسی که مقدار کمتر را می‌دهد چیزی علاوه کند مثلاً یک من گندم و یک دستمال را به یک من و نیم گندم بفروشد اشکال ندارد در صورتی که قصدشان آن باشد که دستمال در مقابل مقدار زیادی باشد و معامله هم نقدی باشد و همچنین اگر از هر دو طرف چیزی زیاد کنند، مثلاً یک من گندم و یک دستمال را به یک من و نیم گندم و یک دستمال بفروشند چنانچه قصدشان آن باشد که دستمال و نیم من گندم در طرف اول، در مقابل دستمال در طرف دوم باشد اشکال ندارد.

آیات عظام خویی، اراکی، گلپایگانی، صافی، تبریزی، بهجت، و زنجانی: اگر کسی که مقدار کمتر را می‌دهد چیزی علاوه کند مثلاً یک من گندم و یک دستمال را به یک من و نیم گندم بفروشد اشکال ندارد و همچنین است اگر از هر دو طرف چیزی زیاد کنند، مثلاً یک من گندم و یک

دستمال را به یک من و نیم گندم و یک دستمال بفروشد، اشکال ندارد.

آیت الله مکارم: هرگاه کسی که مقدار کمتر را می‌دهد جنس دیگری به آن اضافه کند مثلاً ده کیلو گندم به اضافه یک متر پارچه را به پانزده کیلو گندم بفروشد اشکال ندارد، همچنین اگر به هر دو طرف چیز دیگری اضافه کنند. ولی حیله‌های ربا که قصد جدی در آن نیست؛ مثل آنچه در میان بعضی، معمول است که وامی را به کسی می‌دهند و بعد، سود آن را که مبلغ هنگفتی است، با یک سیر نبات مصالحه می‌کنند، باطل و بی اساس است و مبلغ اضافی، ربا محسوب می‌شود.

مسأله: امام خمینی: اگر چیزی را که می‌فروشد و عوضی را که می‌گیرد از یک جنس نباشد زیادی گرفتن اشکال ندارد، پس اگر یک من برنج بفروشد و دو من گندم بگیرد معامله صحیح است.

(سیستانی): مسأله در چیزهایی که با وزن یا پیمانه فروخته می‌شوند، اگر چیزی را که می‌فروشد و عوضی را که می‌گیرد، از یک جنس نباشد و معامله نقدی باشد، زیادی گرفتن اشکال ندارد، ولی اگر معامله با مدت باشد، محل اشکال است؛ پس اگر یک من برنج را به دو من گندم تا یک ماه بفروشد، صحت معامله خالی از اشکال نیست.

(مکارم): مسأله خرید و فروش چیزهایی که از یک جنس نیست به هر صورت که باشد مانعی ندارد، مثل این که ده کیلو برنج را به بیست کیلو گندم بفروشند.

امام خمینی: اگر جنسی را که می‌فروشد و عوضی را که می‌گیرد از یک چیز عمل آمده باشد (۱) باید (۲) در معامله زیادی نگیرد (۳) پس اگر یک من روغن (۴) بفروشد و در عوض آن یک من و نیم پنیر بگیرد، ربا و حرام است (۵) و احتیاط واجب آن است که اگر میوه رسیده را با میوه نارس معامله کند زیادی نگیرد.

(۱) (بهجت): و به عبارت دیگر، حقیقت نوعیه آنها یکی بوده و اصناف مختلف باشند..

(۲) (اراکی): بنا بر احتیاط واجب باید..

(۳) (اراکی): بنا بر این در فروش مثل روغن به پنیر که از یک جنس می‌باشد، بنا بر احتیاط واجب نباید زیادی گرفته شود و احتیاط واجب آن است که اگر میوه رسیده مانند انگور را با میوه نارس مانند غوره معامله کند زیادی نگیرد.

(خوئی)، (زنجانی)، (تبریزی): مثلاً اگر یک من روغن گاو بفروشد و در عوض آن یک من و نیم پنیر گاو بگیرد، ربا و حرام است و همچنین است اگر میوه رسیده را با میوه نارس آن معامله کند، (خوئی)، (زنجانی): نمی‌تواند زیادی بگیرد (تبریزی): زیادی نگیرد.

(۴) (بهجت): یک من کره حیوانی..

(۵) (بهجت): بقیه مسأله ذکر نشده.

(فاضل): و همچنین است اگر میوه رسیده را با میوه نارس معامله کند نمی‌تواند زیادی بگیرد.

(مکارم): مسأله معامله جنسهای مختلفی که از یک ریشه گرفته شده است با تفاوت اشکال دارد، مثل اینکه ده کیلو روغن را به بیست کیلو پنیر بفروشند، یا به پنجاه کیلو شیر، یا پانزده کیلو کره. (سیستانی): مسأله معامله میوه رسیده با میوه نارس با زیادتی جایز نیست و بطور مساوی اگر به صورت نقدی باشد مکروه است و اگر نسیه باشد مورد اشکال است.

مسأله: امام خمینی: جو و گندم در ربا یک جنس حساب می‌شود، پس اگر (۱) یک من گندم بدهد و یک من و پنج سیر جو بگیرد، ربا و حرام است (۲) و نیز اگر مثلاً ده من جو بخرد که سر خرمن ده من گندم بدهد، چون جو را نقد گرفته و بعد از مدتی گندم را می‌دهد، مثل آن است که زیادی گرفته و حرام می‌باشد.

(۱) (خوئی)، (تبریزی)، (سیستانی): پس اگر مثلاً..

(۲) (زنجانی): بقیه مسأله ذکر نشده.

(مکارم): مسأله جو و گندم در ربا یک جنس حساب می‌شود، بنا بر این نمی‌توان ده کیلو گندم را با دوازده کیلو جو یا بالعکس معامله کرد، حتی اگر ده کیلو جو بخرد که در مقابل آن هنگام خرمن ده کیلو گندم بدهد آن نیز حرام است، زیرا جو را نقد گرفته و بعد از مدتی گندم را می‌دهد. و این مانند آن است که زیادی گرفته باشد.

مسأله: امام خمینی: اگر چیزی را که مثل پارچه با متر و ذرع می‌فروشند، یا چیزی را که مثل گردو و تخم مرغ (۱) با شماره معامله می‌کنند، بفروشد و زیادتر بگیرد (۲) مثلاً ده تا تخم مرغ بدهد و یازده تا بگیرد (۳) اشکال ندارد (۴).

(۱) (زنجانی): مثل کبریت...

(۲) (سیستانی): اشکال ندارد، مگر در صورتی که هر دو از یک جنس بوده و معامله با مدت باشد که صحت آن در این صورت محل اشکال است، مثل این که ده دانه گردو نقداً بدهد که دوازده دانه گردو پس از یک ماه بگیرد. و از این قبیل است فروختن اسکناس؛ پس مانعی ندارد که مثلاً تومان را به جنس دیگر از اسکناس مثل دینار یا دلار نقداً یا با مدت بفروشد، ولی اگر بخواهد به جنس خودش بفروشد و زیادتر بگیرد، نباید معامله با مدت باشد، وگرنه صحت آن محل اشکال است، مثل این که صد تومان نقداً بدهد که صد و ده تومان بعد از شش ماه بگیرد.

(۳) (زنجانی): مثلاً ده بسته کبریت بدهد و یازده بسته بگیرد...

(۴) (خوئی): ولی چنانچه مثلاً ده عدد تخم مرغ را به یازده عدد در ذمه بفروشد لازم است که بین آنها امتیاز باشد مثلاً ده عدد تخم مرغ بزرگ را به یازده عدد متوسط در ذمه بفروشد، زیرا که اگر بین آنها هیچ امتیاز نباشد خرید و فروش محقق نمی‌شود بلکه واقع معامله، قرض است اگر چه به لفظ خرید و فروش باشد و بدین جهت معامله حرام و باطل است و از این قبیل است فروختن

اسکناس نقداً به زیادتر از آن با مدت مثل صد تومان نقداً بدهد که صدوده تومان بعد از شش ماه بگیرد. ولی اگر بین آنها امتیاز باشد مانعی ندارد؛ مثل آن که صد تومان را به جنس دیگر از اسکناس مثل دینار یا پاون یا دلار بفروشد که در این صورت با تفاوت قیمت نیز اشکال ندارد.

(تبریزی): ولی چنانچه مثلاً ده عدد تخم مرغ را به یازده عدد در ذمه بفروشد لازم است که بین آنها امتیاز باشد مثلاً ده عدد تخم مرغ بزرگ را به یازده عدد متوسط در ذمه بفروشد، زیرا که اگر بین آنها هیچ امتیاز نباشد خرید و فروش محقق نمی‌شود بلکه واقع معامله، قرض است اگر چه به لفظ خرید و فروش باشد و بدین جهت معامله حرام و شرط باطل است، و از این قبیل است فروختن اسکناس نقداً به زیادتر از آن به مدت، ولی اگر بین آنها امتیازی باشد مثل اسکناس و ریال با دلار یا پوند، اشکالی ندارد.

(بهجت): ولی در بعضی از موارد کراهت دارد. آیت الله فاضل لنکرانی: اگر چیزی را که مثل پارچه متری می‌فروشند یا چیزی را که مثل گردو و تخم مرغ عددی معامله می‌کنند، بفروشد و زیادتر بگیرد مثلاً ده تا تخم مرغ بدهد و یازده تا بگیرد اشکال ندارد. و چنانچه ده عدد تخم مرغ را به یازده عدد در ذمه بفروشد لازم نیست بین آنها امتیاز باشد زیرا خرید و فروش محقق می‌شود مثلاً می‌تواند ده عدد تخم مرغ بزرگ را به یازده عدد تخم مرغ متوسط به ذمه بفروشد، و از این قبیل است فروش اسکناس، یعنی می‌تواند اسکناس نقد را به زیادتر از آن با مدت بفروشد مثلاً هزار تومان نقد را به هزار و دویست تومان بفروشد که بعد از شش ماه دیگر وصول کند، و همچنین خرید و فروش یا صرف کردن اسکناس به دلار یا سایر ارزهای خارجی توسط بانکها یا صرافیها و اشخاص اشکال ندارد، ولی قرض ربوی حرام است.

آیت الله مکارم: جنسهایی را که با وزن و پیمانہ نمی‌فروشند بلکه با عدد و متر می‌فروشند مانند تخم مرغ و پارچه و بسیاری از ظروف و یا با مشاهده می‌فروشند مانند بسیاری از حیوانات، اگر تعداد کمتر را به تعداد بیشتر بفروشند اشکال ندارد.

رهن منزل

*** پایگاه اطلاع رسانی مراجع:

سؤال: فردی دو میلیون تومان وجه به دیگری پرداخت کرده و او منزل را بدون دریافت اجاره به مدت یک سال در اختیار او قرار داده است، حکم شرعی آن چیست؟ آیا عمل او ربا محسوب می‌شود؟

آیت الله بهجت: بله، این عمل ربا است.

سؤال: شخصی پولی قرض کرده و منزلش را به قارض به مدت یک سال رهن داده بلا عوض از منزل استفاده کند آیا این تصرف شرعا جایز است و با اذن مالک، می‌شود شخص مرتهن تصرف کند و نماز بخواند یا نه و اگر در خارج عقد رهن شرط تصرف شود چه صورت دارد و اگر در خلال مدت سال طرفین به شبهه شرعی آگاه شوند تکلیف آنها نسبت بگذشته چیست و بقیه مدت را چه کنند خلاصه صور جواز و عدم جواز رهن گیرنده را بیان فرمائید.

آیت الله گلپایگانی: اگر در قرض شرط انتفاع مرتهن نشود و بعد رهن به او اجازه بدهد اشکال ندارد و اگر در قرض شرط شود ربا و حرام است و انتفاع مرتهن از آن جایز نیست و ضامن اجرة المثل می‌شود مگر این که بعد راضی شود و با جهل به حکم نمازهائی که در آنجا خوانده محکوم به صحت است.

زیاد شدن قیمت طلا و نقره قرضی

** رساله مراجع:

امام خمینی: اگر کسی مقداری پول طلا یا نقره (۱) قرض کند و قیمت آن کم شود (۲) یا چند برابر گردد، چنانچه همان مقدار را که گرفته پس بدهد کافی است، ولی اگر هر دو به غیر آن راضی شوند اشکال ندارد.

(۱) (فاضل): پول یا چیزهای مثلی دیگر را... (تبریزی): سکه طلا یا نقره...

(۲) (گلپایگانی)، (خوئی)، (تبریزی)، (صافی)، (زنجانی): چنانچه همان مقدار را که گرفته پس بدهد کافی است و اگر قیمت آن زیادتر گردد لازم است همان مقدار را که گرفته بدهد. ولی در هر دو صورت اگر بدهکار و طلبکار به غیر آن راضی شوند اشکال ندارد.

آیت الله مکارم: مسأله هرگاه کسی مقداری پول طلا و نقره رایج یا غیر آن را قرض کند و بعداً ارزش آن کم شود، یا چند برابر گردد، باید همان مقدار را که گرفته پس بدهد، خواه قیمت آن کم شده باشد یا زیاد.

آیت الله سیستانی: مسأله اگر کسی مقداری پول یا گندم یا جو و مانند اینها که مثلی هستند، قرض کند و قیمت آن کم یا زیاد شود، همان مقدار را که گرفته با همان اوصاف و خصوصیات که در مرغوبیت آن مال دخالت دارد باید پس بدهد و کافی است، ولی اگر بدهکار و طلبکار به غیر آن راضی شوند، اشکال ندارد، و اگر آنچه را قرض کرده است قیمی باشد مانند گوسفند باید قیمت روزی که قرض گرفته است پس بدهد.

سود سپرده بانکهها

** پایگاه اطلاع رسانی مراجع:

سؤال: ربای قرضی چیست؟ آیا درصدی که سپرده‌گذاران به عنوان سود از بانکها دریافت می‌کنند، ربا محسوب می‌شود؟

آیت الله خامنه‌ای: ربای قرضی آن مقدار اضافه بر مبلغ قرض است که قرض گیرنده بخاطر قرضی که می‌گیرد به قرض دهنده می‌دهد و اما سود حاصل از کار کرد پولی که به عنوان سپرده به بانک داده شده تا به وکالت از طرف صاحب آن در یکی از عقود صحیح شرعی بکار گرفته شود، ربا نیست و اشکال ندارد.

سؤال: شخصی حساب پس اندازی در یکی از بانکها افتتاح کرد و بعد از گذشت مدتی از افتتاح حساب، مقداری سود به او تعلق گرفت، گرفتن از این سود چه حکمی دارد؟

آیت الله خامنه‌ای: در صورتی که اموال خود را به عنوان قرض و به شرط سود یا مبتنی بر آن و یا به قصد دستیابی به آن در حساب پس انداز گذاشته باشد، گرفتن آن جایز نیست، زیرا این سود همان رباست که از نظر شرعی حرام است و در غیر اینصورت گرفتن آن اشکال ندارد.

سؤال: بانکها به سپرده‌های مردم بین سه تا بیست درصد سود می‌دهند، آیا با توجه به سطح تورم، صحیح است این مبلغ اضافی را به عنوان عوض کاهش قدرت خرید سپرده‌های مردم در روز دریافت آن نسبت به روز سپرده گذاری محاسبه کرده تا بدینوسیله از عنوان ربا خارج شود؟

آیت الله خامنه‌ای: اگر آن مبلغ اضافی و سودی که بانک می‌دهد از درآمد حاصل از بکارگیری سپرده باشد بکارگیری سپرده به وکالت از سپرده گذار در ضمن یکی از عقود شرعی است صحیح باشد، ربا نیست بلکه سود معامله شرعی است و اشکالی ندارد.

سؤال: اینجانب قصد تأسیس یک قرض الحسنه دارم. آیا می‌توانم مخزن آن را یک حساب سپرده در بانک قرار دهم و از محل سودی که بانک به آن

تعلق می دهد، برای مخارج آن استفاده کنم؟
(درصد سودی که تعلق می گیرد مهم نیست).

آیت الله سیستانی: اشکال ندارد ولی اگر بانک دولتی یا مشترک بین دولت و مردم باشد و در یک کشور اسلامی باشد برای تصرف در سود اجازه حاکم شرع لازم است.

سؤال: در مورد پس انداز در بانک به خاطر جبران ارزش پول در مقابل اخذ سود نظر آیه الله سیستانی چیست؟ و آیا اگر صرف اخذ سود، پولی را در بانک گذاشتیم اخذ سود آن جایز است یا خیر؟

آیت الله سیستانی: چنانچه طبق معامله شرعیه مثل مضاربه با رعایت شرائط آن باشد گرفتن سود جایز است و در غیر این صورت شرط سود نکنید و هر چه به شما دادند نصف آن را به فقیر متدین صدقه داده و نصف دیگر را تملک کنید.

سؤال: مدتی است یک حساب کوتاه مدت نزد بانکی باز نموده ام. بعضی از دوستان نسبت به سود به دست آمده ابراز تردید نموده اند می خواستم نظر شما را جویا شوم؟

آیت الله سیستانی: اگر بر اساس عقد شرعی باشد تمام سود حلال است و از آن شماست و اگر بر اساس عقد شرعی نبوده و در صورتی که شرط سود نکرده باشید میتوانید سود را به عنوان مجهول المالک قبض کرده و در نصف آن برای خود تصرف کنید به شرط این که نصف دیگر را به فقیر متدین صدقه بدهید.

سؤال: آیا سودی که بانکها یا صندوقهای قرض الحسنه می دهند (با توجه به شرایطی که اول معین می نمایند) از لحاظ شرعی مورد دارد یا خیر؟

آیت الله سیستانی: اگر شرط سود نکرده باشند مانعی ندارد.

سؤال: خواهشمند است در رابطه با سود سپرده بانکها (کوتاه مدت - بلند مدت) اعلام نظر بفرمائید؟

آیت الله سیستانی: اگر بر اساس عقود شرعی باشد حلال است.

سؤال: پس انداز در بانک مسکن به دلیل سود دهی اشکال ندارد؟

آیت الله سیستانی: اگر بر اساس معامله شرعی صحیح باشد اشکال ندارد.

سؤال: آیا بهره حساب سپرده بانکی جایز است؟
آیت الله سیستانی: چنانچه معامله شرعی با بانک انجام داده باشید و احتمال می‌دهید که بانک به قرارداد عمل می‌کند می‌توانید تمام سود آن را بگیرید و تصرف کنید در غیر اینصورت می‌توانید سود را بگیرید و در نصف آن تصرف کنید بشرطی که نصف آن را به فقیر متدین صدقه بدهید.

سؤال: بانکها در جمهوری اسلامی تحت عناوین شرعیّه مضاربه، مساقات، مزارعه، شرکت، جعاله با مشتریان و بالعکس قرارداد منعقد می‌کنند و هر ماه علی الحساب ۱۴ درصد یا کمتر یا بیشتر سود در اختیار مشتریان قرار داده و در پایان مدت تسویه حساب می‌کنند، نظر به این که مردم عادی و مشتریان، عموماً شرایط و قیود مندرج در برگه قرارداد را مطالعه نمی‌کنند و نوعاً به امضا کردن اکتفا می‌کنند و بدین وسیله رضایت خود را در پذیرش کلیه شروط و قیود اعلام می‌دارند، آیا صرف امضا کردن یا قبول کلیه شرایط به طور شفاهی با آن که از خصوصیات و عناوین شرعیّه آگاهی ندارند، سبب تحقق عقود مذکوره و مشروعیت آنها می‌شود؟ یا لازم به تفهیم و تفهیم از طرف بانکها یا متعاقبین می‌باشد؟ و در صورت عدم مشروعیت، آیا راه حل دیگری به نظر مبارک می‌رسد؟

آیت الله مکارم: هرگاه وکالت مطلقه به بانکها بدهد که پول او را طبق عقود شرعیّه به کار گیرد و سود حاصل را به او بدهد اشکال ندارد و آگاهی به جزییات بعد از وکالت مطلقه لازم نیست.

سؤال: بهره ۱۳ درصدی که بانکها در ازای وام می گیرند، یا بهره ۱۰ درصدی که در برابر سپرده های دراز مدت می دهند و از اول چنین شرطی می کنند، آیا ربا محسوب می شود؟

آیت الله مکارم: اگر آیین نامه های بانک که در زمینه عقود شرعیّه و راههای نجات از رباست عملی شود اشکالی ندارد.

سؤال: در زمان فعلی - که بحمدالله دوران حاکمیت جمهوری اسلامی می باشد و به برکت خون شهدا و فعالیت های مردم و بینش و رهبری حضرت امام (رحمه الله) طاغوت از بین رفته است، پول گذاشتن در بانکها چه صورت دارد؟ آیا می توان سودی که بانکها برای حسابهای پس انداز پرداخت می کنند را گرفت؟ و همچنین قرض گرفتن از بانکها و دادن بهره چه صورت دارد؟

آیت الله مکارم: سود پس انداز که بانک داوطلبانه می دهد مشکلی ندارد مگر آن که به صورت قرارداد درآید و اما سود سپرده های ثابت یا وامهایی را که از بانک می گیرند، در صورتی که به آیین نامه بانکی در رابطه با عقود شرعیّه عمل شود نیز مانعی ندارد و در صورت شک می توان حمل بر صحت کرد، ولی اگر یقین داشته باشید که به آیین نامه های عقود شرعیّه عمل نمی کنند جایز نیست.

سؤال: مقداری پول دارم که در بانک گذاشته ام و از سود سرمایه گذاری بانکهای ایران (با شرایطی که مرسوم هست) استفاده می کنم. با توجه به اینکه سود قطعی را بانکها در پایان سال محاسبه و اعلام می کنند آیا این کار اشکال دارد؟

آیت الله مکارم: چنانچه رعایت عقود شرعیّه را بنمایند یا اینکه وکالت مطلقه به مسئولین بانک داده شود که رعایت این عقود را بنمایند حلال است.

سؤال: بنده حق استفاده از ۵ میلیون وام بانک مسکن دارم. منتهی بنا دلایلی نمی توانم از این

حق استفاده کنیم. آیا فروش حق استفاده از این وام جایز است؟ اگر جایز نیست با توجه به اینکه پول من یک سال در اختیار بانک بوده است سودی که آنها می دهند می توانم بگیرم؟

آیت الله مکارم: ۱- در صورتی که مقررات بانک اجازه دهد اشکالی ندارد.

۲- در صورتی که شما به قصد سود، در آن بانک حسابی باز نکرده باشید و آنها به میل و رضای خود سودی به شما می دهند اشکالی ندارد.

سؤال: شخصی علم و اطلاع دارد که بانک به سپرده ها مبلغی بهره می دهد، به این منظور پولی به بانک می سپارد، ولی هیچ گونه قرارداد لفظی یا کتبی نمی بندد. آیا بهره مذکور حرام است؟

آیت الله مکارم: با توجه به این که سپرده ها به عنوان مضاربه گذارده می شود، سود مضاربه اشکالی ندارد.

سؤال: حکم سودهای علی الحساب که در مشارکتهای بانکی به سپرده گذار پرداخت می شود، چیست؟

آیت الله فاضل: هرگاه سپرده های ثابت به نحو مضاربه و یا وکالت در تجارت و تولید باشد مشروع است و اخذ سود طبق شرط و قرار به نحو کسر مشاع جایز است و پرداخت مبلغ معین به عنوان علی الحساب مانعی ندارد.

سؤال: در اغلب بانکهای دنیا طبق قوانین بانکی، مبلغی به عنوان بهره به صاحب پول می دهند، گرفتن این بهره چه صورت دارد؟

آیت الله فاضل: گرفتن بهره پول از بانکهای کشورهایی که مردم آن رسماً کافر هستند و حکومت آنها غیراسلامی است، اشکالی ندارد و حلال است، اما اگر کشوری باشد که اهالی آن مسلمان هستند ولی حکومت آن ملتزم به احکام اسلامی نباشد، هر چند که ادعای اسلام و مسلمانی می کنند، گرفتن بهره پولی که به عنوان قرض به بانکهای آن کشور، سپرده شده، ربا و حرام است

بلی چنانچه پول را به قصد محفوظ ماندن در بانک بگذارند و شرط گرفتن بهره... (کلام نا تمام است!)
سؤال: برای سپرده ثابت بانکها سود روز شمار می‌دهند، آیا این ربا نیست؟

آیت الله صافی گلپایگانی: اگر سپرده گذار، بانک را وکیل کند که با پول او معامله مشروع انجام دهد و درصدی از سود آن را به سپرده گذار بدهد و بقیه را به عنوان حق وکالت بردارد - همان گونه که در قانون بانکداری بدون ربا آمده است - اشکال ندارد؛ اما اگر به شرط گرفتن زیاده، قرض به بانک بدهد، ربا و حرام است.

سؤال: گذاشتن پول در مؤسسات پولی و اعتباری که سود می‌دهند، چگونه است؟

آیت الله صافی گلپایگانی: اگر پول را بر مبنای یکی از عقود شرعی مثل مضاربه و مشارکت و... در اختیار مؤسسه می‌گذارند، با رعایت شرایط شرعی معامله، گرفتن سود اشکال ندارد. همچنین است اگر مؤسسه را وکیل کنند که با سپرده ایشان معاملات مشروع انجام دهد و قسمتی از سود را به عنوان حق الوکاله بردارد و بقیه را به سپرده گذار بدهد، اما اگر به شرط گرفتن سود به مؤسسه، قرض می‌دهد، ربا و حرام است.

سؤال: نظر شما راجع به سپرده های کوتاه مدت یا بلند مدت در بانک ها که سود آن را ماهیانه محاسبه می نمایند، چیست؟
آیت الله روحانی: حلال است.

صرف برات

** توضیح المسائل مراجع:

امام خمینی: اگر انسان مقداری پول به تاجر بدهد که در شهر دیگر از طرف او کمتر بگیرد، اشکال ندارد و این را «صرف برات» می‌گویند.

آیت الله سیستانی و زنجانی: اگر انسان مقداری پول به کسی بدهد که در شهر دیگر از طرف او

کمتر بگیرد، اشکال ندارد و این را «صرف برات» می‌گویند.

آیت الله فاضل: اگر انسان مقداری پول به تاجر بدهد که در شهر دیگر از طرف او کمتر بگیرد، اشکال ندارد و این را «صرف برات» می‌گویند و این به مانند آن است که قسمتی از طلب خود را صرف نظر کرده باشد و همچنین است اگر پولی را به کسی بدهد و شرط کند همان مقدار را در شهر دیگری به او پس بدهد.

آیت الله مکارم: اگر انسان مقداری پول به تاجر بدهد که در شهر دیگر از طرف او کمتر بگیرد، اشکال ندارد و این را «صرف برات» می‌گویند و به این می‌ماند که از قسمتی از طلب خود صرف‌نظر کرده است ولی اگر مقداری پول بدهد که بعد از مدتی در شهر دیگر زیادتر بگیرد مثلاً هزار تومان بدهد و در شهر دیگر یک هزار و صد تومان بگیرد ربا و حرام است.

*** رساله مراجع:

امام خمینی: اگر مقداری پول به کسی بدهد (۱) که بعد از چند روز در شهر دیگر زیادتر بگیرد، مثلاً نهصد و نود تومان بدهد که بعد از ده روز در شهر دیگر هزار تومان بگیرد ربا و حرام است، ولی اگر کسی که زیادی را می‌گیرد در مقابل زیادی، جنس بدهد یا عملی انجام دهد (۲) اشکال ندارد (۳).

(۱) (زنجانی): به کسی قرض دهد...

(۲) (نوری): اگر آن جنس و یا عمل از لحاظ ارزش با آن زیادی تقریباً مساوی باشد و نیز این کار راهی و حيله‌ای برای فرار از ربا نباشد...

(۳) (اراکی): و همچنین اگر مبلغ کمتر را به بیشتر از آن بفروشد اشکال ندارد.

آیت الله تبریزی: اگر مقداری پول به کسی بدهد که بعد از چند روز در شهر دیگر زیادتر بگیرد، مثلاً نهصد و نود تومان بدهد که بعد از ده روز در شهر دیگر هزار تومان بگیرد ربا و حرام است، ولی اگر کسی که زیادی را می‌گیرد در مقابل زیادی، جنس

بدهد یا عملی انجام دهد در صورتی که شرط در ضمن قرض نباشد اشکال ندارد و اما در اسکناسهای معمولی که از قسم شمردنیها است ریال ایرانی را به دینار عراقی بفروشد که خریدار، دینار عراقی را در شهر دیگر بدهد و قیمت دینارها در آن شهر زیادتر از ریالی باشد که به او داده عیبی ندارد.

آیت الله خوئی: اگر مقداری پول به کسی بدهد که بعد از چند روز در شهر دیگر زیادتر بگیرد، مثلاً نهصد و نود تومان بدهد که بعد از ده روز در شهر دیگر هزار تومان بگیرد در صورتی که ماده آن پول مثلاً طلا و نقره باشد ربا و حرام است، ولی اگر کسی که زیادی را می‌گیرد در مقابل زیادی، جنس بدهد یا عملی انجام دهد اشکال ندارد، و اما در اسکناسهای معمولی که از قسم شمردنیها است زیاد گرفتن اشکال ندارد مگر این که قرض داده و شرط زیادی نموده باشد.

آیت الله سیستانی: اگر چیزی را به کسی بدهد که در شهر دیگر زیادتر بگیرد، در صورتی که آن چیز طلا یا نقره یا گندم یا جو که کشیدنی یا پیمانهای هستند، باشد، ربا و حرام است؛ ولی اگر کسی که زیادی را می‌گیرد، در مقابل زیادی چیزی بدهد یا عملی انجام دهد اشکال ندارد، و اما در اسکناس اگر قرض بدهد، زیادتر گرفتن جایز نیست، و اگر بفروشد و نقد باشد یا نسبه ولی پول او دو جنس باشد، مثلاً یکی تومان باشد و دیگری دینار، زیادتی اشکال ندارد، ولی اگر نسبه و از یک جنس باشند، زیادتی محل اشکال است.

صندوق های محله

* * پایگاه اطلاع رسانی مراجع:

سؤال: افتتاح حساب در صندوق های قرض الحسنه محلی که هر ماه به قید قرعه به نام یکی از اعضاء در می‌آید، چه حکمی دارد؟

آیت الله خامنه ای: اگر شرط ضمن قرض در میان نباشد، تخصیص وام به اعضاء صندوق یا به عضویت صندوق درآمدن، به امید دریافت وام در آینده، اشکال ندارد.

سؤال: یک شرکت تعاونی وجود دارد که اعضای آن مبلغی را به عنوان سرمایه آن می پردازند و شرکت هم مبادرت به پرداخت وام به اعضا می کند و از آنان هیچ گونه سود یا اجرتی نمی گیرد و هدف آن هم کمک و یاری است، این کاری که اعضا به قصد صله رحم و یاری رساندن انجام می دهند، چه حکمی دارد؟

آیت الله خامنه ای: در جواز و رجحان تعاون و مشارکت برای تأمین وام مؤمنین تردیدی وجود ندارد، هر چند به صورتی باشد که در سؤال توضیح داده شده است، ولی اگر پرداخت پول به شرکت به عنوان قرضی باشد که مشروط به پرداخت وام در آینده به پرداخت کننده است، این کار شرعاً جایز نیست هر چند اصل قرض از نظر حکم وضعی صحیح است.

سؤال: چند نفر از فامیل یا همکار و غیره صندوقی و هیأتی تشکیل می دهند و توافق می کنند که هر یک مبلغی بدهند، و هرکس آن مبلغ را بدهد عضو هیأت می شود و از اول نظر آنها این است که از همین پول جمع شده به افرادی که عضو هستند، به قید قرعه یا بدون قرعه قرض الحسنه بدهند و در حقیقت مبلغی را که می دهند به عنوان حق عضو شدن است و پرداخت قرض مشروط به عضو بودن است آیا این عمل و قرض جایز است؟

آیت الله فاضل: در فرض سؤال که اول، پول را به قصد حق عضویت و عضو هیأت شدن می پردازند و قرض از صندوق و بدون زیاده پرداخت می شود ولی مشروط به این است که قرض گیرنده عضو صندوق باشد اشکال ندارد و احتیاط آن است که اعضاء به هیأت مدیره وکالت تامه در امور قرض دادن بدهند.

سؤال: در صندوق خانوادگی ماهیانه شرط است که مبلغ ثابتی داده شود و در همان جلسه کل مبلغ جمع شده از خانواده ها به صورت قرعه کشی به یکی از اعضای که عضو بوده و پول گذاشته وام می دهند. آیا دریافت وام به این صورت صحیح است؟

آیت الله سیستانی: اشکالی ندارد.

سؤال: عده ای از مردم جمع می شوند و ماهانه مقدار مشخصی پول می گذارند و به قید قرعه جمع این پول را هر ماه به یک نفر از جمع خودشان می دهند و به همین ترتیب مبلغ مشخص پول را برمی گردانند چه حکمی دارد؟

آیت الله سیستانی: اشکال ندارد و اولین کسی که پول را می گیرد از دیگران قرض می گیرد و تدریجاً ادا می کند و آخرین کس فقط آنچه را قرض داده یک جا باز پس می گیرد و کسانی که در وسط اند به نسبت پولی که داده اند یا نداده اند حکم اولین کس و آخرین کس را دارند.

سؤال: در بعضی از محله های تهران خانمها با یک اصول معین اقدام به تشکیل صندوق می نمایند که پولهای معینی را به اشتراک گذاشته و در ماه به یک نفر از مشترکین به صورت قرعه کشی میدهند با در نظر گرفتن اینکه این پولها عام المنفعه است حکم آن چیست.

آیت الله مکارم: در صورتی که در قبال وام های پرداختی سودی (جز به مقدار هزینه های صندوق) گرفته نشود اشکالی ندارد.

فرار از ربا

** توضیح المسائل مراجع:

امام خمینی: فقها برای فرار از ربا، راههایی را در کتب فقهی ذکر کرده اند، من در این مسئله تجدید نظر کردم و پس از مطالعه دوباره، به این نتیجه رسیدم که تخلص از ربا (از طریق این حيله‌ها) به

هیچ وجه جایز نیست؛ آری، فرار از بیع مماثل با تفاضل وزن یکی از آن دو، جایز است؛ مثل این که یک من گندم که از نظر قیمت مساوی با دو من جو یا گندم نامرغوب است را اگر بخواهند معامله کنند، برای فرار از بیع مثلین، چیزی را به جنس کم وزن اضافه می‌کنند تا از حرام به حلال فرار کنند. البته این تخلّص از ربا نیست (بلکه تغییر شکل معامله است) و اما تخلّص از ربا - همان‌طور که گفتیم - به هیچ یک از حیل‌های که گفته‌اند جایز نیست. - تحریر الوسیله، کتاب بیع، مسأله ۷

امام خمینی: اگر کسی بخواهد پولی قرض کند و ربا بدهد یا قرض بدهد و ربا بگیرد و به یکی از راه‌هایی که در بعض رساله‌های عملیه ذکر شده بخواهد از ربا فرار کند جائز نیست، و زیاده‌ای که می‌گیرد بر او حلال نمی‌شود، پس ربای قرضی به وجهی از وجوه حلال نیست.

آیت الله سیستانی: می‌توان از ربا رهایی یافت با ضمیمه نمودن جنسی به طرف ناقص به شرط آن که زیاده، به ازای جنس ضمیمه شده، قرار گیرد. مثل این که صد کیلو گندم را به همراه یک چراغ، به دویست کیلو گندم می‌فروشد و قصد می‌کند که صد کیلوی اضافه در مقابل چراغ باشد.

آیت الله روحانی: اگر وام گیرنده جنسی را بیشتر از قیمتش از وام دهنده بخرد و یا کمتر از قیمتش به او بفروشد و با او شرط کند که مقداری پول را به قرض او بدهد، این معامله جائز است و داخل در ربای قرض نخواهد بود.

آیت الله سیستانی: اگر وام گیرنده جنسی را بیشتر از قیمتش از وام دهنده بخرد و یا کمتر از قیمتش به او بفروشد و با او شرط کند که مقداری پول را به قرض او بدهد، احتیاط واجب در ترک این معامله است.

** پایگاه اطلاع رسانی مراجع:

سؤال: اگر شخصی نیاز به مبلغی پول داشته باشد و کسی را پیدا نکند که به او قرض الحسنه بدهد، آیا

جایز است برای دستیابی به آن مبلغ به این طریق عمل نماید که کالایی را به صورت نسیه به بیش از نرخ حقیقی آن بخرد و سپس آن را در همان مجلس به قیمت کمتری به فروشنده بفروشد، مثلاً یک کیلوگرم زعفران را به مبلغ مشخصی به طور نسیه برای مدت یک سال بخرد و در همان مجلس آن را به صورت نقد به شخص فروشنده به مبلغ دو سوم قیمت خرید بفروشد؟

آیت الله خامنه‌ای: چنین معامله‌ای که در واقع نوعی حيله برای فرار از ربای قرضی است، شرعاً حرام و باطل است.

سؤال: اینجانب به منظور بدست آوردن سود و فرار از ربا معامله زیر را انجام داده‌ام: خانه‌ای را به مبلغ پانصد هزار تومان خریدم در حالی که بیش از این مبلغ ارزش داشت، در ضمن عقد شرط کردیم که فروشنده تا پنج ماه حق فسخ معامله را داشته باشد به شرط اینکه در صورت فسخ معامله مبلغ دریافتی (پول خانه) را برگرداند، بعد از اتمام معامله، همان خانه را به فروشنده به مبلغ ماهیانه پانزده هزار تومان اجاره دادم و اکنون بعد از گذشت چهار ماه از معامله از فتوای امام خمینی «قدس سره» مطلع شده‌ام که حيله برای فرار از ربا را جایز نمی‌دانند، این مسئله به نظر حضرت عالی چه حکمی دارد؟

آیت الله خامنه‌ای: اگر این معامله با قصد جدی صورت نگرفته بلکه صوری و ظاهری بوده و به این منظور انجام شده که فروشنده وامی را دریافت کند و خریدار سودی ببرد، چنین معامله‌ای حيله برای فرار از ربای قرضی است که شرعاً حرام و باطل می‌باشد. در این قبیل معاملات خریدار فقط حق دارد اصل مبلغی را که به عنوان قیمت خانه به فروشنده داده است، پس بگیرد.

سؤال: ضمیمه کردن چیزی به مال به قصد فرار از ربا چه حکمی دارد؟

آیت الله خامنه ای: این کار در جواز قرض ربوی اثری ندارد و باضمیمه کردن چیزی به آن حلال نمی‌شود.

آیت الله نوری: اگر کسی بخواهد پولی قرض کند و ربا بدهد یا قرض بدهد و ربا بگیرد و به یکی از راههایی که در بعض رساله‌های عملیه ذکر شده بخواهد از ربا فرار کند جایز نیست و زیاده‌ای که می‌گیرد بر او حلال نمی‌شود؛ پس ربای قرضی به وجهی از وجوه حلال نیست.

سؤال: یک قالی هفتصد تومانی را با هزار تومان پول فروختند به دو هزار تومان که ۶ ماه دیگر بدهند، چگونه است؟

امام خمینی: اگر برای فرار از ربای قرضی باشد، باطل است.

سؤال: لطفا راه های گریز از ربای قرضی را بیان فرمایید؟

آیت الله بهجت: آسان ترین راه آن به این است که در برابر سود مورد نظر معامله ای انجام دهند و در ضمن آن معامله قرض شرط گردد.

سؤال: حيله های شرعی و راه های فرار از ربا با شدت حرمت و عذاب و عقاب هایی که برای ربا ذکر شده است، چگونه توجیه می‌شود؟

آیت الله بهجت: ربا از بزرگ ترین محرمات در دین اسلام است و این مطلب با وجود راه های شرعی جهت حيله و فرار از آن منافات ندارد، همانند زنا با عظمت حرمت آن و ازدواج در بسیاری از انواعش که هیچ تفاوتی با هم دیگر ندارند، مگر خواندن صیغه با شرایطش، هر چند به صورت انقطاعی و موقت باشد.

سؤال: اینجانب مبلغ یک میلیون تومان به کسی قرض داده‌ام و برای فرار از ربا همراه آن یک شیء کم ارزش را به مبلغ دویست هزار تومان به او فروخته‌ام و او هم به خاطر آن یک میلیون آن شیء کم ارزش را خریده آیا این چنین معاملاتی صحیح است؟

آیت الله خامنه ای: چنین معامله‌ای که در واقع نوعی حيله برای فرار از ربای قرضی است، شرعاً حرام و باطل است.

سؤال: نظر حضرتعالی در باره حيله‌های فرار از ربا چیست؟

آیت الله مکارم: حيله‌های فرار از ربا اقسام متعددی دارد که همه یکسان نیست، بعضی از آنها جایز و صحیح است و برخی از آنها غیر جایز و نادرست می‌باشد و آن اقسام عبارت است از:

۱- حيله‌هایی که قصد جدی در آن وجود ندارد؛ مثل ضمیمه کردن یک قوطی کبریت به وام، یا معامله و فروختن آن به صدها برابر قیمت! این نوع حيله‌ها مشروع نیست.

۲- حيله‌هایی که بر فرض قصد جدی در آن باشد، عقلایی نمی‌باشد، و عقلاً آن را عملی سفیهانه می‌دانند، این قسم نیز باطل است.

۳- حيله‌هایی که قصد جدی در آن متصور است و سفهی نیز نمی‌باشد، اما محتوی و فلسفه حرمت ربا در آن کاملاً موجود است.

۴- قسم چهارم مواردی است که حيله صورت عقلایی دارد و صورت سازی نیست؛ مانند دو معامله مستقل که هیچ ارتباطی با هم نداشته باشد، این نوع حيله و هر آنچه مانند آن است جایز می‌باشد و در واقع حيله به معنی منفی آن نیست، بلکه نوعی چاره‌جویی است.^{۳۶}

سؤال: لطفاً راه‌های گریز و حيله‌های فرار از ربای معاملی را بیان فرمایید؟

آیت الله بهجت: با انتخاب یکی از راه‌های زیر می‌توان از ربای معاملی رها شد:

(۱) این که یکی از دو طرف معامله، جنس ربوی خود را در برابر مبلغی به دیگری بفروشند، آن گاه جنس دیگری را، با همان مبلغ برای بیش از آن مقدار جنس خریده شده از او بخرد.

۲) این که هر کدام از دو طرف، جنس خود را هبه‌ی غیر معوضه نماید به دیگری؛ بنابر جریان ربا در مطلق هبه یا به هبه معوضه آن گونه که در کتاب بیع در فقه ذکر شده است.

۳) این که یکی جنس خود را به دیگری قرض دهد و به دنبال آن دیگری نیز جنس خود با اضافه آن را به او قرض دهد و پس از آن هر کدام دیگری را بری‌الذمه نموده و ببخشند.

۴) این که دو جنس مساوی را با هم‌دیگر معامله نمایند، پس از آن مقدار اضافه را به دیگری هبه نماید، البته هبه نباید در معامله اول شرط شده باشد.

۵) ضمیمه کردن چیزی به دو جنس، مثل آن که یک من گندم را به همراه دو خودکار بفروشد به دو من گندم به همراه یک خودکار.

۶) ضمیمه کردن چیزی به طرف ناقص، مثل آن که یک من گندم و خودکار را با دو من گندم معامله کند.

کارمزد

با توجه به برآورد هزینه های این صندوق، اعم از دستمزد پرسنل، چاپ اوراق، اجاره مکان، و مانند آن، مبلغی به عنوان کارمزد به شرح ذیل از متقاضیان وام دریافت می شود:

۱- وام قرض الحسنه به مدت یک ماه ۱٪ مبلغ وام.

۲- تا دو ماه ۲٪ مبلغ وام.

۳- بیش از دو ماه هر سال ۳٪ مبلغ وام.

لازم به ذکر است که اگر پرداخت وامها کم باشد، این مبالغ هزینه ها را پوشش نمی دهد؛ ولی اگر پرداخت زیاد باشد، ممکن است مبالغی هم اضافه بیاید. لطفاً بفرمایید:

۱- آیا دریافت کارمزد به این شکل جایز است؟

۲- هرگاه پس از کسر هزینه ها، مقداری از کارمزدها اضافه بماند، با توجه به این که مجدداً به

پرداخت وام، یا پوشش هزینه ها در آینده اقدام می شود، چه حکمی دارد؟

آیت الله مکارم: منظور از کارمزد، حق الزحمه ای است که به کارمندان بانک، یا صندوق قرض الحسنه، و مانند آن به عنوان حقوق در مقابل زحماتی که جهت حفظ حسابها و سایر خدمات انجام می دهند، داده می شود، و چنانچه مبلغ اضافی به همین نیت گرفته شود و به عنوان حقوق صرف کارمندان و هزینه های دیگر شود، مانعی ندارد، و بقیه نیز صرف کارمندان و هزینه های جاری می شود.

سؤال: می خواستم بدانم اشکال دارد پولی را به صندوق شرکت بدهیم و صندوق بعد از شش ماه سه برابر آن را به ما بدهد و اقساط آن را از حقوقمان کم کند و فقط کارمزد آن را می گیرد. آیت الله مکارم: اگر سودی به شرکت بدهید حرام است.

سؤال: آیا کارمزد وام را می توان از اصل وام قرض الحسنه کسر کرد، و ما بقی را پرداخت نمود؟ آیت الله مکارم: اشکالی ندارد، مشروط بر این که بیش از هزینه های صندوق نباشد.

سؤال: بانکها برای وامهایی که به متقاضی می دهند از همان اول محاسبه سود را به عنوان کارمزد می نمایند، اگر همین کار را یک فرد بازاری به عنوان وام یا فروختن جنس به صورت نسیه، انجام دهد، آیا حکم ربا دارد؟

آیت الله مکارم: منظور از کارمزد حق الزحمه ای است که به کارمندان بانک یا صندوق قرض الحسنه به عنوان حقوق در مقابل زحماتی که جهت حفظ حسابها و سایر خدمات بانکی انجام می دهند داده می شود و کارمزد متعلق به آنهاست و اگر دهنده پول، کارمزد را به عنوان خودش بگیرد ربا و حرام است و در معاملات بازار نیز همین گونه است.

سؤال: احتراماً با توجه به اینکه صندوقهای قرض الحسنه در حقیقت واسطه بین قرض دهنده و قرض گیرنده می باشند، گرفتن کارمزد بصورت در صد مبلغ وام به عنوان حق وساطت (دلالی) چه حکمی دارد؟

آیت الله مکارم: اگر فقط به مقدار هزینه های جاری صندوق کارمزد دریافت کنند مانعی ندارد.

سؤال: چند نفر به کمک و همکاری هم صندوق قرض الحسنه ای را تشکیل داده اند و به افراد عضو وام می دهند، آیا بهره هایی که به عنوان کارمزد دریافت می شود حلال است؟ لازم به ذکر است که این گونه بانکها کارمند ندارند تا حقوق به او بدهند بنابراین سودی که دریافت می شود در صورتی که حلال باشد در چه موردی قابل استفاده است؟

آیت الله مکارم: منظور از کارمزد حق الزحمه ای است که به کارمندان بانک یا صندوق قرض الحسنه و مانند آن به عنوان حقوق در مقابل زحماتی که جهت حفظ حسابها و سایر خدمات انجام می دهند داده می شود و چنانچه مبلغ اضافی به همین نیت گرفته شود و به عنوان حقوق صرف کارمندان و هزینه های دیگر شود مانعی ندارد ولی به صورتی که نوشته اید اشکال دارد.

سؤال: قرض الحسنه ای داریم که امور مربوط به آنرا چند نفر از دوستان بدون دریافت حقوق و صرفاً محض رضای خداوند انجام می دهند به همین دلیل هزینه های جاری آن بسیار اندک است و کارمزد دریافتی از وامها افزون بر هزینه ها می باشد و مبالغ کارمزدها به سرمایه صندوق اضافه می گردد و در جهت ارائه خدمات بیشتر به وام گیرندگان استفاده می گردد.

الف) لطفاً بفرمایید اخذ اینگونه کارمزد چه حکمی دارد؟

ب) آیا می توان حقوقی برای کارمندان در نظر گرفت و با رضایت آنان این حقوق به صندوق بخشیده شود؟

آیت الله مکارم: هرگاه کارمزد در حد حقوق کارمندان و هزینه های جاری باشد جائز است خواه کارمندان به صندوق ببخشند یا آن را بگیرند.

سؤال: چند نفر به کمک و همکاری هم صندوق قرض الحسنه ای را تشکیل داده اند و به افراد عضو وام می دهند، آیا بهره هایی که به عنوان کارمزد دریافت می شود حلال است؟ لازم به ذکر است که این گونه بانکها کارمند ندارند تا حقوق به او بدهند بنابراین سودی که دریافت می شود در صورتی که حلال باشد در چه موردی قابل استفاده است؟

آیت الله مکارم: منظور از کارمزد حق الزحمه ای است که به کارمندان بانک یا صندوق قرض الحسنه و مانند آن به عنوان حقوق در مقابل زحماتی که جهت حفظ حسابها و سایر خدمات انجام می دهند داده می شود و چنانچه مبلغ اضافی به همین نیت گرفته شود و به عنوان حقوق صرف کارمندان و هزینه های دیگر شود مانعی ندارد ولی به صورتی که نوشته اید اشکال دارد.

سؤال: صندوقهای قرض الحسنه ای که یک درصد کارمزد می گیرند، کفاف هزینه های کارمندانشان را نمی دهد. آیا می توان درصد کارمزد را بالا برد؟

آیت الله مکارم: در صورتی که کارمزد قبلی کارکنان را اداره نمی کند، می توانند به مقدار لازم بر آن بیافزایند.

سؤال: گاه وام گیرنده نمی تواند در موعد مقرر تمام اقساط را پرداخت نماید، بدین جهت تقاضای تمدید مدت سر رسید را دارد. با عنایت به این که پرداخت به موقع اقساط توسط وام گیرندگان موجب می شود، تا ضمن پرداخت وام به افراد دیگر، کارمزد دیگری نیز جهت پوشش هزینه ها اخذ گردد، آیا می توان به خاطر تمدید مدت وام، کارمزد مجددی دریافت نمود؟

آیت الله مکارم: در صورتی که مبلغ دریافتی صرف مصارف کارمزد شود، مانعی ندارد.

سؤال: بهره ۱۳ درصدی که بانکها در ازای وام می گیرند، یا بهره ۱۰ درصدی که در برابر سپرده های دراز مدت می دهند و از اول چنین شرطی می کنند، آیا ربا محسوب می شود؟

آیت الله مکارم: اگر آیین نامه های بانک که در زمینه عقود شرعیّه و راههای نجات از رباست عملی شود اشکالی ندارد.

سؤال: در زمان فعلی - که بحمدالله دوران حاکمیت جمهوری اسلامی می باشد و به برکت خون شهدا و فعالیت های مردم و بینش و رهبری حضرت امام (رحمه الله) طاغوت از بین رفته است، پول گذاشتن در بانکها چه صورت دارد؟ آیا می توان سودی که بانکها برای حسابهای پس انداز پرداخت می کنند را گرفت؟ و همچنین قرض گرفتن از بانکها و دادن بهره چه صورت دارد؟

آیت الله مکارم: سود پس انداز که بانک داوطلبانه می دهد مشکلی ندارد مگر آن که به صورت قرارداد درآید و اما سود سپرده های ثابت یا وامهایی را که از بانک می گیرند، در صورتی که به آیین نامه بانکی در رابطه با عقود شرعیّه عمل شود نیز مانعی ندارد و در صورت شک می توان حمل بر صحت کرد، ولی اگر یقین داشته باشید که به آیین نامه های عقود شرعیّه عمل نمی کنند جایز نیست.

سؤال: پرداخت دستمزد به بانک هنگام گرفتن وام از آن چه حکمی دارد؟

آیت الله خامنه ای: اگر وجه مذکور به عنوان اجرت عمل قرض دادن از قبیل ثبت در دفتر و ثبت سند و سایر مخارج صندوق مانند آب و برق و غیره باشد و به سود وام بازگشت نکند، دادن و گرفتن آن و همچنین دریافت وام اشکال ندارد.

سؤال: بعضی از صندوق های قرض الحسنه مبالغی را به عنوان کارمزد برای انجام هزینه های کارمندان خود و ساختمان محل صندوق از وام

گیرندگان دریافت می کند به نظر حضرتعالی دریافت این مبالغ چه صورتی دارد؟

آیت الله سیستانی: به عنوان شرط جایز نیست.

سؤال: به چه کیفیت می توان از قرض گیرنده پولی را دریافت نمود تا مخارج قرض الحسنه تأمین بشود؟

آیت الله سیستانی: قرض دهندگان نمی توانند به عنوان کارمزد پولی بر قرض گیرنده شرط نمایند ولی اگر قرض گیرنده مبلغی را به عنوان جعل برای کارمندی که مقدمات معامله را انجام می دهد تعیین نماید بی اشکال است.

سؤال: اگر صندوق قرض الحسنه ای که زیر مجموعه یک کانون قرآنی و فرهنگی است متناسب با مبلغ وام اعطایی و فرمول خاصی کارمزدی را به منظور اعطا به کارکنان صندوق بگیرد و سپس این کارکنان حق خود را جهت انجام امور فرهنگی و قرآنی به این کانون ببخشند، فعالیت صندوق و اعطای وام و نیز کارمزد دریافت شده چه حکمی دارد؟

آیت الله علوی گرگانی: اگر اعطای وام به صورت شرعی باشد و دریافت کارمزد نیز صرفاً برای تأمین هزینه های جاری صندوق باشد و از مقدار متعارف بیشتر نباشد این عمل صحیح است و پرداخت این پول توسط کارکنان برای امور قرآنی ثواب زیادی دارد.

سؤال: کارمزدی که صندوق های قرض الحسنه از وام گیرندگان دریافت می کنند، چه صورت دارد؟
آیت الله صافی گلپایگانی: به شکلی که فعلاً معمول است، جایز نیست.

سؤال: کسانی که صندوق قرض الحسنه افتتاح می کنند وقتی وام می دهند یک درصد به عنوان کارمزد کم می کنند آیا از این مبلغ می توان دست مزد به گردانندگان صندوق قرض الحسنه داد؟

آیت الله سیستانی: گرفتن کارمزد جایز نیست و کارمندی که کارش در رابطه با قرض ربوی نیست می تواند از حقوق صندوق استفاده کند.

سؤال: کسانی که صندوق قرض الحسنه افتتاح می نمایند وقتی وام می دهند یک درصد به عنوان کارمزد کم می کنند آیا از این مبلغ می توان دست مزد به گردانندگان صندوق قرض الحسنه داد؟

آیت الله سیستانی: اگر بداند که وام گیرنده که صاحبان آن اموال هستند راضی به تصرف آنها هستند هر چند شرعاً مالک نباشند اشکال ندارد.

سؤال: کارمزدی که صندوقهای قرض الحسنه می گیرند حکمش چیست؟

آیت الله سیستانی: اگر با شرط می گیرند جائز نیست.

سؤال: گرفتن کارمزد توسط صندوقهای قرض الحسنه چه حکمی دارد؟

آیت الله خامنه ای: کارمزد به عنوان مخارج صندوق، گرفته می شود لذا مسئولین محترم صندوق باید طوری محاسبه کنند که کارمزد به مقدار هزینه های جاری صندوق مانند آب و برق و حقوق کارمندان و امثال آن باشد حال اگر این محاسبه صورت گرفت و احیاناً مبلغی اضافه آمد، مصرف آن بستگی به نظر مسئولین صندوق دارد.

سؤال: وامی که بانک ها به سند ازدواج می دهند و موقع دریافت اقساط، زیادی می گیرند چه صورت دارد؟

آیت الله روحانی: چنان چه زیادی شرط در وام باشد، ربا و حرام است؛ اما اگر به عنوان دیگر مانند کارمزد یا هبه باشد، اشکال ندارد.

سؤال: آیا کاهش و افزایش فاحش در دین ضمان آور است؟ و آیا مثلاً برای ادای صد هزار تومان قرض، مهریه، مضاربه، خمس و سایر دیون پس از بیست سال، آیا پرداخت همان مبلغ ادای دین محسوب می شود؟ یا باید به قیمت روز پرداخته

شود و نرخ تورم ملاحظه گردد؟ و آیا در این مطلب بین تغییر فاحش با غیر فاحش فرقی هست؟
آیت الله بهجت: احتیاطاً باید در قبال افزایش فاحش نرخ تورم با هم مصالحه کنند.

سؤال: آیا محاسبه ی نرخ تورم در دیون و مطالبات ربا محسوب می شود؟

آیت الله بهجت: اگر تفاوت فاحش است، بنابر احتیاط مصالحه کنند.

سؤال: تفاوت فوق العاده قیمت ها راجع به بدهی های سابق نقدی چه صورت دارد؟

آیت الله روحانی: در صورت ترقی قیمت اجناس، همان نقد سابق میزان است، ولی اگر پول تنزل کرده، احتیاط به مصالحه بهترین راه است و ترقی و تنزل پول در مقایسه با طلا ظاهر می شود.

مصرف وام در غیر مورد مشروط

سؤال: آیا جایز است قرضی را که بانک برای استفاده خاصی به اشخاص می دهد، در امور دیگر مصرف نمود؟

آیت الله خامنه ای: اگر آنچه را که بانک به اشخاص می دهد واقعاً قرض باشد و شرط کند که حتماً باید در مورد خاصی مصرف شود، تخلف از این شرط جایز نیست، و همچنین اگر آنچه را که از بانک دریافت می کند به عنوان سرمایه مضاربه یا شراکت و مانند آن باشد، حق ندارد آن را در غیر کاری که بانک بخاطر آن پول را در اختیار او گذاشته است، مصرف نماید.

سؤال: آیا قرضی را که بانک برای استفاده خاصی به اشخاص می دهد، جایز است شخص در امر دیگری مصرف کند؟

آیت الله صافی گلپایگانی: خیر، جایز نیست.

سؤال: افرادی از بانکهای جمهوری اسلامی وام دریافت کرده، و به علت ناآگاهی از حکم شرعی، آن را در غیر مورد قرارداد مصرف نموده اند. مثلاً

وام کشاورزی دریافت کرده، ولی صرف خرید ماشین سواری نموده اند. لطفاً حکم شرعی آن را بیان فرمایید.

آیت الله مکارم: چنین وامهایی باطل است. باید آن را منطبق با عقود شرعیّه دیگری کنند، تا مشکل ربا پیش نیاید.

وام بانکی

سؤال: در شرکتی که من کار می کنم برای کارکنان وامی در نظر گرفتن به مبلغ ۲ میلیون تومان برای خرید اجناس خانه و ماشین و به صورت اقساط مبلغ ۲۰۰ میلیون باز پرداخت دارد. آیا گرفتن این وام از لحاظ شرعی اشکال دارد.

آیت الله مکارم: چنانچه به صورت عقود شرعیّه درآید مانعی ندارد. مثلاً شما به وکالت از شرکت جنس را نقداً بخرید و بعد آن جنس را از شرکت به صورت اقساط و قیمت بالاتر برای خودتان بخرید.

سؤال: گرفتن وام از بانک های داخلی با شرایطی که خودشان وضع میکنند و گیرنده هیچ تغییری نمی تواند بدهد چه حکمی دارد؟

آیت الله مکارم: با رعایت شرایط عقود شرعیّه، مانعی ندارد. و اگر آنها ادعا می کنند که ما رعایت می کنیم می توانید بپذیرید.

سؤال: اینجانب برای خرید خودرو از صندوق قرض الحسنه مبلغی را به عنوان وام درخواست نموده ام، صندوق پرداخت مبلغ مذکور را مشروط به باز نمودن حساب با موجودی مبلغ یک میلیون تومان اعلام داشته، ضمن اینکه این مبلغ تا پایان پرداخت اقساط وام (۴۸ ماه) قابل برداشت نبوده و هیچ سودی هم در قبال این مبلغ به دریافت کننده وام پرداخت نخواهد شد. خواهشمند است بفرمایید وجه شرعی این امر چگونه است؟

آیت الله خامنه ای: اگر پرداخت وام در قرارداد وام مشروط به سپردن مبلغی به صندوق باشد، چنین

قراردادی ربوی و حرام است، ولی اصل قرض صحیح و پول قرضی حلال است، و چنانچه از باب تخصیص اعطای وام به کسانی باشد که در صندوق سپرده دارند، اشکال ندارد.

سؤال: در انگلستان، به دانشجویان وام پرداخت می‌شود. یکی از شرایط این وام این است که دانشجو موظف به بازپرداخت وام نیست تا وقتی که بعد از فارغ التحصیلی پول دریافتی و حقوق سالانه او بالاتر از حد معین شود. هر چند قرض وام هم هر ماه افزایش پیدا می‌کند و بر اساس نرخ تورم اقتصاد انگلستان این رشد صورت می‌گیرد. حال آیا قرض گرفتن این پول برای تحصیل که بر اساس سود مذکور است جایز می‌باشد؟

آیت الله خامنه‌ای: قرض مذکور که شرط سود در آن شده از نظر تکلیفی حرام است ولیکن وام گیرنده مالک آن می‌شود و تصرف در آن جایز است.

سؤال: صندوق قرض الحسنه‌ای، با شرایط زیر و با هدف پرداخت وام ۷۰۰ هزار تومانی به افراد، تأسیس شده است.

۱- متقاضی بایستی برای ثبت نام اولیّه مبلغ سه هزار تومان به عنوان کار مزد به صندوق بپردازد.

۲- هر متقاضی باید سه نفر دیگر را که نیازمند وام هستند معرفی کند، و آنها نیز هر کدام مبلغ سه هزار تومان به عنوان کارمزد به صندوق بپردازند.

۳- این روند بایستی همچنان ادامه پیدا کند تا متقاضی اول به ردیف هفتم ارتقایابد. در آن صورت وی می‌تواند برای دریافت وام اقدام نماید.

۴- یاد آوری می‌شود صندوق قرض الحسنه به جز کارمزد یاد شده هیچ گونه بهره و سودی از دریافت کنندگان وام اخذ نمی‌کند.

عملیات اقتصادی مذکور از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

آیت الله مکارم: این کار در واقع شبیه به نوعی قمار و لا تار پیچیده است، و ریشه آن متأسفانه از غرب

می باشد، و نتیجه آن این است که در مرحله اول بیش از شش میلیون تومان کارمزد دریافت می شود، و هفتصد هزار تومان وام داده می شود، که آن هم به کیسه مؤسسه برمی گردد! کارمزد عبارتست از حق الزحمه عادلانه کسانی که در آن مؤسسه کاری انجام می دهند، که به مقدار کارشان باید به آنها مزدی داد. و نام کارمزد بر شش میلیون تومان گذاشتن در یک مرحله نوعی فریب است. و حتماً شما عزیزان مایل نیستید آلوده این مسأله غیر مشروع شوید.

سؤال: صندوق قرض الحسنه رودبال برای وام ازدواج بایستی ابتدا ۸۰ هزار تومان به حسابشان ریخته شود بعد از مدت یک ماه ۸۰۰ هزار تومان وام میدهد که اگر ۸۰ هزار تومان را ببخشیم ماهی ۱۶ هزار تومان باید بدهیم و اگر ۸۰ هزار تومان را نبخشیم ماهی ۳۲ هزار تومان تا ۸۰۰ هزار تومان تمام شود آیا این نوع قرض حلال است؟

آیت الله مکارم: هرگاه در مجموع، سودی اضافه بر آن پول دریافت دارند حرام است. مگر به مقدار کارمزد یعنی هزینه صندوق.

سؤال: الان در شهر اصفهان قرض الحسنه های زیادی تاسیس شده اند که وامهای سنگین با اقساط طولانی خیلی بهتر از بانکها به مردم می دهند (البته با کارمزدهائی خیلی کمتر از بانکها) اما تمام این وامها با این شرط است که متقاضی می بایست مدتی معین وجهی را در حساب خود در آن قرض الحسنه نگهدارد و هر چه این سپرده گذاری طولانی تر شود مقدار وام هم به تناسب بیشتر می گردد. نظر حضرتعالی در مورد حکم این گونه وامها چیست؟ در صورت اشکال با چه شرط یا شروطی می توان چنین وامهائی را داد و یا گرفت؟

آیت الله مکارم: هرگاه این شرط برای اعطای تسهیلات بیشتر به سایر متقاضیان وام باشد (نه استفاده صاحبان صندوق) اشکالی ندارد.

سؤال: کیفیت و شرایط یکی از وام‌های رایج در بعضی از صندوقهای قرض الحسنه به شرح زیر است. لطفاً حکم شرعی آن را بیان فرمایید:

«افراد با هر مبلغی که مایل باشند، با هر مدت زمان، به صورت حساب پس انداز بدون سود، حسابی افتتاح می نمایند. در پایان مدت، پس از استرداد مبلغ پس انداز، (و گاه با حبس مبلغ مذکور تا پایان اقساط)، همان میزان وام، با همان مدت زمان، با کارمزد معمولی به آنان تعلق می گیرد.»

آیت الله مکارم: در صورتی که این سپرده ها برای اعطای تسهیلات بیشتر به سایر متقاضیان باشد اشکالی ندارد.

سؤال: مؤسسات قرض الحسنه هنگام پرداخت وام شرط می کنند که اگر گیرنده وام پرداخت دو یا چند قسط را از موعد مقرر به تأخیر بیندازد، صندوق حق خواهد داشت که همه وام را یکجا بگیرد، آیا وام دادن به این شرط جایز است؟ آیت الله خامنه ای: اشکال ندارد.

سؤال: یکی از صندوقهای قرض الحسنه که وام‌های بدون بهره در اختیار افراد قرار می دهد با توجه به کثرت متقاضی وام در نظر دارد (در صورت عدم مانع شرعی) اعلام نماید کسانی که مقداری به واحد امور خیریه صندوق (که به افراد بی بضاعت و مستمند کمک بلاعوض می نماید) کمک نمایند بدون نوبت و با تسهیلات بهتر وام قرض الحسنه دریافت می نماید، حکم شرعی این مسأله چیست؟ آیت الله مکارم: اشکالی ندارد.

سؤال: اخیراً قرض الحسنه ها شرطی برای دادن وام قرار داده اند که برای دادن وام مدت معینی باید در آن قرض الحسنه سپرده گذاری شود اینکار چه حکمی دارد؟

آیت الله مکارم: هرگاه شرط مذکور برای اعطای تسهیلات به سایر متقاضیان وام باشد (نه استفاده صاحبان صندوق) مانعی ندارد.

سؤال: یک صندوق که وامهایی را در اختیار اعضای خود قرار می دهد، ولی برای دادن وام شرط می کند که متقاضی وام، مبلغی پول را به مدت سه یا شش ماه در صندوق بگذارد و بعد از گذشت این مدت به مقدار دو برابر پولی که به صندوق سپرده است به او وام می دهد و بعد از آنکه همه وام را پرداخت کرد، پولی که قبلاً در صندوق گذاشته بود به او مسترد می شود، این کار چه حکمی دارد؟

آیت الله خامنه ای: اگر دادن پول به صندوق به این عنوان باشد که آن پول برای مدتی نزد صندوق به صورت قرض بماند، به این شرط که صندوق هم بعد از آن مدت، وامی در اختیار او قرار دهد و یا وام دادن صندوق مشروط به این شرط باشد که او قبلاً مبلغی را در صندوق گذاشته باشد، این شرط در حکم ربا بوده و شرعاً حرام و باطل است، ولی اصل قرض نسبت به هر دو طرف صحیح می باشد.

سؤال: صندوقهای قرض الحسنه برای دادن وام اموری را شرط می کنند که از جمله آنها عضویت در صندوق و داشتن مبلغی به عنوان پس انداز در آن است و همچنین متقاضی وام باید ساکن محله ای باشد که صندوق در آن قرار دارد و برخی شرایط دیگر، آیا این شرطها حکم ربا را دارند؟

آیت الله خامنه ای: اشتراط عضویت یا سکونت در آن محله و شرطهای دیگری که باعث محدودیت پرداخت وام به اشخاص می شوند اشکال ندارد و شرط باز کردن حساب پس انداز در صندوق هم اگر به این امر برگردد که اعطای وام اختصاص به آن اشخاص پیدا کند، بدون اشکال است، ولی اگر به این برگردد که وام گرفتن از صندوق در آینده مشروط است به اینکه متقاضی وام قبلاً مبلغی پول در بانک گذاشته باشد، این شرط منفعت حکمی در قرض است که باطل می باشد.

سؤال: در بعضی از قرض الحسنه ها پول مردم را به صورت ودیعه گرفته و بعد از مدتی به مردم وامهای

پرداخت می نمایند آیا این روال وام گیری اشکال دارد یا خیر؟

آیت الله سیستانی: چنانچه در قرض اول، وام صندوق شرط شود جایز نیست و بهر حال دریافت وام از صندوق بعد از ودیعه سپاری مانعی ندارد.

سؤال: قرض دادن بشرط اینکه باید در حساب مبلغی به نسبت داشته باشد چه حکمی دارد؟

آیت الله سیستانی: پول گذاشتن با شرط قرض دادن بعد از آن جایز نیست، ولی اگر شرط نکند قرض گرفتن بعد از آن جایز است.

سؤال: اگر فردی مبلغ مشخصی را به قصد گرفتن وام به صورت سپرده نزد یکی از صندوقهای قرض الحسنه با مدت معلومی واریز کند چه حکمی دارد؟

آیت الله سیستانی: اگر به شرط وام دادن باشد جایز نیست گر چه وام گرفتن او صحیح است و مالک می شود.

سؤال: در قرض الحسنه هائی که برای اخذ وام باید مدت معین سپرده در حساب باشد تا وام تعلق بگیرد آیا اشکال دارد یا خیر؟

آیت الله سیستانی: سپردن پول به شرط اینکه صندوق قرض بدهد جایز نیست اما بعد از سپردن پول قرض گرفتن از صندوق مانعی ندارد.

سؤال: در قرض الحسنه هائی که برای اخذ وام باید مدت معینی سپرده در حساب باشد تا وام تعلق بگیرد آیا اشکال دارد یا خیر؟

آیت الله سیستانی: اگر برگشت به قرض به شرط اقراض باشد حرام است اما اگر سپرده گذار (قرض دهنده) شرط نمی کند جایز است هر چند می داند که بر اثر آن بانک هم قرض خواهد داد.

سؤال: بعضی از صندوقهای قرض الحسنه می گویند: در صورتی وام می دهیم که مثلا ۶ ماه یا یک سال در نزد ما سپرده داشته باشید، آیا این شرط صحیح است؟

آیت الله صافی گلپایگانی: اگر پول گذاشتن در صندوق، مشروط به قرض دادن پس از شش ماه باشد، حکم ربا دارد.^{۳۷}

سؤال: در صورتیکه پولی را در قرض الحسنه بگذارند و هدف این باشد که بعد از مدتی دو برابر آن را وام بگیرند آیا درست می باشد؟
آیت الله سیستانی: اگر شرط قرض نکند مانعی ندارد.

سؤال: با متقاضیان وام شرط می شود که برای دریافت وام حتماً حساب پس انداز باز کنند، و حداقل مبلغی که برای افتتاح حساب پس انداز لازم است را برای چند ماه در پس انداز خود داشته باشند. آیا چنین شرطهایی برای پرداخت وام اشکال ندارد؟

آیت الله مکارم: در صورتی که این شرط به نفع سایر وام گیرندگان باشد، اشکالی ندارد؛ ولی اگر برای استفاده وام دهندگان باشد، جایز نیست.

سؤال: وامهایی که بعضی از بانکها یا مؤسسه ها می دهند مشروط به این که وام گیرنده قبلاً مبلغی پرداخت کرده باشد چه حکمی دارد؟

آیت الله فاضل: ظاهراً در مورد سؤال، مبلغی را که وام گیرنده، اول می دهد، به عنوان قرض نیست، بلکه به عنوان سرمایه گذاری و مشارکت است لذا اشکال ندارد، بلی در همین مورد چنانچه مبلغی را که اول می دهند به عنوان قرض و مشروط بر این بدهند که به آنها وام بدهند در این صورت، قرض ربایی محسوب شده و جایز نیست.

سؤال: آیا شرط زیر جایز است: «به شما وام پرداخت می کنم، مشروط بر این که مبلغی به فلان مؤسسه خیریه یا کمیته امداد کمک کنید.»؟
آیت الله مکارم: با توجه به این که این وام سودی برای وام دهنده مطالبه نمی کند، بلکه منفعتی را

برای مؤسسه خیریه یا مانند آن می طلبد، اشکالی ندارد.

سؤال: با توجه به اینکه در خرید مسکن اکثر فروشندگان ابتدا وجه ملک خود را دریافت و سپس اقدام به انتقال سند می نمایند و همچنین اینکه جهت دریافت وام مسکن می بایست سند مذکور در رهن بانکها قرارگیرد در صورتیکه خریدار مبلغ ملک را از ذخیره پس انداز خود برداشت کرده و به فروشنده پرداخت نماید و پس از دریافت وام مسکن آن را جایگزین وجه پرداختی از پس انداز نماید آیا اشکالی وجود دارد؟

آیت الله مکارم: در صورتیکه این مسئله را به اطلاع بانک رسانده و چنین وکالتی از آنها گرفته باشد اشکالی ندارد.

سؤال: آیا وام گرفتن از بانک مسکن که بطور اجمال به صورت زیر میباشد اشکال دارد؟

- در بانک حسابی باز کرده و مدتی پول در حساب می ماند

- پس از آن با توجه به اینکه چه مدت و چه مقدار پول در حساب مانده به ما وام می دهند

- باز پرداخت وام به صورت اقساط و با بهره می باشد

آیت الله مکارم: وام گرفتن از بانکها مانعی ندارد و در صورتی که طبق عقود شرعیّه باشد مبلغ اضافی را که می پردازد ربا نیست.

سؤال: آیا می توانیم جهت خرید مسکن، پول با بهره قرض بگیریم؟

آیت الله سیستانی: می توانید پول را از بانک به عنوان مجهول المالک دریافت کنید و از طرف حضرت آقا به خودتان قرض دهید و پرداخت اقساطی که بانک بعداً از شما با زیاده مطالبه می کند مانعی ندارد.

سؤال: برای خرید مسکن اگر از وام مسکن استفاده کنیم. با توجه به بهره آن حکم شرعی چیست؟

آیت الله سیستانی: اگر بر اساس عقد شرعی صحیح باشد اشکال ندارد.

سؤال: فتوای حضرت آیت الله در مورد اخذ وام از بانک برای ساختن خانه را بیان بفرمائید؟

آیت الله سیستانی: شخصی مبلغی را که بانک پرداخت می کند بعنوان مجهول المالک دریافت می کند و سپس از طرف حضرت آقا به خودش قرض می دهد و بعد اقساط را به بانک می پردازد.

سؤال: اینجانب که چند سال است تصمیم گرفته ام که خانه را بخرم و تصمیم گرفته ام پول خودم را به بانک مسکن بسپارم و وام بانک مسکن را بگیرم ولی بعضی از مردم عقیده دارند که بانک مسکن از نظر اسلام اشکال شرعی دارد نظر حضرتعالی راجع به بانک مسکن و سود سپرده گذاری بانکها و ... را محبت فرمائید؟

آیت الله سیستانی: می توانید مبلغ مورد نظر را از بانک به عنوان مجهول المالک دریافت کنید و از طرف حضرت آقا به خودتان قرض دهید و بعد اقساط آنرا به بانک پرداخت می کنید ولو اینکه مبلغ بیشتری بدهد.

سؤال: بعضی از بانکها برای تعمیر خانه ای که دارای سند رسمی است، وامی را به عنوان «جُعَاله» می دهند به این شرط که گیرنده وام هم بدهی خود را همراه با چند درصد اضافه در مدت مشخصی به صورت اقساط بپردازد، آیا وام گرفتن به این صورت شرعاً جایز است؟ و چگونه در آن، جُعَاله تصور می شود؟

آیت الله خامنه ای: اگر این مبلغ به عنوان قرض برای تعمیر خانه در اختیار صاحب آن قرار بگیرد، جُعَاله بودن آن معنا ندارد و شرط زیاده هم در قرض جایز نیست هر چند اصل قرض در هر صورت صحیح است ولی مانعی ندارد که صاحب خانه برای بانک در تعمیر خانه، جُعَل (عوض) قرار دهد که در این صورت جُعَل (عوض) خصوص آنچه که بانک برای تعمیر خانه مصرف کرده نیست بلکه

مجموع چیزی است که بانک آن را در قبال تعمیر خانه بطور قسطی مطالبه می کند.

ماهیت بانکداری اسلامی

غلامرضا رضوانی از طراحان اصلی قانون بانکداری اسلامی و عضوی فقهای شورای نگهبان، می گوید: چون در بانکداری اسلامی مالک اصلی پول سپرده گذار است لذا نه بانک به عنوان وکیل سپرده گذار و نه مشتری تسهیلات گیرنده مالک پول نمی شوند لذا اگر سود دهی به پول تعلق گیرد و به اصل آن یعنی مالک اصلی که همانا سپرده گذار است بر می گردد و به هیچ وجه شبهه ربوی وجود ندارد.

در بانکداری رایج دنیا بانک مالک پول سپرده گذار می شود و مشتری هم مالک تسهیلات گرفته شده می شود.

بانک در نظام اسلامی به عنوان وکیل سپرده گذار مالک پول نمی شود و ذمه‌ای هم ندارد ولی طبق قراردادی که بانک به عنوان وکیل با سپرده گذار به عنوان موکل خود می بندد بانک خود را ضامن پول می داند و این اشکالی ندارد.

اگر بانک سپرده گذار بدون قرارداد پول را به بانک بدهد و بانک هم بدون قرارداد پول سپرده گذار را به مشتری بدهد این مصداق اکل مال به باطل است ولی اگر قراردادی بسته می شود به مصداق المومنون عند شروطهم باید به شرط خود عمل کنند.

اگر عقود اسلامی در بانکداری به نحو صحیح انجام بسته نشود یا قراردادی در کار نباشد معامله باطل می شود.

نمی دانم چه فکری است که می گویند بانک های کشور ربا دارند در صورتی که اصلاً چنین چیزی نیست چون نه بانک و نه مشتری مالک می شود.

بنابراین اساس کار بانک اسلامی از ربا بری است ولی این مسئله برای دنیا باید روشن باشد تا شیرینی بنای صحیح شرعی بانکداری اسلامی به مذاق همه تأثیر بگذارد و مردم شیرینی آن را لمس کنند.^{۳۸}